بخش اول- کلیات:

۱. تعریف حقوق جزای عمومی:

حقوق جزا شاخه ای از حقوق عمومی داخلی است. حقوق جزا خود به دو شاخه حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی تقسیم می شود. حقوق جزای عمومی مجموعه قواعد عمومی ا ست که می پردازد: ۱. جرم ۲. واکنش در برابر جرم که عبارت ا ست از: الف- مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات ب- اقدامات تامینی و تربیتی ۳. مسئولیت کیفری و شرایط و موانع آن

ماده ۱:

۲. ویژگی های حقوق جزا:

۱. داشتن ضمانت اجرا:

۲. آمره یا الزامی بودن:

۳. شخصی بودن:

۴. سرزمینی بودن:

۵. کلی و عام الشمول بودن:

۳. تعریف جرم و نکات حاصل از آن: (ماده ۲)

- تعریف جرم: ← هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. (م ۲)

نکات این تعریف:

۱. صرف اندیشه مجرمانه جرم نیست.

۲. این تعریف بیانگر ا صل قانونی بودم جرم و مجازات و ا صل اباحه ا ست. رفتار غیر اخلاقی و غیر شرعی جرم نی ست مگر در قانون پیش بینی شده با شد. مثل خودکشی یا دروغگویی مگر مواردخاص مثل سگوند دروغ و شهادت کذب (۶۴۹ و ۶۵۰ تعزیرات). البته در دو مورد خاص مقنن رفتاری را به موجب شرع قابل مجازات دان سته ا ست. یکی در حدود به موجب ماده ۲۲۰ و دیگری در معاونت به موجب ماده ۱۲۷ ق.م.ا.

۳. تنها واکنش در برابر جرم در این تعریف به اشتباه مجازات اعلام شده است.

٤. اصل قانونی بودن جرم، مجازات و دادرسی و نتایج حاصل از آن: (مواد ١٠ تا ١٣)

- اصل قانونی بودن جرم و مجازات در ق. اساسی، ق.م.ا، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و ق.آ.د.ک به رسمیت شناخته شده است.

- این اصل دارای مبانی فقهی است: ١) قاعدهٔ قبح عقاب بلابیان. ٢) آیهٔ لا یکلف الله نفساً الّا ما آتیها و یا آیهٔ لا یکلف الله نفساً الّا ما وسعها. ٣) آیه ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً. ۴) حدیث رفع از حضرت محمد (ص). ۵) حدیث سعه (الناس فی سعه مالایعلمون: مردم درباره آنچه نمیدانند در آسایش هستند.)

اصل قانونی بودن: ←
- جرم
- مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی
- دادرسی (ماده ١٢)

عمد یا تقصیر: ← ....

در غیر اینصورت ← ....
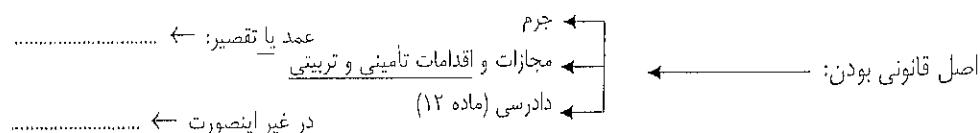
- م ١٣: تخلف از اصل قانونی بودن و اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی بیشتر از نوع یا کیفیت مقرر در قانون یا حکم دادگاه و ورود خسارت:

- م ۴٨۵ و تبصره:

- م ۴٨۶: تخلف از اصل قانونی بودن مجازات و تحقق فوت یا آسیب‌های بدنی بیشتر در اجرای مجازات:
- عمد یا تقصیر: ← ....
- در غیر اینصورت
  - در حدود و قصاص: ضمان منتفی است.
  - در تعزیرات: دیه از بیت‌المال جبران می‌شود.
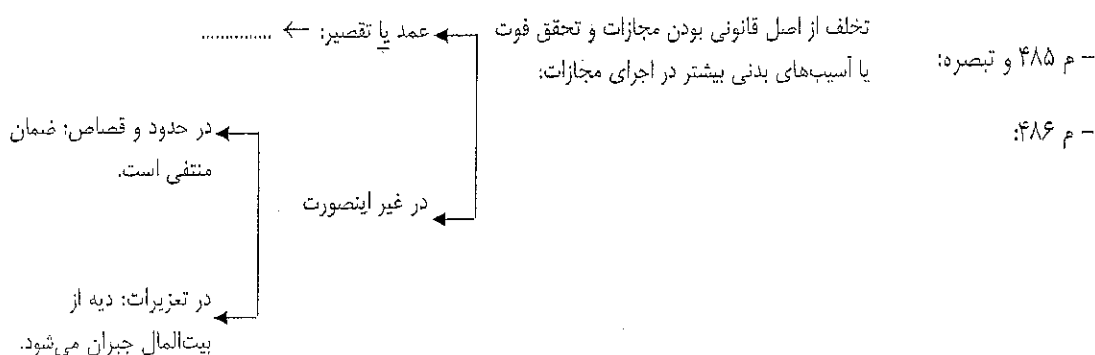
- نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات: ←
- الف- تفسیر مضیق قوانین کیفری
- ب- عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری

الف) تفسیر مضیق قوانین ماهوی:

* تفسیر از حیث مقام تفسیرکننده:
- قانونی
  - تفسیر ق. اساسی: شورای نگهبان (اصل ٩٨ ق.اساسی)
  - تفسیر ق. عادی: با مجلس (اصل ٧٣ ق. اساسی)
- شخصی
- قضایی: (اصل ٧٣ ق. اساسی)
  - ١. تفسیر منطقی، غایی، توضیحی، احراز نظر مقنن(بهترین)
  - ٢. تفسیر مضیق، محدود، ادبی، منطوقی
  - ٣. تفسیر به نفع متهم
  - ۴. تفسیر موسع: در حقوق جزای ماهوی، جایز نیست مگر در مقام تفسیر به نفع متهم؛ البته تفسیر موسع در قوانین شکلی اصولاً جایز است مگر اینکه به خلاف حقوق متهم باشد.

نکته: اصل تفسیر مضیق قوانین اگر چه در قوانین ما به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است اما در عمل از آن تبعیت می‌شود.

* نتایج اصل تفسیر مضیق قوانین ماهوی: ۱. قاعده تبرئه در حال شک ۲. قاعده منع استفاده از قیاس

ب) عطف به ماسبق نشدن قانون (تعارض قوانین جزایی در زمان - قلمرو قوانین جزایی در زمان):

این اصل بدین معنی است که:

- اثر قانون نسبت به .... است. (م ۴ ق.مدنی)

- قانون .... سرایت نمی‌کند.

- باید از قبل، عملی در قانون جرم انگاری شده باشد. (اصل ۱۶۹ ق. اساسی و م ۱۰)

- هیچ رفتاری را نمی‌توان به موجب قانون لاحق (قانون مؤخر) به .... محکوم کرد. (م ۱۰)

- جرایم تابع قانونِ زمانِ .... هستند.

نکته ۱: اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین دارای مبنای فقهی است: قاعده جَب (الاسلام یَجُبُّ ما قبلَه).

نکته ۲: در بحث از قلمرو قوانین جزایی در زمان، دو موضوع مورد اهمیت است یکی تاریخ اعتبار قوانین و دیگری تاریخ وقوع جرم:

اول) تاریخ اعتبار قوانین:

تاریخ اعتبار یافتن یک قانون پس از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان، ۱۵ روز پس از انتشار آن در روزنامه رسمی است مگر اینکه در خود قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. (م ۲ قانون مدنی)

دوم) تاریخ وقوع جرم:

جرائم به اعتبار زمان وقوع به چهار دسته تقسیم می شوند: الف- جرم آنی یا فوری ب- جرم مستمر یا متمادی پ- جرم به عادت یا اعتیادی ت- جرم استمرار یافته یا متوالی و ادامه یافته یا مکرر یا جمعی متحد المقصد.

۱) جرم آنی یا فوری:

جرمی است که در یک فاصله زمانی کوتاه واقع می شود و به پایان می رسد. جرم آنی تابع قانون زمان وقوع است. مثل سرقت، جاسوسی، قتل، آدم ربایی، ممانعت و مزاحمت از حق، فروش مال مسروقه، خیانت در امانت، کلاهبرداری و تقاضای ثبت ملک غیر، تبانی، دسترسی غیر مجاز، شنود رایانه ای، رها کردن طفل در محل خالی از سکنه، تغییر غیر مجاز کاربری اراضی (رای وحدت رویه شماره ۸۲۲)، فرار از زندان.

۲) جرم مستمر یا متمادی:

جرمی است که در طول زمان ادامه دارد و پی در پی تجدید حیات می کند و رفتار مجرمانه مدت زمان نسبتاً طولانی دوام می یابد و کلیه اجزای تشکیل دهندهٔ جرم دائماً در حال تکرار است. جرم مستمر تابع قانون لاحق است حتی اگر شدیدتر باشد. در واقع رسیدگی به جرم مستمر تابع قانون زمان قطع استمرار است.

مثل: تصرف عدوانی (م ۶۹۰ تعزیرات)، استفاده از لباس مأمور دولت و یا نشان دولتی (م ۵۵۶ و ۵۵۷ تعزیرات)، اخفای مال مسروقه (م ۶۶۲ تعزیرات)، توقیف غیر قانونی (م ۵۸۳ تعزیرات)، مخفی کردن اشخاص (م ۶۲۱ تعزیرات)، مخفی کردن ادله وقوع جرم (م ۵۵۴ تعزیرات)، حمل سلاح غیر مجاز (ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمت)، ایجاد سد بر مجرای آب متعلق به دیگری (م ۶۸۴ تعزیرات)، فرار از خدمت (مواد ۵۶ تا ۷۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح)، نگهداری آلات و وسایل مخصوص قماربازی (م ۷۰۸ تعزیرات)، قبول خدمت در قمارخانه یا اماکن معد برای مصرف مشروبات الکلی (م ۷۰۹ تعزیرات)، استفاده غیر مجاز از آب و برق و ... (موضوع قانون مجازات استفاده غیر مجاز از آب و برق و ...)

نکته: اغلب جرایم ترک فعلی آنی است به جزء جرائمی خاص مثل جرم ترک انفاق(م ۵۳ قانون حمایت از خانواده) و یا امتناع از استرداد طفل سپرده شده به کسانی که قانوناً حق مطالبه او را دارند (م ۶۳۲ تعزیرات). پس عدم ثبت واقعه ازدواج (م ۴۹ قانون حمایت از خانواده) یا عدم اعلام ولادت طفل (ماده ۴۸ قانون ثبت احوال) جرمی است آنی.

۳) جرم به عادت یا اعتیادی:

جرمی است که لازمهٔ تحقق آن تکرار رفتار مادی است و صرف یکبار انجام رفتار، جرم محسوب نمی شود و باید عادت مرتکب احراز شود. یعنی حداقل باید رفتار مجرمانهٔ جرایم به عادت ۲ بار انجام شود تا عادت احراز شود. جرم به عادت در صورتی تابع قانون لاحق است که اعمال تشکیل دهنده عادت در زمان قانون لاحق واقع شده باشد. پس لازم است حداقل دو بار آن رفتار مجرمانه در زمان قانون جدید واقع شود تا قانون لاحق نسبت به آن اعمال شود. چند مثال: ولگردی، تکدی گری، کلاشی (م ۷۱۲ تعزیرات) طبابت غیر مجاز و اعتیاد؛

نکته: جرم قوادی، جرم آنی است اما دایر کردن مراکز فساد و فحشا و دایر کردن قمار خانه جرم به عادت هستند.

٤) جرم استمرار یافته یا مکرر یا متوالی:

ارتکاب جرائمی است که متشکل از چندین جرم است که هر یک به تنهایی قابل مجازات می باشد ولی چون مرتکب با قصد مجرمانه واحد نسبت به بزهدیده واحد مبادرت به ارتکاب یک نوع جرم در دفعات می ورزد، مشمول مقررات جرایم مستمر است. یعنی اگر جرم در قانون جدید واقع شود تابع قانون جدید خواهد بود. (در واقع جرم استمرار یافته جرم آنی است که احکام جرم مستمر را دارد مانند کسی که هر شب از یک انبار ۱۰ کیلو گندم سرقت می نماید.)

نکته ۳: به رغم اینکه اصل بر عطف به ماسبق نشدن قوانین است اما در موارد استثنائی، این قوانین عطف به گذشته می شوند.

مواردی که قانون لاحق عطف به ماسبق می‌شود (استثنائات عطف به ماسبق نشدن) عبارتند از:

۱. .... (همیشه) مثل: م ۳۵۴ ق.م.ا یا تبصره ۳ م ۵۶۶ مکرر تعزیرات.

۲. .... (همیشه)

۳. .... (همیشه) ← حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی، عطف به ماسبق ....

نکته: عطف به ما سبق نشدن، منحصر به مقررات و نظامات حکومتی (تعزیرات غیر منصوص و اقدامات تأمینی) است و منصرف از احکام الهی و حدود شرعی است. (رای وحدت رویه شماره ۱۱ – مورخ ۱۳۶۴)

نکته: جرایم شرعی، تابع قانون زمان رسیدگی هستند.

۴. .... : قوانین شکلی، اصولاً عطف به ماسبق می‌شوند مگر به تصریح قانون یا بر خلاف حقوق متهم باشند که در اینصورت عطف به ماسبق نمی شوند.

نکته: در خصوص عطف به ماسبق شدن قوانین شکلی به م ۱۱ توجه کنید. طبق م ۱۱:

۵. .... (نسخ مجازات قانونی): ← قوانین جرم زدا اصولاً عطف به ماسبق می‌شود مگر در قوانین موقت که قانون جرم‌زدا عطف به ماسبق نمی‌شود مگر به تصریح قانون.

۶. ....: ← اصولاً عطف به ما سبق می شود مگر در قوانین موقت که قانون مساعد، عطف به ما سبق نمی‌شود مگر به تصریح قانون.

نکته: قوانین موقت عطف به ماسبق .... مگر به تصریح قانون. (تبصره م ۱۰)

نکته: ملاک تشخیص قانون مساعد در فرض تغییر حداقل و حداکثر مجازات قانونی، .... است و در فرض تغییر نوع مجازات، ملاک، شخصی است و قاضی تشخیص می‌دهد با توجه به خصوصیات مرتکب، کدام قانون مساعد است.

نکته: قوانین زیر مساعد محسوب می شوند:

- قانونی که مجازات را به اقدامات تأمینی تبدیل کند.

- قانونی که میزان مجازات جرم ارتکابی را تخفیف دهد.

- قانونی که عامل مشددهٔ قانون سابق را حذف کند.

- قانونی که مجازات تکمیلی جرمی را حذف کند.

- قانونی که مجازات تبعی یک جرم را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل کند.

- قانونی که جرمی را قابل گذشت اعلام کند.

- قانونی که جرم مطلق را به مقید تبدیل کند.

- قانونی که کیفیات مخففه قضایی را به معاذیر قانونی تغییر دهد.

- قانونی که نهادهای مساعد به حال مرتکب را گسترش دهد.

نکته: اگر در خصوص مساعد بودن قانون جدید تردید شود، با توجه به اینکه عطف به ماسبق شدن قانون مساعد استثناء است، اصل بر حاکمیت قانون سابق است و قانون جدید را نباید عطف کرد.

*** نحوهٔ عطف به ماسبق شدن قوانین جرم‌زدا یا مساعد:**

۲ حالت متصور است:

۱) درخصوص جرم سابق حکم قطعی براساس قانون قدیم صادر نشده: (صدر ماده ۱۰)

الف) اگر قانون جدید جرم‌زدا است: نسخ مجازات قانونی به عنوان یکی از عوامل سقوط دعوای عمومی (م ۱۳ ق.ا.د.ک) موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود.

ب) اگر قانون جدید مساعد است: طبق قانون جدید مجازات تعیین خواهد شد.

۲) درخصوص جرم سابق، حکم قطعی براساس قانون قدیم صادر شده است: (ذیل ماده ۱۰)

الف) اگر قانون جدید جرم‌زدا باشد: اگر مجازات اجرا نشده یا در حال اجرا باشد، قرار موقوفی اجرای مجازات توسط قاضی اجرای احکام صادر می شود. همچنین در این دو حالت و در فرضی که مجازات اجرا شده باشد، مجازات تبعی ندارد. (بند الف م ۱۰ و م ۹۹)

ب) اگر قانون جدید مساعد باشد: مورد از موارد اعاده دادرسی نیست بلکه:

- قاضی اجرای احکام مکلف است خود رأساً از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست تخفیف مجازات طبق قانون جدید کند.

- محکوم نیز می‌تواند خود رأساً از این دادگاه چنین درخواست کند.

- در جرایم اطفال، ولی و سرپرست طفل نیز می‌تواند خود رأساً از این دادگاه چنین درخواست کند.

در نهایت دادگاه صادر کننده حکم قطعی مکلف است بر اساس قانون جدید مجازات را کاهش دهد. (بند ب م ۱۰)

نکته: آراء وحدت رویه نسبت به احکام قطعی عطف به ماسبق نمی شود مگر اینکه رأی قطعی هنوز اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و رأی وحدت رویه مساعد یا جرم زدا باشد، که در این صورت رأی وحدت رویه نسبت به رأی قطعی شده نیز سرایت می کند. (م ۴۷۱ آ.د.ک)

نکته: مقررات مجازات جایگزین حبس اگر چه مساعد به حال متهم هستند اما در خصوص احکام قطعی شده قبلی عطف به ما سبق .... (م ۷۴)

نکته: حکم مذکور در تبصره م ۵۵۱ ق.م.ا در خصوص پرداخت نصفه دیه زن از صندوق تامین خسارت های بدنی عطف به ما سبق نمی شود و ناظر به جنایت هایی است که بعد از سال ۹۲ واقع شده است. (رای وحدت رویه شماره ۷۶۶)

نکته: حکم مذکور در م ۲۸ در خصوص تعدیل مبلغ جزای نقدی ناظر به احکامی است که بعد از آن صادر می شود.

نکته: ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها که دادگاه را مکلف کرده ضمن صدور حکم مجازات برای مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز اقدام به تغییر کاربری نمایند، حکم بر قلع و قمع بنا نیز صادر نماید، نسبت به جرایم واقع شده پیش از لازم الاجرا شدن آن ماده حاکمیت ندارد. (رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰)

۵. قلمرو قوانین جزایی در مکان: (مواد ۳ تا ۹)

* چهار اصل اساسی صلاحیت: ۱. صلاحیت سرزمینی ۲. صلاحیت واقعی ۳. صلاحیت شخصی ۴. صلاحیت جهانی

۱) صلاحیت سرزمینی: (ماده ۳)
- محل وقوع: ایران
- مرتکب: هر کس(با هر تابعیتی)
- بزهدیده: هر کس(با هر تابعیتی)
- نوع جرم: فقط کافی است طبق قانون ایران جرم باشد
- رسیدگی غیابی جایز است.

نکته: ماده ۴: هرگاه قسمتی از عنصر مادی جرم در ایران و نتیجه در خارج
و یا قسمتی از عنصر مادی جرم در خارج و نتیجه در ایران
} واقع شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است و ایران از حیث صلاحیت سرزمینی صالح است.

* اگر تنها عملیات مقدماتی در ایران و عنصر مادی و نتیجه جرم هر دو در خارج از ایران واقع شود، ایران از حیث صلاحیت سرزمینی صالح نیست مگر اینکه عملیات مقدماتی جرم مستقلی باشد که ایران برای رسیدگی به آن دارای صلاحیت سرزمینی است.

نکته: اگر مباشرت در ایران و معاونت در آن جرم، در خارج از ایران واقع شود، به نظر به جرم معاون نیز می توان در ایران رسیدگی کرد و اگر معاونت در ایران و مباشرت در خارج از ایران واقع شود تنها زمانی می توانیم به جرم معاون در ایران رسیدگی کنیم که یا رفتار ارتکابی معاون در ایران خود جرم مستقلی باشد و یا اینکه به موجب قانون، ایران صلاحیت رسیگی به جرم مباشر را نیز داشته باشد.

ماده ۳:

نکته صلاحیت سرزمینی دارای ۳ استثناء است:
- مصونیت سیاسی
- کشتی جنگی خارجی
- هواپیما خارجی

نکته: مأمور سیاسی، (سفیر، دیپلمات و کاردار) در کشور پذیرنده، دارای مصونیت مطلق است و در کشور پذیرنده، در ارتکاب هیچ جرمی، قابل تعقیب، محاکمه و مجازات نیست و تنها به عنوان عنصر نامطلوب از کشور اخراج می‌شود.

نکته: مأمور کنسولی دارای مصونیت نسبی است و فقط در جرایم غیر مهم، غیر مشهود و مرتبط با وظیفه دارای مصونیت است.

نکته: مصونیت مأمور سیاسی، به معنی سلب مسئولیت از او نیست. ⇐ مادهٔ ۶:

نکته: جرایم واقع در هواپیما خارجی در آسمان ایران اصولاً در صلاحیت ایران نیست مگر اینکه: الف- مرتکب یا مجنی‌علیه تبعه ایران می‌باشد. ب- هواپیما پس از وقوع جرم در ایران فرود آید. پ- جرم، مخل امنیت عمومی ایران باشد.

۲) صلاحیت واقعی: (م ۵)
(حمایتی – حفاظتی)
- محل وقوع: خارج از ایران
- مرتکب: ایرانی یا غیرایرانی
- نوع جرم: از جرایم حصری در ماده ۵ یا قوانین خاص ⇐ جرایم علیه امنیت و منافع اساسی ایران
- رسیدگی غیابی جایز است.
- نحوهٔ رسیدگی:
  - اگر در محل وقوع محاکمه نشده باشد: قابل محاکمه است.
  - اگر در محل وقوع محاکمه و تبرئه شده باشد: قابل محاکمه مجدد است.
  - اگر در محل وقوع محاکمه و مجازات شده باشد:
    - در حدود: قابل محاکمه مجدد است
    - در تعزیرات: مجازات تحمل شده محاسبه می‌شود. (قاعده احتساب)

۳) صلاحیت شخصی یا مبتنی بر تابعیت:

الف) صلاحیت شخصی فعال – مثبت – بزهکار محور:

ماده ۷:

- محل وقوع: خارج از ایران
- مرتکب: تبعه ایران (ملاک، تابعیت در زمان ارتکاب جرم است.)
- بزهدیده: هر کس
- نوع: فقط کافی است طبق قانون ایران جرم باشد و از جرایم موضوع ماده ۵ نباشد.
- رسیدگی غیابی جایز نیست و مرتکب باید در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد و
- طبق قانون ایران دلیلی بر منع یا موقوفی تعقیب یا اجرا نباشد.
- نحوهٔ رسیدگی:

۱) اگر در محل وقوع محاکمه نشده:
قابل محاکمه است.

۲) اگر در محل وقوع محاکمه و تبرئه
یا محاکمه و مجازات اجرا شده باشد:

- قابل محاکمه مجدد ← در حدود، قصاص، دیات ، تعزیرات منصوص شرعی
- قابل محاکمه نیست ← در تعزیرات غیرمنصوص
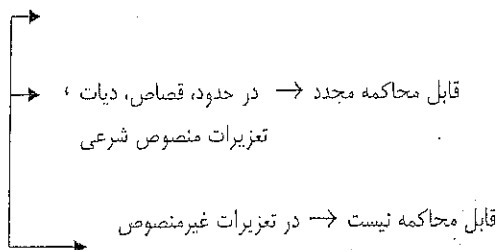
ب- صلاحیت شخصی منفعل – منفی – بزهدیده محور:

ماده ۸:

- . محل وقوع: خارج از ایران
- . مرتکب: غیر ایرانی (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی)
- . بزهدیده: ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی یا کشور ایران در غیر از جرایم مادهٔ ۵
- . نوع جرم:
  - ۱. در حدود – قصاص – دیات – تعزیرات منصوص: کافی است که طبق قانون ایران جرم باشد
  - ۲. در تعزیرات غیرمنصوص: طبق قانون ایران و محل وقوع باید جرم باشد. (مجرمیت متقابل)
- . نحوهٔ رسیدگی: همانند صلاحیت شخصی فعال.
- رسیدگی غیابی جایز نیست و باید مرتکب در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد.

٤) صلاحیت جهانی: م ۹

- محل وقوع: خارج از ایران
- مرتکب: خارجی بزهدیده: خارجی
- جرم: از جرایم بین‌المللی که مرتکب در هرکجا یافت شود طبق قانون همان کشور محاکمه می‌شود + باید طبق قانون ایران نیز جرم باشد.
- رسیدگی غیابی جایز نیست و مرتکب باید در ایران یافت شود.

نکته: در خصوص قلمرو صلاحیت محاکم و قوانین جزایی ایران در خصوص جرایم رایانه ای باید به ماده ۶۶۴ ق.ا.د.ک توجه کرد.

نکته: در خصوص قلمرو قوانین جزایی در مکان، یکی از مباحث مطرح، بحث از استرداد مجرمین است. در خصوص قواعد استرداد مجرمین طبق قانون ایران توجه به نکات زیر مفید است:

۱. استرداد مطابق قانون ایران مشروط به معامله متقابل می‌باشد.

۲. دولت‌های خارجی با رعایت یکی از شرایط زیر حق تقاضای استرداد متهم را دارند:

الف) صلاحیت سرزمینی داشته باشد ب) صلاحیت شخصی فعال داشته باشد. پ) صلاحیت واقعی داشته باشد.

۳. اگر به خاطر عمل واحد ، چند کشور تقاضای استرداد نمایند، اولویت با صلاحیت سرزمینی و واقعی می‌باشد.

۴. اگر به خاطر اعمال متعدد، چند کشور تقاضای استرداد کنند، استرداد با توجه به حق تقدم صورت می‌گیرد و تعیین حق تقدم در صلاحیت انحصاری دولت استرداد کننده می‌باشد. در ایران به موجب تبصره ماده ۱۰ قانون استرداد مصوب ۱۳۳۹ حق تقدم بدین شکل تقسیم‌بندی شده است: الف) اهمیت جرم ب) محل وقوع جرم پ) تاریخ تقاضای استرداد ت) تعهدی که دولت تقاضاکننده نسبت به رد مجرم می‌نماید.

۵. استرداد نسبت به کلیه مجرمین اعم از فاعل، شریک و معاون قابل اعمال است.

۶. موارد ممنوعیت و عدم جواز استرداد متهمین عبارتند از: الف) استرداد اتباع داخلی. ب) قابل تعقیب بودن شخص مورد تقاضا در ایران پ) استرداد مجرمین سیاسی و نظامی.

۶. ارکان تشکیل دهنده جرائم:

۱. ارکان تشکیل دهنده جرم عبارتند از: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی.

۲. عنصر قانونی، مستند قانونی هر جرم است. این رکن در واقع در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات پیش‌بینی شده است.

۳. عنصر معنوی، اندیشه و فعل و انفعالات ذهنی مرتکب جرم است و حال و احوال ذهنی مجرم در این رکن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. عنصر مادی هم در واقع نمود بیرونی اندیشه مجرمانه است و آثار بیرونی رفتار مجرمانه در این رکن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷. انواع تقسیم‌بندی جرائم:

جرائم از جهات مختلف قابل تقسیم بندی هستند:

الف) طبقه بندی جرائم از حیث عنصر قانونی:

۱. از حیث موضوع: جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم علیه امنیت، جرایم علیه آسایش و مصالح عمومی، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشـــخاص، جرایم علیه حیثیت معنوی اشـــخاص، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق خانوادگی، جرایم علیه عدالت قضایی، جرایم علیه مقدسات مذهبی و جرایم علیه نظام اقتصادی کشور.

۲. از حیث نوع مجازات: جرایم موجب حد – جرایم موجب قصاص یا دیه – جرایم موجب تعزیر.

۳. از حیث اجزاء تشکیل دهنده عنصر قانونی: جرم ساده و مرکب.

الف) جرم ساده، جرمی است که دارای یک مستند قانونی است که در آن مجازات قانونی جرم نیز ذکر شده است.

ب) جرم مرکب جرمی ا ست که عن صر قانونی آن از بیش از یک ماده ت شکیل شده، به این معنی که یک ماده آن جرم را تعریف کرده است و مواد دیگر برای آن مجازات تعیین کرده است. مثل قتل، جعل و سرقت.

۴. از حیث طبیعت و ذات یا از حیث وصف: جرایم عمومی، جرایم سیاسی، جرایم نظامی و جرایم مطبوعاتی.

الف) جرائم عمومی جرائمی هستند که تابع قواعد ماهیتی و شکلی مشترک و صلاحیت عام دادگاه ها است.

ب) جرائم ســیاســی تابع تعاریف و مصــادیق مذکور در مواد ۱ تا ۳ قانون جرایم ســیاســی اســت. (ضــابطه عینی(نوعی یا بیرونی) و ذهنی(درونی)) یعنی جرایم موضوع ماده ۲ این قانون که به قصد اصلاح امور بدون قصد براندازی نظام انجام شود، جرم سیاسی محسوب می شود.

طبق ماده ۱ قانون جرم سیاسی: "هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود." و طبق ماده ۲ همین قانون: "جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند . الف - توهین یا افتراء به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسوولیت آنان ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ تعزیرات پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه-) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات ث - نشر اکاذیب"

از جمله قواعد افتراقی در خصوص مجرمین سیاسی، صلاحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان با حضور هیئت منصفه، علنی بودن رسیدگی، مجزا بودن محل نگهداری آنها، ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان، عدم اعمال مقررات ناظر بر تکرار جرم، غیر قابل استرداد بودن آنها به سایر کشورها، ممنوعیت حبس انفرادی جز در شرایط استثنایی حداکثر به مدت ۱۵ روز، حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس و حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول حبس می باشد.

پ) جرم مطبوعاتی، وصف خاص ناشی از شیوه ارتکاب این جرم است. هرگاه جرمی به صورت نشر در مطبوعات یا در هر صورت در قلمرو مطبوعات انجام شود، جرم مطبوعاتی نامیده می شود. لذا جرایمی مثل توهین، افترا، نشر اکاذیب و نظایر آنها هرگاه با وجود عناصر مادی و روانی از طریق نشر در مطبوعات انجام شود، وصف جرم مطبوعاتی را می یابد. این جرم همچون جرم سیاسی در صلاحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم است که به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه صورت می گیرد.

ت) جرم نظامی هم طبق ماده ۵۹۷ ق.ا.د.ک و تبصره های آن جرمی است که یکی از اعضای نیروهای مسلح در راستای وظایف خود انجام می دهد که فایده این تقسیم بندی در اختصاص شیوه های افتراقی ماهوی و شکلی است. از قبیل منع استرداد، صلاحیت محاکم نظامی، مجازات های خاص.

۵. از حیث تأثیر شکایت و گذشت شاکی: جرم قابل گذشت و غیر قابل گذشت.

الف) تعریف جرم قابل گذشت: تبصره ۱ م ۱۰۰

ب) تعریف جرم غیر قابل گذشت: تبصره ۲ م ۱۰۰

ب) طبقه بندی جرایم از حیث عنصر مادی:

۱. از حیث دوام رفتار و زمان وقوع: جرم آنی، مستمر، به عادت و استمرار یافته.

۲. از حیث شیوه ارتکاب: جرم به فعل و جرم به ترک فعل.

الف) جرم به فعل مثل: سرقت، توهین، کلاهبرداری و افترا، جعل، هتک حرمت املاک، مصرف مسکر، زنا و لواط.

ب) جرم به ترک فعل مثل: ترک انفاق (م ۵۳ قانون حمایت از خانواده)، خودداری از کمک به مصدومین، عدم ثبت واقعه ازدواج (م ۴۹ قانون حمایت از خانواده)، عدم استماع شکایت کسی که بر خلاف قانون حبس شده است از سوی ضابطین دادگستری یا مامورین انتظامی (م ۵۷۲ تعزیرات)، عدم تسلیم زندانی به مقامات صالح یا نرساندن تظلمات وی به مقامات صالح از سوی مسئولان بازداشتگاه ها و ندامتگاه ها (م ۵۷۴ تعزیرات)، استنکاف از احقاق حق (م ۵۹۷ تعزیرات)، گزارش نکردن جرایم مالی توسط روسا، مدیران، مسئولان یا کارکنان سازمان ها (م ۶۰۶ تعزیرات)، عدم گزارش برخی از جرایم از سوی ماموران (م ۷۱۱ تعزیرات)، عدم گزارش سرقت یا مفقود شدن وسیله نقلیه یا پلاک آن از سوی متصرف وسیه نقلیه (م ۷۲۲ تعزیرات)، عدم ذکر تمام وقایع از سوی کارشناس (م ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری)، خودداری از ثبت ولادت یا فوت (م ۴۸ قانون ثبت احوال)

گفتنی است برخی جرائم حسب مورد هم با فعل و هم با ترک فعل قابل تحقق است. مثل قتل یا تخریب عمدی.

۳. از حیث اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده عنصر مادی: جرم ساده و مرکب.

الف) عنصر مادی جرم ساده از یک جزء تشکیل شده است. مثل قتل، سرقت و ...

ب) عنصر مادی جرم مرکب از چندین جزء تشکیل شده است. جرم مرکب جرمی است که رکن مادی آن از اجزاء متعدد و مختلفی تشکیل شده که هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی نیست. مثل کلاهبرداری، معرفی جاسوس به بیگانه (تبصره ماده ۵۱۰ تعزیرات)، تبانی برای جرایم علیه اعراض، نفوس و اموال مردم (م ۶۱۱ تعزیرات) و تغییر و تحریف صوت یا تصویر دیگری و انتشار آن (م ۷۴۴ تعزیرات)

۴. از حیث لزوم تحقق و احراز نتیجه: جرم مطلق و مقید.

الف) جرم مطلق جرمی است که به صرف ارتکاب رفتار مجرمانه، جرم واقع می شود و لزومی به احراز نتیجه خاصی ندارد. مثل: مصرف مسکر (م ۲۶۴)، بغی (م ۲۸۸)، توهین به قومیت ها و مذاهب (م ۴۹۹ مکرر ت)، تحریک رزمنده به عصیان یا فرار و ... (م ۵۰۴ ت)، تحریک مردم به کشتار (م ۵۱۲ ت)، قلب سکه (م ۵۱۸ ت)، تخدیش سکه (م ۵۱۹ ت)، جعل (م ۵۳۶ ت)، استفاده از سند مجعول (م ۵۳۶ ت)، جعل گواهی پزشک (م ۵۳۸ ت)، صدور گواهی خلاف واقع توسط پزشک (م ۵۳۹ ت)، دادن اسلحه به زندانی برای فرار (م ۵۵۲ ت)، جعل عنوان (م ۵۵۵ ت)، پوشیدن لباس مأمور دولت (م ۵۵۶ ت)، حفاری غیر مجاز (م ۵۶۲ ت)، رشاء و ارتشاء (م ۵۹۲ ت و م ۳ قانون تشدید)، توهین (م ۶۰۸ ت)، توهین به کارمند دولت (م ۶۰۹ ت)، تبانی (م ۶۱۰ و ۶۱۱ ت)، آدم‌ربایی (م ۶۲۱ ت)، فراهم کردن وسایل سقط جنین توسط ماما، طبیب یا دارو فروش (م ۶۲۴ ت)، افشای سر (م ۶۴۸ ت)، سوگند دروغ (م ۶۴۹ ت)، شهادت کذب (م ۶۵۰ ت)، ساخت کلید یا هر وسیله دیگر برای سرقت یا ارتکاب هر جرم دیگری (م ۶۶۴ ت)، تهدید (م ۶۶۹ ت)، احراق (م ۶۷۵ و ۶۷۶ ت)، افترا بیانی یا ساده (م ۶۹۷ ت)، نشر اکاذیب (م ۶۹۸ ت)، حمل سلاح غیرمجاز (م ۶ قانون مبارزه با قاچاق اسلحه).

ب) جرم مقید جرمی است که برای تحقق، نیازبه احراز تحقق نتیجه خاص دارد. مثل: جرایمی مثل: تمامی جرایم غیر عمدی، حد قوادی (م ۲۴۲)، محاربه (م ۲۷۹)، افساد فی الارض (م ۲۸۶)، جنایت، صدور تصدیق نامه خلاف واقع علیه دیگری (م ۵۴۰ ت)، واسطه‌گری برای رشاء و ارتشاء (م ۵۹۳ ت)، ایجاد هیاهو و جنجال و انجام حرکات غیر متعارف (م ۶۱۸ ت)، سقط‌جنین (م ۶۲۲ ت)، افتراء عملی (م ۶۹۹ ت)، کلیه جرائم علیه اموال و مالکیت (مثل سرقت، اخاذی (م ۶۶۸ ت)، خیانت در امانت (م ۶۷۴ ت)، تخریب (م ۶۷۷ ت)، کلاهبرداری (م ۱ قانون تشدید)، اختلاس (م ۵ قانون تشدید))، مزاحمت تلفنی (م ۶۴۱ ت)، تدلیس در نکاح (م ۶۴۷ ت)، جنایت ناشی از تخلفات رانندگی (م ۷۱۴ تا ۷۱۷ ت)، هتک حیثیت رایانه ای (م ۷۴۴ ت)، انتشار فیلم خانوادگی به وسیله سامانه رایانه ای (م ۷۴۵ ت)

نکته: حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است. اگر زنا یا لواط محقق نشود، موجب حبس درجه ۶ و ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق درجه ۶ است. (تبصره ۱ م ۲۴۲)

نکته: اغلب جرایم علیه امنیت مطلق هستند جز محاربه و افساد فی الارض و جرم موضوع ماده ۵۰۲ تعزیرات (جاسوسی به نفع کشور بیگانه و به ضرر کشور بیگانه دیگر در داخل ایران).

۵. از حیث فاصله زمانی میان وقوع جرم و کشف آن: جرم مشهود و غیرمشهود.

الف) جرم مشهود جرمی است که به محض وقوع توسط ضابطان دادگستری یا مراجع قضایی کشف می شود. مصادیق جرم مشهود در م ۴۵ ق.آ.د.ک به طور حصری پیش بینی شده است.

ب)جرم غیر مشهود جرمی است که بین وقوع تا کشف آن فاصله وجود دارد.

پ) طبقه بندی جرایم از حیث عنصر معنوی:

از حیث رکن روانی: جرم عمدی و جرم غیرعمدی.

الف) جرم عمدی جرمی است که در صورتی که از روی علم و عمد واقع شود، مرتکب قابل مجازات است. جرایمی مثل: خیانت در امانت، تخریب، کلاهبرداری، توهین.

ب) جرم غیرعمدی جرمی است از روی تقصیر و غیر عمد واقع شود، مرتکب قابل مجازات است. جرایمی مثل: م ۵۴۸ تعزیرات، ماده ۶ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی، ماده ۶ قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن، ماده ۸ قانون راجع به مجازات اخلال گران در صنایع نفت ایران، تخلیه اطلاعاتی، مسامحه و غفلت در نگهداری اسرار امنیتی.

نکته: اصل بر آنی بودن، مطلق بودن، ساده بودن، غیر قابل گذشت بودن و غیر مشهود بودن و عمدی بودن و عمومی بودن و فعلی بودن جرائم می‌باشد.

نکته: فایده تقسیم‌بندی های مذکور در فوق عبارت است از:

۱. تعیین قانون حاکم: همان‌طور که قبلاً گفته شد جرم آنی تابع قانون زمان وقوع جرم است. در حالی که جرم مستمر تابع قانون لاحق است حتی اگر شدیدتر باشد. همچنین در جرم مرکب اگر جزء آخر فعل مادی در زمان حکومت قانون جدید به تحقق بپیوندد جرم مذکور تابع قانون لاحق خواهد بود حتی اگر این قانون شدیدتر باشد.

۲. تعیین ملاک شروع مرور زمان تعقیب: مبدأ مرور زمان تعقیب در جرم آنی تاریخ وقوع جرم است در حالی که مبدأ مرور زمان جرم مستمر تاریخ قطع استمرار می‌باشد و در جرم مرکب مرور زمان از لحظه‌ای شروع می‌شود که آخرین جزء تشکیل‌دهنده جرم واقع شده باشد. در جرم به عادت هم مبداء مرور زمان، آخرین رفتار تشکیل‌دهنده عادت است.

۳. تعیین صلاحیت محلی مراجع کیفری: جرم آنی در صلاحیت دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم است در حالی که در جرم مستمر کلیه دادگاه‌هایی که جرم در حوزه قضایی آنها استمرار داشته، صلاحیت رسیدگی دارند. النهایه مرجعی رسیدگی می‌کند که زودتر تعقیب را شروع کرده است. در جرم مرکب دادگاهی صالح است که جزء آخر عنصر مادی در آن واقع شده و نتیجه مجرمانه محقق شده است.

بخش دوم- رکن مادی جرائم:

۸. رکن مادی جرائم:

عنصر مادی جرائم دارای چهار جزء است؛ این اجزا عبارتند: ۱. رفتار مجرمانه ۲. اوضاع و احوال و شرایط ۳. نتیجه مجرمانه ۴. رابطه سببیت.

الف) رفتار مجرمانه:

همانطور که گفته شد رفتار مجرمانه یا با فعل واقع میشه یا با ترک فعل.

البته حقوقدانان اقسام دیگری از رفتارهای مجرمانه را نام برده اند که در حقیقت منشأ همه آنها فعل یا ترک فعل است. این رفتارها عبارتند از: حالت: مثل اعتیاد یا ولگردی؛ داشتن و نگه‌داشتن: مثل نگهداری مواد مخدر یا الکل یا سلاح غیرمجاز؛ فعل ناشی از ترک فعل: مثل رانندگی با وسیله نقلیه دارای نقص فنی با علم به این موضوع و عدم رفع نقص و تصادف منجر به فوت یا جرح.

ب) اوضواع و احوال و شرایط:

اجزاء اوضاع و احوال و شرایط در هر جرم عبارتند از: موضوع جرم، وسیله ارتکاب، ویژگی های مرتکب یا بزهدیده و خصوصیات زمانی و مکانی.

۱) موضوع جرم:

موضوع جرم، آن ارزشی است که جرم علیه آن واقع می شود. همه جرایم دارای موضوع هستند.

۲) وسیله ارتکاب جرم:

وسیله ارتکاب جرم، سه نقش متفاوت در تحقق جرم می‌تواند داشته باشد.

۱. معمولاً وسیله ارتکاب جرم در تحقق جرائم بی‌تأثیر است، مثل قتل، توهین و ...

۲. گاهی وسیله ارتکاب جرم، جزء عناصر تشکیل‌دهنده جرم بوده و در واقع استفاده از وسیله ای خاص در ارتکاب جرم موضوعیت دارد؛ مثل محاربه، بغی و کلاهبرداری.

۳. گاهی و سیله ارتکاب جرم فقط موجب ت شدید مجازات می شود؛ مثل سرقت م سلحانه، به کار بردن سلاح در جرم تمرد ن سبت به مامورین دولت، آدم‌ربایی با و سیله نقلیه، تخریب با مواد منفجره و کلاهبرداری به و سیله ر سانه‌های د سته‌جمعی یا ارتکاب قمار و شرط بندی به وسیله رمز ارز یا یا ارزهای الکترونیکی و یا ارتکاب جرم توهین به قومیت ها و ادیان موضوع ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی.

۳) ویژگی های بزهکار و بزهدیده جرم:

خصوصیت بزهکار و بزه‌دیده نیز، سه نقش متفاوت در تحقق جرم می‌تواند داشته باشد.

۱. معمولاً جرم توسط هر کس و علیه هر کس قابل وقوع است؛ مثل: محاربه، افسادفی‌الارض، بغی و رشاء.

۲. گاهی وجود خصوصیتی در هر یک بزهکار و بزهدیده در تحقق جرم موضوعیت دارد.

- چند مثال از مواردی که شخصیت مرتکب موضوعیت دارد: جرم اختلاس، تصرف غیر قانونی و ارتشاء فقط توسط کارمند دولت قابل تحقق است. یا جرم صدور تصدیق نامه خلاف واقع موضوع ماده ۵۳۹ تعزیرات که مرتکب الزاما باید پزشک باشد، یا مرد بودن مرتکب در لواط و زن بودن مرتکب در جرم عدم رعایت حجاب شرعی یا جرم ماده ۶۲۴ تعزیرات در خصوص فراهم کردن سقط جنین تو سط طبیب، ماما یا دارو فروش.

- چند مثال از مواردی که شخصیت بزهدیده موضوعیت دارد: جرم موضوع ماده ۶۱۹ کتاب تعزیرات فقط در صورتی که توهین و مزاحمت علیه اطفال و زنان باشد قابل تحقق است یا جرم نوزاد ربایی که بزهدیده باید نوزاد باشد. (م ۶۳۱ تعزیرات) یا جرم موضوع ماده ۶۳۳ تعزیرات در مورد رها کردن افراد ناتوان در محل های خالی از سکنه که بزهدیده الزاما باید کودک یا افراد ناتوان باشد. یا زن بودن قربانی در جرم زنای به عنف.

۳. گاهی خصوصیات بزهکار یا بزه‌دیده تنها موجب تشدید مجازات جرم می شود. مثل کارمند دولت بودن کلاهبردار، یا قاچاق مشروبات الکلی توسط کارمند دولت که موجب تشدید مجازات است یا ربودن اشخاص زیر ۱۵ سال که موجب تشدید مجازات آدم‌ربایی می‌شود و یا توهین به کارمند دولت که موجب تشدید مجازات توهین‌کننده می شود یا ارتکاب جرم سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص محجور توسط ولی، قیم یا سرپرست آنها موضوع ماده ۵۹۶ تعزیرات یا ارتکاب جرم توهین به قومیت ها و ادیان موضوع ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات از سوی ماموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن و یا مثل تبصره ۲ ماده ۱۱ یا تبصره ۲ ماده ۱۳ یا ماده ۲۰ یا بند الف و ب ماده ۲۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

٤) خصوصیات زمانی یا مکانی جرم:

این خصوصیات نیز سه نقش می‌توانند داشته باشند.

۱. اغلب، خصوصیات زمانی و مکانی بی‌تأثیر است؛ مثل توهین، محاربه و کلاهبرداری.

۲. گاهی زمان و مکان، جزء عناصر تشکیل‌دهنده جرم است و در تحقق جرم موضوعیت دارد. مثل م ۵۱۳ (باید در شب باشد) یا م ۵۰۲ ت (که باید در ایران باشد)، م ۵۱۶ و ۵۱۷ ت (باید در ایران باشد)، م ۶۱۹ ت (باید در معبر عام یا معابر)، م ۶۳۸ ت و تبصره آن (باید در انظار و اماکن عمومی و معابر باشد) یا م ۶۵۰ ت (که باید در دادگاه باشد).

۳. گاهی زمان یا مکان خاص موجب تشدید مجازات می شود؛ مثل م ۵۵۵ (تغلیظ دیه قتل در ماه های حرام یا حرم مکه)، و یا م ۶۵۱، ۶۵۴ و ۶۵۶ ت (سرقت در شب) یا م ۶۵۸ ت (سرقت در منطق سیل یا زلزله زده و یا مناطق جنگی با شد) یا م ۵۶۲ ت (حفاری غیر مجاز در اماکن و محوطه های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است)، و م ۶۹۵ ت (ارتکاب جرایم مربوط به تصرف عدوانی در شب). و یا ارتکاب جرم توهین به قومیت ها و ادیان موضوع ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات از طریق نطق در مجامع عمومی.

پ) نتیجه مجرمانه:

جرایم از حیث لزوم تحقق و احراز نتیجه به جرائم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند.

ت) رابطه علیت یا سببیت:

رابطه سببیت یا علیت یعنی وجود رابطه میان رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه؛ رابطه سببیت همچون نتیجه مجرمانه مختص عنصر مادی جرایم مقید می‌باشد.

- لزوم احراز رابطه سببیت در جرایم مقید عمدی: م ۴۹۲
- لزوم احراز رابطه سببیت در جرایم مقید غیرعمدی: م ۵۲۹

بخش سوم- فرایند ارتکاب جرم (مسیر رفتار مجرمانه)

اگر ارتکاب جرم را همانند مسـیری در نظر بگیریم که بزهکار در آن گام می‌گذارد و آن را از ابتدا تا انتها طی می‌کند، چهار مرحله مجزا قابل تشخیص است که عبارتند از: الف- قصد مجرمانه ب- عملیات مقدماتی پ- عملیات اجرایی ت- اتمام عملیات اجرایی.

۹. مسیر رفتار مجرمانه: (ماده ۱۲۲ تا ۱۲۴)

الف- اندیشه مجرمانه ← ....

ب- عملیات مقدماتی (تهیه مقدمات – تهیه وسیله)
- الف) هرگز شروع به یک جرم نیست و اصولاً .... (م ۱۲۳)
- ب) در مواردی خاص مقنن عملیات مقدماتی را به عنوان جرم مستقل و خاص پیش بینی کرده است. (جرائم مانع)

مواردی مثل:
- ۱. حمل و تهیه و نگهداری سلاح غیر مجاز (م ۶ قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات)
- ۲. ۶۲۴ تعزیرات (فراهم کردن وسایل سقط جنین توسط طبیب، ماما یا داروفروش)
- ۳. ۶۶۴ تعزیرات: (ساخت و تهیه کلید یا هر وسیله دیگر برای جرم)
- ۴. ۶۱۰ و ۶۱۱ تعزیرات: (اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم)

پ- شروع به عملیات اجرایی (شروع به اجرا):

- ملاک شروع به عملیات اجرایی، ارتکاب قسمتی از .... است. (نظریه عینی)

- شروع به عملیات اجرایی

الف. انصراف از ادامه جرم (قطع عملیات اجرایی):

۱) انصراف ارادی و قطع عملیات اجرایی با اراده ارتکاب ← ....

۲) انصراف غیرارادی – قطع عملیات اجرایی به واسطه عاملی خارج از اراده مرتکب ← ....

ارکان شروع به جرم

۱. قصد ارتکاب جرم

۲. شروع به عملیات اجرایی (عینی)

۳. انصراف غیرارادی

(اصل به ارادی بودن انصراف است)

ب. خاتمه عملیات اجرایی
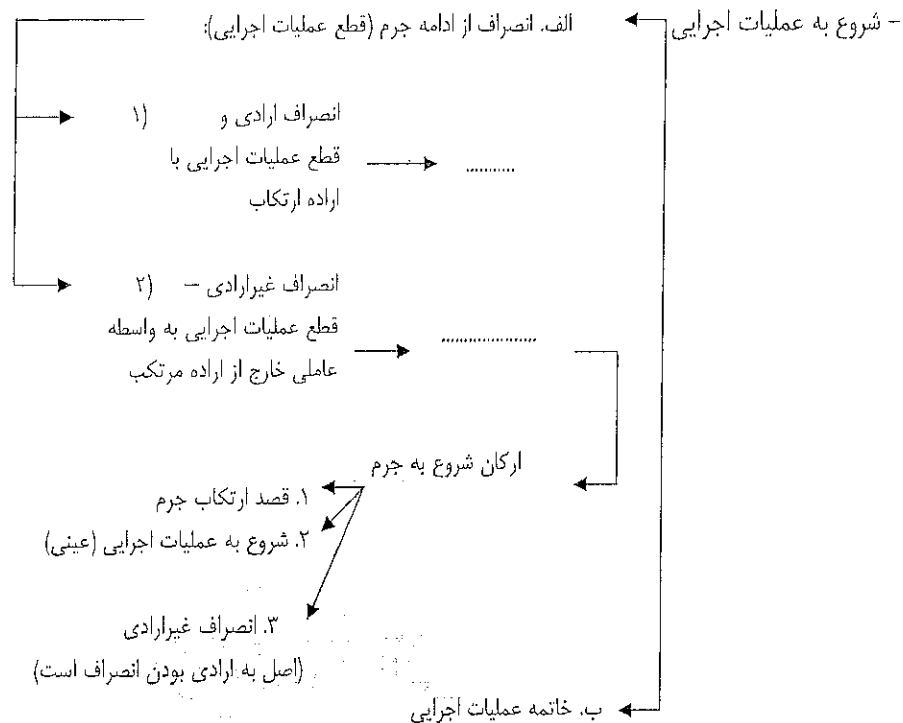
۱. انصراف ارادی .... تاثیری در تحقق جرم ندارد و به عنوان یک کیفیت مخففه، می تواند موجب تخفیف مجازات مرتکب شود. (بند ج ماده ۳۸)

البته در مواردی انصراف بعد از خاتمه عملیات اجرایی می تواند موجب معافیت از مجازات یا تغییر نوع مجازات شود. مثل پرداخت وجه چک پس از تحقق جرم صدور چک بلامحل که موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می شود (ماده ۱۲ قانون صدور چک)، مثل استرداد مال موضوع سرقت حدی به مالک تا قبل از اثبات جرم که موجب سقوط حد می شود (بند ر ماده ۲۶۸) و یا مثل انصرف از جرم بازداشت غیر قانونی ظرف ۵ روز از تاریخ وقوع جرم که موجب تخفیف الزامی خواهد شد. (م ۵۸۵ تعزیرات)

۲. در صورت تردید در ارادی یا غیر ارادی بودن ترک جرم، اصل بر .... است.

۳. شروع به جرایم .... متصور نیست.

۴. شروع به جرایم .... متصور نیست

۵. شروع به جرایم .... نیز متصور است.

۶ شرکت، معاونت و سردستگی در شروع به جرم .... اما شروع به معاونت و یا سردستگی در جرم ....

۷. ملاک شروع به جرم م ۱۲۲ است که ناسخ مصادیق شروع به جرم در کتاب تعزیرات و قوانین خاص مقدم ولو قانون تشدید است.

۸. م ۱۲۲:

- مجازات قانونی سلب حیات ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی حبس ابد ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی حبس درجه ۱ تا ۳ ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی حبس درجه ۴ ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی حبس درجه ۵ ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی قطع عضو (نه قصاص عضو) ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- مجازات قانونی شلاق حدی ← مجازات شروع به چنین جرمی: ....
- شروع به جرایم دارای مجازات قانونی حبس درجه ۶، ۷ و ۸، جزای نقدی به هر درجه، شلاق تعزیری به هر درجه، انتشار حکم، مصادره اموال، انفصال دایم یا موقت و قصاص عضو، جرائم غیر عمد و معاونت جرم نبوده و قابل مجازات نیست.
- ملاک محاسبهٔ مجازات شروع به جرم، .... جرم ارتکابی است.

۹. مصادیق پیش‌بینی شده از شروع به جرم در کتاب تعزیرات (مانند مواد ۵۴۲، ۵۹۴، ۶۱۳، تبصره ماده ۶۲۱، ۶۵۵، تبصره ۲ ماده ۶۷۵ و تبصره ۲ ماده ۶۸۷ همگی تعزیرات) و قوانین خاص مقدم ولو قانون تشدید تبصره ۲ ماده ۱ و تبصره ۳ ماده ۳ و ماده ۶ قانون تشدید) نسخ صریح شده است.

البته در خصوص قاچاق کالا و ارز باید گفت که اگر قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب شود، در شروع به چنین قاچاقی باید به ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توجه کرد که مقرر داشته مرتکب به حداقل مجازات مقرر برای همان تخلف محکوم می شود اما اگر قاچاق کالا و ارز، جرم محسوب شود، مجازات شروع به آن تابع ماده ۱۲۲ ق.م.ا خواهد بود.

۱۰. مجازات شروع به حدود از نوع تعزیر است. لذا مشمول سایر احکام مجازات های تعزیری می شود.

۱۱. شروع به جرائم قابل گذشت، یک جرم قابل گذشت است. (م ۱۰۴)

۱۲. شروع به همه جرائم از جمله شروع به حدود با حصول سایر شرایط قابل تعلیق و تعویق است مگر شروع به جرائم ماده ۴۷ ق.م.ا که غیر قابل تعلیق و تعویق است.

۱۳. سوءقصد (م ۵۱۵ و ۵۱۶ و تعزیرات و تبصره آن)، شروع به قتل عمد است که به عنوان یک جرم خاص و مستقل در نظر گرفته شده است.

۱۴. اقدام به خروج اموال تاریخی و فرهنگی ← جرم تام است. ← م ۵۶۱ تعزیرات و تبصره آن.

۱۵. در جرم قوادی اگر رفتار مرتکب منتهی به تحقق زنا یا لواط نشود، مرتکب به حبس درجه ۶ و ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق درجه ۶ محکوم می شود. (جرم تام و مستقل)

۱۶. از بین انواع قتل عمد (م ۲۹۰) فقط در جایی که قصد قتل وجود دارد، شروع به جرم متصور است.

در مواردی که مرتکب قصد جنایت نداشته اما رفتار نوعاً کشنده است شروع به قتل متصور نیست. در ضمن در فرض تحقق شروع به قتل عمد اگر همان میزان از رفتار موجب صدمه و آسیب گردد، مرتکب علاوه بر تعزیر شروع به قتل عمد به قصاص یا دیه آسیب وارده نیز محکوم می گردد.

۱۷. جرم تبانی، یک جرم مستقل است. در تبانی، مرتکبین وارد مرحله اجرایی نمی‌شوند و شروع به اجرا نمی‌کنند. ← م ۶۱۱ تعزیرات

ت- خاتمه عملیات اجرایی:

۱- جرم تام ← مرتکب به مقصود خود می‌رسد.

۲- جرم محال ← علی‌رغم خاتمه عملیات اجرایی مرتکب به دو دلیل به مقصود خود نمی‌رسد.
- ۱. ....
  مثل شلیک با تفنگ خالی
- یا ۲. ....
  دست کردن در جیب خالی

۳- جرم عقیم: علی‌رغم خاتمه عملیات اجرایی، مرتکب به دودلیل به مقصود خود نمی‌رسد:
- ۱. ....
- یا ۲. .... و وقایع خارج از اراده مرتکب
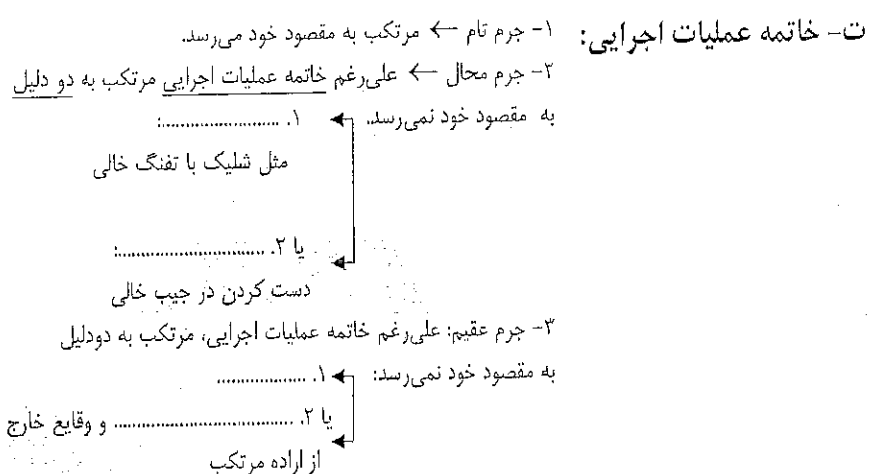
نکته: جرم عقیم به صراحت قابل مجازات دانسته نشده است، اما جرم محال موضوعی (محال نسبی)، در حکم شروع به جرم است. ← تبصره م ۱۲۲.

نکته: از نظر دکتر میرمحمد صادقی جرم عیقم مشمول ماده ۱۲۲ بوده و مرتکب به مجازات شروع به جرم محکوم می شود در حالی که از نظر دکتر اردبیلی جرم عقیم، مستقلا جرم و قابل مجازات نمی باشد.

نکته: از نظر دکتر اردبیلی و دکتر میرمحمد صادقی، شروع به جرم محال جرم بوده و طبق ماده ۱۲۲ قابل مجازات است.

بخش چهارم- نحوه مداخله در ارتکاب جرم:

۱۰. نحوه مداخله در ارتکاب جرم (مجرم و عنصر مادی جرم)

نحوه مداخله هر فرد در ارتکاب جرم به چهار صورت ممکن است. ۱. مباشرت ۲. مشارکت ۳. معاونت ۴. تسبیب. ۵. سردستگی

الف) مباشرت در جرم: (م ۴۹۴)

۱. مباشر کسی است که به طور مستقیم در ارتکاب جرم مداخله می کند. (م ۴۹۴) مباشرت خود به دو قسم است.

الف. مباشر مادی: مداخله مادی و بدون واسطه در ارتکاب جرم (بازوی جرم)

ب. مباشر معنوی: ارتکاب جرم به وسیله و واسطه دیگری؛ (مغز متفکر جرم)

مثال: اگر الف، ج را برباید؛ الف مباشر مادی است؛ حال اگر الف، ج را توسط ب برباید: الف: مباشر معنوی و ب: مباشر مادی است.

۲. مرز باریکی بین مباشر معنوی، سبب اقوی از مباشر و معاونت وجود دارد:

الف) سبب اقوی از مباشر: اگر شخصی از دیگری در ارتکاب جرمی استفاده کند و مباشر در حین ارتکاب جرم مجبور، جاهل، حیوان، صغیر غیر ممیز (زیر ۷ سال)، بی اراده، بی اختیار، مجنون یا ... باشد، در این حالت مباشر مسئولیت کیفری نداشته و سبب، به عنوان سبب اقوی از مباشر به مجازات مباشر محکوم می شود. مگر اکراه و اجبار در قتل که رافع مسئولیت مباشر نیست و در این حالت مباشر به قصاص نفس و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود. همچنین اگر شخصی از صغیر به عنوان وسیله ارتکاب جرم استفاده نماید به حداکثر مجازات مباشرت در آن جرم محکوم خواهد شد.

ب) مباشر معنوی: اولاً، واسطه ارتکاب جرم باید عاقل، بالغ و مختار و عالم باشد. ثانیاً، جرم باید یکی از جرایم آدم‌ربایی (م ۶۲۱ تعزیرات) یا جعل گواهی پزشک (م ۵۳۸ تعزیرات) یا جرم موضوع بند ۲ م ۶۴۰ تعزیرات و یا قاچاق کالا و ارز (تبصره ۳ ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) باشد. در اینصورت، مباشر معنوی و واسطه جرم یعنی مباشر مادی هر دو به مجازات فاعل مستقل جرم محکوم می شوند. البته برخی اساتید مباشر معنوی را معادل سبب اقوی از مباشر می دانند.

پ) معاونت: هر نوع مداخله غیر مستقیم و با واسطه در جرم که مباشرت معنوی و سبب اقوی از مباشر نباشد، معاونت است.

۳. در خصوص مداخله در جرم به واسطه یک صغیر، چند فرض متصور است:

الف) اگر کسی از صغیر (اعم از صغیر ممیز جاهل یا مجبور یا صغیر غیر ممیز) به عنوان وسیله استفاده کند، به حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم می شود و اگر کسی در رفتار مجرمانه یک صغیر (ممیز غیر جاهل و مجبور) معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در جرم محکوم می شود. (م ۱۲۸)

ب) اگر کسی صغیر غیر ممیز را اکراه و اجبار به قتل کند، اکراه کننده به قصاص نفس محکوم می شود و صغیر ضامن نیست (تبصره ۱ م ۳۷۵) و اگر کسی صغیر ممیز را اکراه و اجبار به قتل کند، عاقلهٔ صغیر ضامن دیه هستند و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود. (تبصره ۲ م ۳۷۵)

پ) اگر کسی مال را توسط صغیر غیر ممیز از حرز خارج کند، مباشر سرقت و حسب مورد سرقت حدی محسوب می شود. (م ۲۷۲) و اگر کسی مال را توسط صغیر ممیز از حرز خارج کند، رفتار آمر مشمول یکی از سرقت های تعزیری است. (م ۲۷۲)

ب) شرکت در جرم: (ماده ۱۲۵)

۱. مداخله دو یا چند نفر در عملیات اجرایی جرم + به نحوی که نتیجه مستند به رفتار چند نفر باشد.

۲. همزمانی یا یکسان بودن یا تأثیر یکسان رفتار دو شریک یا اینکه رفتار یکی برای تحقق نتیجه کافی باشد یا نباشد مهم نیست.

۳. مداخله شرکا در .... جرم شرط است. لذا شرکا از حیث عنصر مادی جرم مشترک هستند.

۴. شرکت در .... متصور است و تحقق جرم تام شرط نیست.

۵. شرکت در جرایم .... نیز متصور است. (مثل شرکت در جعل یا آدم ربایی)

۶. شرکت در جرایم .... نیز متصور است. (مثل شرکت در خودداری از کمک به مصدومین که جانشان در خطر است)

۷. شرکت در جرایم .... نیز متصور است. کافی است که نتیجه مستند به .... دو یا چند نفر باشد. (مثل شرکت در مسامحه در نگهداری زندانی توسط ماموران زندان یا شرکت در تخلیه اطلاعاتی)

۸. در جرایمی که عم عمد و هم غیر عمد آن جرم است، ممکن است یک شریک عامد و شریک دیگر مقصر باشد.

۹. شرکا از حیث عنصر مادی .... و از حیث عنصر روانی .... هستند. لذا برای تحقق شرکت، تبانی و وحدت قصد شرط نیست.

۱۰. در جرایم مرکب، یک شریک می تواند یک جزء و شریک دیگر جزء دیگر جرم را انجام دهد.

۱۱. شرکت در حدود، جنایت و تعزیرات متصور است.

۱۲. مجازات شریک چه عمد، چه غیر عمد، مجازات .... آن جرم است. (مجازات مباشر واحد)

۱۳. م ۱۲۵ و تبصره:

۱۴. مداخله ضعیف یک شریک در جرم، مانع تحقق شراکت نیست؛ اما در تعزیرات غیر منصوص از .... محسوب می شود. (بند ح م ۳۸)

۱۵. شرکت هم به مباشرت ممکن است هم به تسبیب. اجتماع اسباب در عرض هم (م ۵۳۳) و اجتماع اسباب در طول هم در صورت قصد ارتکاب جرم، توسط هر دو سبب (م۵۳۵) و همچنین اجتماع سبب و مباشر اگر جنایت به به طور مساوی به هر دو آنها منتسب باشد (م ۵۲۵) تابع احکام شرکت در جرم است.

۱۶. برخی جرایم الزاماً با تعدد مرتکب واقع می شوند. (جرم توده ها) این جرائم تابع احکام شرکت در جرم هستند: مثل بغی(گروه: حداقل ۳ نفر- م ۲۸۷)، ایجاد القائات روانی (گروه: حداقل ۳ نفر- م ۵۰۰ مکرر تعزیرات) نزاع دسته جمعی (حداقل سه نفر- م ۶۱۵ تعزیرات)، تبانی (حداقل دو نفر- م ۶۱۰ و ۶۱۱ تعزیارت)، مثل م ۶۸۳ تعزیرات (حداقل چهار نفر).

۱۷. برخی جرایم الزاماً شرکت بردار نیستند. مصرف مسکر، جرایم بیانی (مثل: توهین، قذف، سب نبی، افترا بیانی)، ترک انفاق همسر، جرایم جنسی توام به رضایت طرفین.

۱۸. معامله به قصد فرار از دین جرم است، اگر منتقل الیه آگاه باشد .... است. (م ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی) برای تحقق این جرم مرتکب باید به موجب .... مدیون شده و پس از آن با سوء نیت اموال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که بقیه دارایی او کفاف دیون را ندهد. (رای وحدت رویه شماره ۷۷۴)

۱۹. انتقال مال غیر جرم است. اگر منتقل الیه آگاه باشد .... محسوب می شود. (ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر)

۲۰. شرکت در کلاهبرداری: حبس به طور مستقل، جزای نقدی به میزان سهم هر یک از مال، اگر معلوم نبود، به طور مساوی.

۲۱. در شرکت در جرائم، مثلا شرکت در سرقت، مسئولیت شرکا در رد مال یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، مسئولیت تضامنی نیست و هر یک از شرکا به میزان سهم خود ضامن جبران خسارت است که در این خصوص اصل بر تساوی است. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۹)

۲۲. در شرکت در سرقت حدی، سهم هر شریک باید به حد نصاب لازم یعنی چهار و نیم نخود طلا برسد. (م ۲۷۵) و همچنین هر دو باید در هتک حرز و خروج مال از حرز مداخله داشته باشند.

۲۳. در شرکت در جنایت، هر شریک به طور مساوی ضامن است.

پ) معاونت در جرم: (ماده ۱۲۶ تا ۱۲۹)

معاون جرم کسی است که بدون مداخله در عملیات اجرایی یک جرم، تنها مباشر یا شرکای جرم را یاری می رساند.

اصول حاکم بر معاونت:

۱- از نظام استعاره مجرمیت یا مجرمیت عاریه‌ای برای مجازات معاون استفاده می‌شود. (نظریهٔ کسب)

این نظام ۳ نتیجه دارد:

۱. رفتار مباشر باید جرم باشد تا معاونت در آن جرم باشد: به همین دلیل، معاونت در خودکشی .... جرم نیست ← مگر: معاونت در خودکشی نظامی (معاونت)- تحریک و تشویق و ... به خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای (جرم مستقل و مطلق – بند ب ماده ۷۴۳ تعزیرات) – تشویق به خود آزاری از طریق القائات روانی (جرم مستقل و مقید – م ۵۰۰ مکرر تعزیرات) – تشویق و ... به خودکشی افراد زیر ۱۸ سال (جرم مستقل و مطلق- م ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)

۲. مباشر باید مرتکب جرم شود یا حداقل شروع به ارتکاب جرم کند.
اگر مباشر به هر دلیلی موفق به شروع به جرم نشود، معاونت در آن جرم نیز محقق نشده است.

۳. رفتار معاون در تحقق جرم توسط مباشر باید موثر باشد. یعنی مباشر از همان وسیله ای استفاده کند که معاون به او داده یا از همان راه روشی که به او یاد داده شده استفاده کند.

۲- رفتار معاون، به‌طور حصری در م ۱۲۶ پیش‌بینی شده است: (م ۱۲۶) این اصل در بردارنده نکاتی است:

الف. معاونت در جرم اصولاً با فعل واقع می‌شود مگر مصداق تسهیل وقوع جرم و برخی مصادیق مقرر در قوانین خاص که می‌تواند با ترک فعل نیز واقع شود.

ب. معاونت در جرایم ترک فعلی نیز متصور است. مثل معاونت در ترک انفاق.

پ. مصادیق رفتارهای شکل دهنده معاونت، مذکور در ماده ۱۲۶، حصری هستند لذا سکوت، عدم اعلام جرم، خودداری از جلوگیری از ارتکاب جرم، اصولاً معاونت در جرم نیست و می‌تواند در مواردی جرم مستقلی باشد. مثل: م ۶۰۶ تعزیرات، م ۷۱۰ و ۷۱۱ تعزیرات، م ۷۲۲ تعزیرات، یا م ۶۰۸ ق.ا.د.ک، یا ماده ۶۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی.

در مواردی عدم اعلام جرم به طور خاص از مصادیق معاونت در جرم محسوب می شود. مثلاً طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، عدم اعلام جرم معاونت محسوب می شود. یا مثلاً طبق ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ اگر مالک از وقوع انتقال مال خود مطلع شود و ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع، به موجب اظهار نامه این موضوع را به اطلاع انتقال گیرنده نرساند، به عنوان معاونت در انتقال مال غیر قابل مجازات است.

ت. رفتارهای معاونت باید خاتمه یافته باشد؛ لذا شروع به معاونت جرم نیست اما معاونت در شروع به جرم متصور است. (مثل سردستگی)

ث. رفتار معاون باید با علم و عمد واقع شود، لذا معاونت به غیر عمد قابل تحقق نیست.

۳- رفتار معاون باید مقدم یا همزمان با رفتار مباشر باشد. پس کمک‌رسانی به مباشر بعد از ارتکاب جرم، معاونت در جرم نیست و ممکن است جرم خاص و مستقلی باشد. مثل مخفی کردن جسد مقتول پس از قتل توسط شخصی غیر از قاتل *(ماده ۶۳۶ کتاب تعزیرات- در ضمن اگر خود قاتل جسد را مخفی کند، یک جرم است و نه تعدد جرم و اگر دیگری جسد را مخفی کند، معاون در قتل نیست بلکه مباشر جرم موضوع ماده ۶۳۶ است)* یا اخفا مال مسروقه پس از سرقت توسط شخصی غیر از سارق. (ماده ۶۶۲ کتاب تعزیرات). لذا فراری دادن مرتکب از صحنه جرم معاونت نیست مگر اینکه با هماهنگی قبلی باشد.

۴- بین معاون و مباشر باید .... وجود داشته باشد. این اصل دربردارنده نکاتی است:

الف. وحدت قصد یعنی عمل کردن در راستای توافق قبلی؛ برای وحدت قصد، وجود تبانی شرط نیست.

ب. معاونت در جرایم غیرعمدی متصور نیست.

پ. خروج از وحدت قصد موجب عدم تحقق معاونت می‌شود:

. وحدت قصد عام: (وحدت قصد بر جرم نامعلوم) ← معاونت در .... محقق است.

. وحدت قصد بر جرم خاص که مباشر به‌طور کلی جرم دیگری انجام دهد ← معاونت در جرم ....

. وحدت قصد بر جرم خاص که مباشر همان نوع جرم اما خفیف‌تر آن را انجام می‌دهد ← معاونت در جرم .... محقق است.

. وحدت قصد بر جرم خاص که مباشر همان نوع جرم اما شدیدتر آن را انجام می‌دهد ← معاونت در جرم .... است.(تبصره م ۱۲۶)

۵- معاونت در معاونت متصور نیست.

* مجازات معاونت در جرم:

۱. مجازات معاونت در جرم دارای دو معیار است:

الف- در شرع تعیین شده است: ۱. طلیع (دیده بان): با مجازات کور کردن چشم ۲. ممسک (نگهدارنده): با مجازات حبس ابد

ب- م ۱۲۷ و تبصره ها آن:

معاونت در جرم با مجازات قانونی سلب حیات ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم با مجازات قانونی حبس ابد ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم با مجازات قانونی شلاق حدی ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم سرقت حدی با هر مجازاتی ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم قطع عمدی عضو در فرض قصاص عضو مباشر ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم با مجازات قانونی تعزیری (حبس، شلاق، جزای نقدی درجه ۱ تا ۷) ← مجازات معاون: ....

مگر:

معاونت در جرم با مجازات قانونی مصادره اموال: ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم با مجازات قانونی انفصال دائم: ← مجازات معاون: ....

معاونت در جرم با مجازات قانونی انتشار حکم محکومیت: ← مجازات معاون: ....

۲. مجازات معاون در تعزیرات از جنس مجازات مباشر است مگر در فرض تبصره ۱ م ۱۲۷.

۳. معاونت در جرم تعزیری درجه ۸ ← ....

۴. مجازات معاون کمتر از مجازات مباشر است.

۵. تأثیر ضعیف معاون در جرائم از .... است و می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود. (بند ح م ۳۸)

۶. معاونت در جرائم قابل گذشت، خود یک جرم قابل گذشت است. (م ۱۰۴)

۷. مجازات شروع و معاونت در حدود، از نوع مجازات تعزیری است لذا مشمول سایر احکام مجازات های تعزیری می باشند.

۸. معاونت در همه جرائم با حصول سایر شرایط قابل تعلیق و تعویق است مگر معاونت در قتل عمدی، محاربه و افساد فی الارض که قابل تعلیق و تعویق نیست. (م ۴۷)

۹. تمامی مصادیق معاونت که در کتاب تعزیرات (مثل م ۵۸۴ یا تبصره م ۶۱۲) و همچنین در قوانین خاص مقدم پیش بینی شده اند، (مثل تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۴ قانون تشدید مجازات اسید پاشی، بند ۴ قانون اخلال در امنیت پروازها، تبصره ۱ ماده ۱ قانون مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی) به موجب ماده ۱۲۷ نسخ شده اند. مگر معاونت در قاچاق کالا و ارز که موجب محکومیت به حداقل مجازات مباشر می باشد. (تبصره ۲ م ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

۱۰. معاونت در جنایت:

الف. معاونت در جنایت غیرعمدی متصور نیست.

ب. معاونت در قتل عمد و جنایت قطع عضو عمدی:

الف) اگر مباشر قصاص شود، مجازات معاون حسب مورد منطبق با بند الف یا ب م ۱۲۷ است.

ب) اگر مباشر قصاص نشود، ← مجازات معاون ۱ یا ۲ درجه پایین‌تر از مجازات تعزیر بدل از قصاص مقرر برای مباشر است. (مجازات قضایی ملاک است.) (تبصره ۲ م ۱۲۷)

۱۱. ملاک تعیین مجازات معاون در تعزیرات، مجازات .... برای جرم مباشر است مگر در تبصره ۲ ماده ۱۲۷.

۱۲. هر شخصی که حساب بانکی یا ابزار پذیرش از قبیل پایانهٔ فروشگاهی یا درگاه پرداخت الکترونیکی یا ابزار پرداخت الکترونیکی از قبیل کارت بانکی خود را با علم و آگاهی جهت ارتکاب اعمال مجرمانه مذکور در مواد (۷۰۵) تا (۷۰۹) کتاب تعزیرات در اختیار مرتکب قرار دهد به مجازات معاونت در آن جرم محکوم و به مدت یک تا دو سال از دریافت یا استفاده از ابزارهای مذکور محروم می شود. در صورتی که بر اساس قرائن و شواهد اثبات شود صاحب حساب بانکی یا ابزار پذیرش یا ابزار پرداخت از روی تقصیر آنها را در اختیار مرتکب قرار داده است و با استفاده از آن یکی از اعمال مجرمانه مذکور در مواد (۷۰۵) تا (۷۰۹) این قانون واقع شود، صرفاً مشمول محرومیت مذکور در این بند می شود . در هر صورت استفاده از خدمات حضوری بانکی، مشمول این محرومیت موضوع این بند نیست. (بند ۳ ماده ۷۰۹ تعزیرات و ۲ تبصره آن)

۱۳. درخصوص طفل= نابالغ یا صغیر : (م ۱۲۸)

الف) هر کس از صغیر به عنوان وسیله ارتکاب جرم استفاده کند (صغیر غیر ممیز یا صغیر ممیز جاهل و مجبور)= به حداکثر مجازات مباشرت در جرم محکوم می شود.

ب) هر کس در رفتار مجرمانه صغیر معاونت کند (صغیر ممیز غیر جاهل و غیر مجبور)= به حداکثر مجازات معاونت در جرم محکوم می شود.

۱۴. موانع شخصی مسئولیت کیفری و یا جهات شخصی تخفیف مجازات مثل کیفیات مخففه، گذشت شاکی، معاذیر قانونی، عوامل رافع م.ک، توبه، عفو خصوصی، فوت و اعتبار امر مختوم، نسبت به مباشر، تأثیری بر مجازات شریک یا معاون ندارد. مگر جهات شخصی رفع مسئولیت در جنایت عمدی نسبت به مباشر که خود به خود موجب کاهش مجازات معاون نیز می‌شود.

در مقابل کیفیات عینی مانع م.ک مثل عوامل موجهه جرم، عفو عمومی، نسخ مجازات، نسبت به مباشر، موجب رفع م.ک از شریک و معاون نیز می‌شود. (م ۱۲۹)

۱۵. معاونت به عنوان جرم مستقل: م ۲۴۲ (قوادی)، م ۲۸۶ (افساد فی الارض) و مواد ۵۰۰ مکرر (ایجاد القائات روانی و تشویق به خود آزاری و ....) ۵۰۴ (تحریک رزمنده به عصیان، فرار و ...)، ۵۱۲ (تحریک مردم به کشتار)، ۵۴۹ (مساعدت یا تسهیل فرار از زندان توسط مامور زندان)، ۵۵۱ (فراری دادن افراد توسط غیر مامور زندان)، ۵۵۲ (دادن اسلحه به زندانی برای فرار)، ۵۵۳ (فراهم کردن وسایل فرار شخصی که دستگیر شده)، ۵۵۴ (مساعدت برای خلاصی مجرم از محاکمه)، ۵۹۳ (واسطه گری برای رشا و ارتشا)، ۵۹۵ (واسطه گری برای ربا)، ۶۲۳ (دادن وسیله برای سقط جنین یا دلالت به استعمال دارو یا وسیله برای سقط جنین)، ۶۲۴ (فراهم کردن وسایل سقط جنین توسط طبیب، ماما و دارو فروش)، ۶۳۹ (تشویق مردم به فساد و فحشا)، ۶۴۰ (تشویق به معامله اجناس منافی عفت)، ۶۶۲ (اخفا مال مسروقه)، ۷۰۷ (دایر کردن یا اداره کردن مکان یا فضای حقیقی یا مجازی برای قمار، شرط بندی و بخت آزمایی)، ۷۰۹ (قبول خدمت در قمار یا شرط بندی و بخت آزمایی، کمک به دایر کننده یا اداره کننده این جرایم و یا معاونت در این جرایم- تبلیغ یا ترویج این جرایم و تشویق یا دعوت اشخاص به شرکت در این جرایم)، ۷۰۹ (عدم اعلام یا گزارش خلاف واقع جرایم مربوط به قمار و شرط بندی توسط ضابطان دادگستری یا مامورین صلاحیتدار)، ۷۱۰ (عدم اعلام جرایم مربوط به قمار یا شرط بندی توسط ارائه دهندگان خدمات ارتباطی یا بانکداری)، ۷۴۳ (تحریک و تشویق به خودکشی یا اعمال منافی عفت و ... از طریق سامانه های رایانه ای)، همگی از تعزیرات، تبصره ۳ ماده ۶ قانون صدور چک (تسهیل دریافت دسته چک مازاد بر اعتبار با توسل به تقلب) و تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی (عدم اعلام پولشویی توسط مسئولان مربوطه به قصد تسهیل پولشویی) بند (ب) م ۲ قانون مبارزه با پولشویی (کمک به مرتکب جرم منشاء به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود) و تبصره ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده (تاثیر مستقیم ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در به عقد در آوردن دختر زیر سن قانونی)، م ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (معاونت مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت در جرم قاچاق کالا و ارز) م ۶۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (عدم اطلاع رسانی یا اقدام بازدارنده مالک خودرو در جرم قاچاق کالا و ارز) ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (تهدید، ترغیب یا تشویق یا فریب یا تسهیل موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل) تبصره ۱ م ۱۱ قانون حمایت از أطفال و نوجوانان (واسطه گری در معامله أطفال و نوجوانان) معاونت نیستند بلکه ارتکاب این جرائم مباشرت در جرم خاص است و نه معاونت. تحقق این جرائم منوط به تحقق هیچ‌یک از شرایط معاونت در جرم نیست.

ت) تسبیب در جرم: (م ۵۰۶)

۱. سبب کسی است که خود مستقیماً مرتکب جرم نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جرم واقع نمی‌شد. (م ۵۰۶)

۲. حالات مختلف مداخله تسبیب در جنایت یا جرم به شرح ذیل است:

الف. اجتماع سبب و مباشر: م ۵۲۶

ب. اجتماع اسباب در عرض هم: م ۵۳۳

پ. اجتماع اسباب در طول هم: م ۵۳۵ و ۵۳۶

ث) سردستگی گروه مجرمانه: (م ۱۳۰)

۱. تعریف سردسته: تبصره ۲ م ۱۳۰:

۲. تعریف گروه مجرمانه: تبصره ۱ م ۱۳۰:

۳. نحوهٔ تشدید مجازات سردسته:

- در تعزیرات: به حداکثر مجازات .... جرم گروه محکوم می‌شود.
- در حدود، قصاص و دیات: به حداکثر مجازات .... در این جرایم محکوم می‌شود.
- در محاربه و افساد فی‌الارض: اگر عنوان محارب یا مفسد بر سردسته صدق کند، به مجازات محارب یا مفسد محکوم می‌شود.
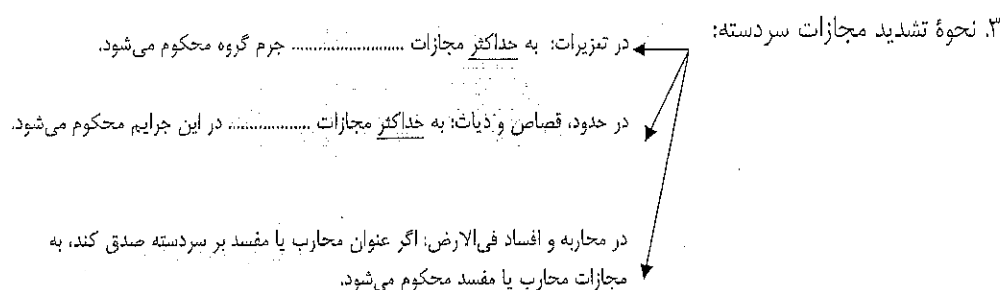
۴. سردستگی گروه مجرمانه یک کیفیت مشدده عام، شخصی و الزامی است.

۵. جرایم سازمان‌یافته و شروع به آنها غیرقابل تعلیق و تعویق است. (م ۴۷)

۶. طبق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی سال ۹۷: "در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد شد."

۷. ماده ۴ قانون تشدید: کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا شبکه‌ای موجب محکومیت به حبس از ۱۵ سال تا حبس درجه ۱ می شود.

۸. سردستگی جرم موضوع ماده ۵۰۰ مکرر تعزیرات (ایجاد القائات روانی) تابع قواعد عمومی است.

۹. در خصوص مجازات قاچاق کالا و ارز سازمان یافته به بند (س) ماده ۱، به مواد ۲۸ و ۲۹ و تبصره ۴ ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توجه کنید.

۱۰. سردستگی در شروع به جرم متصور است اما شروع به سردستگی متصور نیست.

۱۱. سردستگی در جرم قمار بازی یا شرط بندی یا تهیه مکان برای این جرایم تابع ماده ۷۰۷ کتاب تعزیرات می باشد.

۱۲. طبق تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات اگر جرم توهین به قومیت ها و ادیان و ... به قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته واقع شود، مجازات مرتکبین یک درجه تشدید می شود.

بخش پنجم- رکن معنوی جرائم:

۱۱. عنصر روانی جرم: (مواد ۱۴۴، ۱۴۵ و تبصره و ۱۵۵ و تبصره)

۱. همه جرایم دارای عنصر روانی هستند و جرم بدون رکن روانی وجود ندارد.

۲. در جرائمی موسوم به جرایم مادی صرف (با مسئولیت مطلق) مقنن فقط به عنصر مادی توجه داشته و عنصر روانی را دارای اهمیت تلقی نکرده است. در این جرائم، عنصر معنوی نیازی به اثبات و احراز ندارد. (مثل جرم صدور چک پرداخت نشدنی و یا ترک انفاق)

۳. ارادهٔ ارتکاب، جدا از رکن روانی است. همه جرایم نیازمند ارادهٔ ارتکاب هستند. رفتار غیرارادی موضوع حقوق جزا نیست. ← م ۵۰۰

۴. جرم عمدی: ارادهٔ ارتکاب + علم و عمد. جرم غیرعمدی: ارادهٔ ارتکاب + تقصیر.

۵. جرایم از حیث رکن روانی ۲ نوع هستند: الف) جرایم عمدی ب) جرایم غیرعمدی

الف) عنصر روانی جرایم عمدی:

۱. علم (دانستن):

- علم به حکم:
  - مفروض است و نیاز به اثبات ندارد.
  - جهل به حکم و ادعای جهل به حکم اصولاً رافع م.ک نیست.
  - مگر: (۱۵۵):
    - جهل قصوری ← کسب علم عادتاً ممکن نباشد.
    - یا جهل به حکم شرعاً به عنوان یک عذر پذیرفته شود:
  - در حدود ← : م ۲۱۷
    - علم به موضوع
    - عمد در رفتار مجرمانه
    - شرایط م.ک
    - علم به حرمت شرعی رفتار
  - جهل به نوع یا میزان مجازات به هیچ‌وجه، رافع م.ک نیست. (تبصره م ۱۵۵)
- علم به موضوع:
  - فرض بر جهل است و علم به موضوع باید ثابت شود.
  - علم به موضوع باید در احراز عنصر روانی همه جرایم عمدی اثبات شود.
  - جهل به موضوع در جرایم عمدی اصولاً موجب عدم تحقق جرم است.
  - جهل به موضوع در جرایم غیرعمدی رافع م.ک نیست و خود مصداقی از تقصیر محسوب می‌شود.

۲. عمد (خواستن):

- الف) عمد یا قصد رفتار مجرمانه (سوءنیت عام): در احراز عنصر روانی همه جرایم عمدی، لازم است.
- ب) عمد یا قصد نتیجه (سوءنیت خاص): مختص احراز عنصر معنوی جرایم مقید است.

چند نکته:

۱. عنصر روانی جرایم عمدی مطلق: علم به موضوع + سوءنیت عام

عنصر روانی جرایم مقید: علم به موضوع + سوءنیت عام + سوءنیت خاص (قصد نتیجه یا علم به تحقق آن) م ۱۴۴:

۲. قصد نتیجه می‌تواند مستقیم یا تبعی باشد.

۳. در مواردی خاص و نادر به موجب قانون جرم مطلق دارای سوء نیت خاص است. این موارد استثنایی هستند. مواردی مثل: ماده ۴۹۸ (تشکیل یا اداره گروه به قصد بر هم زدن امنیت)، ۴۹۹ مکرر (توهین به قومیت ها و ادیان)، ۵۰۳ (ورود به اماکن امنیتی)، ۵۰۵ (جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده)، ۵۱۰ (اخفای جاسوس)، ۵۱۱ (تهدید به بمب گذاری)، ۵۱۲ (تحریک مردم به کشتار)، ۵۳۸ (جعل گواهی پزشک)، ۵۳۹ (صدور تصدیق نامه خلاف واقع توسط پزشک)، ۵۶۲ (حفاری غیر مجاز) تبصره ۱ ماده ۶۷۵ (احراق عمدی اماکن به قصد مقابله با نظام)، ۶۹۸ (نشر اکاذیب)، ۷۳۲ (نقض تدابیر امنیتی به قصد دسترسی غیر مجاز) و ۷۴۶ (نشر اکاذیب رایانه‌ای) همگی تعزیرات.

۴. در برخی موارد خاص، علی رغم اینکه جرم مقید به تحقق نتیجه است اما قصد تحقق آن نتیجه به عنوان سوء نیت خاص شرط نیست؛ به عنوان مثال اگر چه ماده ۶۱۴ تعزیرات یک جرم مقید به نتایج مذکور در این ماده است اما قصد ایجاد یکی از نتایج مذکور در این ماده ضرورتی ندارد و یا جرم نزاع دسته جمعی موضوع ماده ۶۱۵ تعزیرات اگر چه مقید به نتایج مذکور در این ماده است اما قصد ایجاد یکی از این نتایج شرط نیست. یا مثلا اگرچه مجازات جرم اسیدپاشی موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی بر اساس نتیجه حاصله تعیین می شود اما قصد مرتکب برای ایجاد یکی از این نتایج برای شمول مجازات در نظر گرفته شده برای عمل منتهی به نتیجه خاص ضرورت ندارد.

۵. تأثیر انگیزه در جرم از دو جهت قابل بررسی است. الف) تأثیر انگیزه در ماهیت جرم. ب) تأثیرانگیز در تعیین مجازات.

الف) تأثیر انگیزه در ماهیت جرم:

اصل بر این است که انگیزه، تأثیری در ماهیت و تحقق جرم ندارد. ولی در مواردی استثنایی، انگیزه به عنوان بخشی از عنصر تشکیل‌دهنده جرم قرار می‌گیرد و وجود انگیزه ای خاص موضوعیت پیدا می کند.

ب) تأثیر انگیزه در تعیین مجازات:

انگیزه در تعیین مجازات تعزیری مؤثر است. بدین‌ترتیب که طبق بند (الف) ماده ۱۸، تعیین مجازات تعزیری باتوجه به انگیزهٔ مرتکب صورت می‌گیرد و همچنین طبق بند (پ) ماده ۳۸، انگیزهٔ شرافتمندانه در ارتکاب جرم می‌تواند به عنوان یک کیفیت مخففه قضایی و اختیاری باعث کاهش مجازات مرتکب شود و در مواردی نیز مقنن وجود انگیزه‌ای خاص را موجب تشدید مجازات مرتکب قرار داده است.

ب) عنصر روانی جرایم غیرعمدی: م ۱۴۵ و تبصره ← تقصیر

بی‌احتیاطی
یا بی‌مبالاتی

غفلت، مسامحه، سهل‌انگاری، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی، مصادیقی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است.

چند نکته:

۱. تمامی جرایم غیر عمدی مقید هستند و برای اثبات تحقق جرم غیر عمدی، صرف اثبات تقصیر کافی نیست بلکه احراز رابطه علیت بین تقصیر و نتیجه حاصل از آن شرط است. (م ۵۲۹ ق.م.ا و تبصره ۱ م ۵۰۴ ق.م.ا)

۲. در جرایم غیر عمدی، شروع به جرم، معاونت در جرم، مجازات تبعی، تکرار جرم، راه ندارد در حالی که مجازات تکمیلی و تعدد جرم و شرکت در این جرایم متصور است.

۳. اصل بر عمدی بودن جرایم است و برای اینکه رفتار غیر عمدی جرم باشد، نیازمند تصریح قانونگذار است. لذا جرایمی مثل خیانت در امانت (م ۶۷۴ ت) یا اقدام تهدید آمیز علیه بهداشت عمومی (م ۶۸۸ ت)، علی رغم سکوت مقنن، فقط به صورت عمدی جرم و موجب مجازات است. بنابراین جرایم غیر عمدی نیازمند تصریح مقنن هستند جرایمی مثل قتل غیر عمد (م ۲۹۱ و ۲۹۲ ق.م.ا)، یا بی مبالاتی در حفظ امور حفاظتی و اطلاعاتی (م ۵۰۶ ت) یا ماده بی احتیاطی یا بی مبالاتی در رانندگی نتهی به آسیب های بدنی. (م ۷۱۴ تا ۷۱۷ تعزیرات)

۴. در برخی از جرایم اصل بر مجرمیت است و مرتکب باید فقدان عنصر روانی لازم را ثابت کند جرایمی مثل: توهین، عضویت در گروه های ضد امنیت کشور (م ۴۹۹ تعزیرات)، جرم موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا و تبصره آن و یا جرم موضوع بند ۳ م ۷۰۹ کتاب تعزیرات (در اختیار دادن کارت بانکی و ... برای جرایم قمار و شرط بندی و ....)

بخش ششم- مسئولیت کیفری، شرایط، اصول و موانع آن:

۱۲. م.ک، شرایط و اصول حاکم بر آن: (ماده ۱٤۰ تا ۱٤۳- مواد ۲۰ تا ۲۲)

۱. شرایط م.ک: در حدود، قصاص و تعزیرات اعم از عمدی یا غیر عمدی مرتکب باید در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد به غیر از اکراه در قتل. (م ۱۴۰)

۲. در دیه، وجود شرایط م.ک شرط نیست.

۳. م ۱۴۱: اصل بر شخصی بودن م.ک است. مگر: (م ۱۴۲) شخص .... مسئول رفتار دیگری باشد یا در نتیجه رفتار دیگری مرتکب .... شده باشد.

۴. م۱۴۳: اصل بر م.ک اشخاص حقیقی است. مگر نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.

۵. م.ک اشخاص حقوقی نافی م.ک اشخاص حقیقی نیست.

۶. م.ک اشخاص حقوقی در جرایم رایانه ای: م ۷۴۷ تعزیرات و تبصره ها: (به نام و در راستای منفعت)

۷. اشخاص حقوقی خصوصی: م.ک دارند.

اما اشخاص حقوقی عمومی یعنی دولتی یا عمومی غیر دولتی: اگر اعمال تصدی کنند: م.ک دارند و اگر اعمال حاکمیت کنند: م.ک ندارند. (تبصره م ۲۰)

۸. مجازات اشخاص حقوقی در عموم جرائم: مواد ۲۰ تا ۲۲.

۹. مجازات اشخاص حقوقی در جرایم رایانه ای: م ۷۴۸ تعزیرات و تبصره.

۱۰. تامین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه های موضوع ماده ۵۰۰ مکرر تعزیرات (ایجاد القائات روانی) با آگاهی از ماهیت آنها توسط اشخاص حقوقی موجب انحلال شخص حقوقی و محکومیت به جزای نقدی می شود. (تبصره ۱ ماده ۵۰۰ مکرر تعزیرات)

۱۱. مجازات اشخاص حقوقی در قوانین خاص:

الف) طبق تبصره ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی سال ۹۷: در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند، علاوه بر مجازات های مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می شوند.

ب) در خصوص مجازات اشخاص حقوقی به ماده ۹ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز توجه کنید.

پ) در خصوص مجازات اشخاص حقوقی در ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز به ماده ۶۷ و ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تبصره های آن توجه کنید.

۱۲. در خصوص انحلال شخص حقوقی، علاوه بر م ۲۲ ق.م.ا باید به تبصره ۱ م ۵۰۰ مکرر تعزیرات، بند ب ماده ۷۴۸ و م ۷۴۹ تعزیرات و برخی قوانین خاص توجه کرد.

۱۳. مجازات اشخاص حقوقی از جنس تعزیر، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم است. (تبصره م ۱۴)

۱۴. اشخاص حقوقی فاقد مجازات تکمیلی و تبعی هستند.

۱۵. اصل شخصی بودن م.ک اشخاص حقوقی: م ۶۹۴ آ.د.ک

۱۶. آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی: م ۶۸۸ تا ۶۹۶ آ. د.ک

۱۳. عوامل رافع م.ک (موانع شخصی م.ک):

۱. رفتار مرتکب جرم است اما قابل تعقیب نیست.

۲. مرتکب م. ک ندارد اما م. م دارد.

۳. چه در دادسرا چه در دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

۴. شخصی است و شامل حال سایر مداخله کنندگان در جرم نمی شود.

۵. عوامل رافع م.ک به ۲ دسته تقسیم می شوند:

الف) تام: صغر سن، جنون و اکراه

ب) نسبی: اشتباه، خواب و بی هوشی و مستی

۱۴. صغر سن: (مواد ۸۸ تا ۹۵)

۱. نابالغ، مسئولیت کیفری ندارد، اگرچه مسئولیت مدنی دارد.

۲. بالغ م.ک و م.م دارد.

۳. نابالغ = صغیر = طفل:
- پسر: زیر ۱۵ سال تمام قمری
- دختر: زیر ۹ سال تمام قمری

۴. بالغ:
- پسر: ۱۵ سال تمام قمری به بالا
- دختر: ۹ سال تمام قمری به بالا

۵. صغیر:
- صغیر غیرممیز: دختر و پسر زیر ۷ سال شمسی
- صغیر ممیز: صغیر بالای ۷ سال شمسی
  - پسر: ۷ تا ۱۵ سال
  - دختر: ۷ تا ۹ سال

۶. نوجوان = بالغ زیر ۱۸ سال:
- پسر: ۱۵ تا ۱۸ سال
- دختر: ۹ تا ۱۸ سال

۷. اطفال و نوجوانان: افراد زیر ۱۸ سال.

۸. اگرچه اطفال م.ک ندارند، اما مطابق قانون درخصوص آن‌ها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. (م ۱۴۶ تا ۱۴۸)

۹. در جرایم تعزیری اشخاص زیر ۱۸ سال، معیار سن، سال شمسی است و فرقی بین دختر و پسر نیست اما در جرایم موجب حد، قصاص و دیه، معیار سن، سال قمری است و بین دختر و پسر فرق است.

الف) جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان: (سال شمسی)

۱. افراد زیر ۹ سال شمسی: هیچ نوع برخوردی نمی‌شود.

۲. افراد ۹ تا ۱۲ سال شمسی: یکی از اقدامات تأمینی موضوع بندهای الف تا پ م ۸۸.

۳. افراد ۱۲ تا ۱۵ سال شمسی: یکی از اقدامات تأمینی موضوع بندهای الف تا ث م ۸۸.

نکته: اعمال بند ت و ث مختص گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال است.

نکته: اگر اشخاص ۱۲ تا ۱۵ سال، مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شوند: اعمال بند ث م ۸۸ الزامی است.

- بند الف: تسلیم به والدین با تعهد به نگهداری و مراقبت از آن‌ها و حسب مورد دستورهای مراقبتی از سوی دادگاه.

- بند ب: تسلیم به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی: در صورت فقدان اولیاء یا عدم صلاحیت آن‌ها؛ به همراه دستورهای مراقبتی. تسلیم به اشخاص منوط به موافقت آنها است.

- بند پ: نصیحت توسط دادگاه.

- بند ت: اخطار و تذکر کتبی یا اخذ تعهد کتبی توسط دادگاه.

- بند ث: نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت ۳ ماه تا ۱ سال.

۴. افراد ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی: یکی از مجازات‌های مقرر در م ۸۹ که براساس شدت جرم تعزیری عبارتند از: خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت.

- خدمت عمومی رایگان (تبصره ۱ م ۸۹) : بیشتر از ۴ ساعت در روز نیست.

- درخصوص جزای نقدی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت: (تبصره ۲ م ۸۹)

دادگاه می‌تواند آن را تبدیل کند به
- نگهداری در کانون در ۲ روز آخر هفته
- یا اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه تعیین می‌کند

برای مدت ۳ ماه تا ۵ سال

ب) جرایم موجب حد، قصاص و دیه اطفال و نوجوانان: (سال قمری)

۱. صغیر زیر ۱۲ سال قمری:
- دختر زیر ۹ سال قمری
- پسر زیر ۱۲ سال قمری

یکی از اقدامات تأمینی بندهای الف تا پ م ۸۸.

۲. صغیر ۱۲ تا ۱۵ سال قمری: (پسر ۱۲ تا ۱۵ سال قمری) یکی از اقدامات تأمینی بندهای ت یا ث م ۸۸.

۳. بالغ زیر ۱۸ سال:
- پسر ۱۵ تا ۱۸ سال
- دختر ۹ تا ۱۸ سال

همانند بزرگسالان به مجازات‌های عمومی محکوم می‌شوند. مگر اینکه: م ۹۱ و تبصره آن.

چند نکته:

۱. جنایت صغیر، خطای محض است و قصاص و تعزیر ندارد و اصولاً عاقله ضامن دیه است مگر در جنایت‌های کمتر از موضحه (کمتر از ۵ درصد دیه کامل) که خود صغیر ضامن دیه است. در ضمن صغیر با توجه به سن خود نیز به اقدامات تأمینی محکوم می شود.

۲. بالغ زیر ۱۸ سال، خود ضامن پرداخت دیه است و جنایت او می‌تواند حسب مورد عمد، شبه عمد یا خطای محض محسوب شود. (م ۹۲)

۳. در خصوص ارتکاب زنا توسط صغیر، به تبصره ۲ ماده ۲۲۱ توجه کنید.

۴. اقدامات تأمینی علیه اطفال و نوجوانان قطعی نیست و تغییر پذیر است؛ مثل:

الف) تبصره ۳ م ۸۸ : دستورهای بند الف و ب (هرچند بار).

ب) م ۹۰: در باب نگهداری در کانون: یک‌بار، بعد از گذشت یک پنجم مدت نگهداری، دادگاه می‌تواند، این رأی قطعی است و مانع استفاده از تخفیف و آزادی مشروط... نیست.

۵. مادهٔ ۹۳: یا تا $\frac{1}{3}$ آن را تقلیل دهد.

۶. مادهٔ ۹۴: یا به تسلیم به والدین تبدیل کند.

۷. ماده ۹۵: مجازات اشخاص زیر ۱۸ سال فاقد مجازات تبعی است.

۸. اطفال، مشمول مقررات تکرار جرم، نمی‌شوند. اما مشمول مقررات تعدد جرم می شوند. مادهٔ ۱۳۸:

۹. جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ اشخاص زیر ۱۸ سال، در صورتی که دارای بزهدیده باشد در هر حال یک جرم قابل گذشت محسوب می شود. (م ۱۰۴)

۱۰. در تردید در صغیر بودن یا نبودن مرتکب در حین ارتکاب: اصل بر صغر سن است.

۱۱. ملاک نحوه برخورد با مرتکب، سن در زمان ارتکاب جرم است و نه سن در زمان رسیدگی.

۱۵. جنون: (ماده ۱٤۹ و ۱۵۰)

۱. م ۱۴۹: اختلال روانی ای جنون محسوب می‌شود که شخص فاقد قوهٔ اراده یا تمییز باشد.

۲. مجنون م.ک ندارد اما م.م دارد.

۳. در تردید در مجنون بودن مرتکب در حین ارتکاب جرم: اصل بر استصحاب است.

۴. جنایت مجنون، خطای محض است و قصاص و تعزیر ندارد و پرداخت دیه اصولاً با عاقله است مگر در جنایت کمتر از موضحه که خود مجنون ضامن دیه است.

۵. مجنون با شرایطی متحمل اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شود: م ۱۵۰:

۱٦. اکراه: (اجبار- الجاء- اکراه تام): (ماده ۱۵۱- مواد ۳۷۵ تا ۳۸۰)

اجبار
- مادی
  - بیرونی: اجبار به معنی خاص کلمه. در همه جرایم پذیرفته است ....
  - درونی: خواب و بی هوشی یا بیماری. اصولاً پذیرفته است مگر بداند که مرتکب جرم می شود و عمدا بخوابد.
- معنوی
  - بیرونی: تهدید. (اکراه به معنی خاص) اصولاً پذیرفته است مگر در قتل.
  - درونی: میل و غریزه که رافع م.ک نیست مگر به حد جنون برسد.

۱. تهدید اگر اراده را زائل کند، اکراه محسوب می شود والا مصداقی از معاونت در جرم است.

۲. اکراه (غیرقابل تحمل):

الف) در تعزیرات: مکرَه: م.ک ندارد.   مکرِه: به مجازات مباشر محکوم می شود. (م ۱۵۱- غیر قابل تحمل)

ب) در حدود: مکرَه: م.ک ندارد.   مکرِه: تابع قواعد خاص.

پ) در جنایت: (مواد ۳۸۰- ۳۷۵):

۱- بر عضو: پذیرفته است. مکرَه: م.ک ندارد و مکرِه قصاص عضو می شود. اصل بر عدم اکراه است و اکراه باید در دادگاه ثابت شود والا با سوگند صاحب حق قصاص، مرتکب قصاص عضو می شود. (مواد ۳۷۷ و ۳۷۸)

۲- بر نفس: پذیرفته نیست. (م ۳۷۵ و ۲ تبصره)

. اگر مکرَه عاقل و بالغ باشد:	مکرَه: قصاص نفس	مکرِه: حبس ابد
. اگر مکرَه صغیر غیر ممیز یا مجنون باشد:	مکرَه: م.ک ندارد	مکرِه: قصاص نفس
. اگر مکرَه صغیر ممیز باشد:	عاقله مکرَه: پرداخت دیه	مکرِه: حبس ابد.

- حبس ابد اکراه در جنایت بر نفس، حق خصوصی اولیا دم است و منوط به مطالبه، قابل گذشت یا مصالحه است.

- در صورت حبس ابد نشدن مکرِه در قتل، وی به .... محاکمه می شود.

- حبس ابد مکرِه در قتل، تابع قواعد عمومی قصاص است. (اکراه در قتل فرزند) (م ۳۷۶)

- اکراه در جنایت بر اکراه شونده: م ۳۷۹ مثل م ۴۹۹.

- اکراه در جنایت بر اکراه کننده: م ۳۸۰

۱۷. خواب و بی‌هوشی: (ماده ۱۵۳ و بند الف ماده ۲۹۲)

۱. در عموم جرایم (م ۱۵۳): اصولاً رافع م.ک است مگر بداند و عمداً بخوابد که عمد است.

۲. در جنایت (بند الف م ۲۹۲ و تبصره): اصولاً خطای محض است و موجب قصاص و تعزیر نیست و اصولاً عاقله ضامن دیه است. مگر اینکه بداند در خواب مرتکب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود و عمداً بخوابد که عمد است و موجب قصاص؛

۱۸. مستی: (مواد ٢٦٤ تا ٢٦٦ - ماده ١٥٤- ماده ٣٠٧)

۱. م ۲۶۴ و تبصره:

۲. م ۲۶۵:

۳. م ۲۶۶ و تبصره:

۴. مستی در عموم جرایم (م ۱۵۴):

الف) مستی اصولاً رافع م.ک نیست مگر به‌طور کلی مسلوب‌الاراده شده باشد: (فقط مجازات مصرف مسکر)

ب) اگر خود را برای ارتکاب جرم مست کند و مسلوب‌الاراده شود و مرتکب همان جرم شود: (مجازات جرم ارتکابی + مجازات مصرف)

پ) اگر خود را برای ارتکاب جرم مست کند و مسلوب‌الاراده شود و سپس مرتکب جرم دیگری شود: (فقط به مجازات مصرف مسکر)

۵. مستی در جنایت (م ۳۰۷):

الف) اصولاً جنایت عمد و موجب قصاص است + مجازات مصرف. مگر اینکه به‌طور کلی مسلوب‌الاراده شده باشد: قصاص ساقط و موجب پرداخت دیه و تعزیر بدل از قصاص است + مجازات مصرف.

ب) اگر فرد، خود را برای ارتکاب همان جنایت یا نظیر آن مست کند و یا بداند که نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، و سپس مسلوب‌الاراده شده و مرتکب همان جنایت یا نظیر آن شود: جنایت عمد و موجب قصاص + مجازات مصرف.

۱۹. عوامل موجهه جرم: (اسباب اباحه- زوال عنصر قانونی جرم)

۱. یک عامل عینی است و شامل سایر مداخله‌کنندگان در جرم می‌شود.

۲. رفتار مرتکب جرم نیست و مرتکب نه تنها م.ک ندارد بلکه اصولاً م.م هم ندارد. (مگر در اضطرار)

۳. در دادسرا قرار منع تعقیب و در دادگاه حکم برائت صادر می‌شود.

۴. مصادیق عوامل موجهه:
- ۱. حکم یا اجازه قانون (بند الف م ۱۵۸)
- ۲. قانون اهم (بند ب م ۱۵۸)
- ۳. اقدامات والدین، اولیاء و سرپرستان صغار و مجانین به‌منظور تربیت یا محافظت در حد متعارف و شرعی. (بند ت م ۱۵۸)
- ۴. امر آمر قانونی (بند پ م ۱۵۸)
- ۵. رضایت در جرم (بند ث و ج م ۱۵۸)
- ۶. اضطرار (م ۱۵۲)
- ۷. دفاع مشروع (م ۱۵۶ و ۱۵۷)

۲۰. امر آمر قانونی: (بند پ م ۱۵۸):

امر قانونی و مشروع و آمر قانونی } از عوامل موجهه است و مأمور م.ک و م.م ندارد.

. برای اینکه آمر قانونی باشد: باید از مقامات رسمی باشد – صلاحیت امر داشته باشد – رابطه آمر و مأموری باشد.

. آمر قانونی و امر غیرقانونی } دو حالت: (نظریه رعایت ظاهر قانون)
- ۱. اگر امر آشکارا غیرقانونی بود: آمر و مأمور هر دو م.ک دارند.
- ۲. اگر امر غیرقانونی به ظاهر قانونی باشد و مأمور به علت اشتباه قابل قبول، آن را قانونی تصور کند: ← آمر: م.ک دارد
  مأمور: م.م دارد و ضامن دیه است. ← عوامل رافع م.ک است. (م ۱۵۹)

- احکام خاص امر آمر: مواد ۵۷۴، ۵۷۸ تا ۵۸۰ همگی تعزیرات.

۲۱. رضایت بزهدیده:

. رضایت اصولاً بی تأثیر است مگر:

۱. عدم رضایت بزهدیده جزء عناصر تشکیل‌دهنده جرم باشد:
مثل آدم‌ربایی – جرایم علیه اموال و...

۲. به اجازه قانون در مواردی به عنوان عامل موجه تعیین شده است:

الف) عملیات ورزشی: (بند ث م ۱۵۸): رعایت مقررات / شرعی بودن

ب) عملیات طبی: (بند ج م ۱۵۸): مشروع / مطابق موازین و مقررات

ضمان طبیب:

- عدم تقصیر ← پزشک ضامن نیست.
- تقصیر ← پزشک ضامن است.

خواه پزشک رضایت گرفته باشد خواه برائت.

- رضایت یا برائت تنها بار اثبات دعوی را تغییر می‌دهد.
  - برائت: اصل بر عدم تقصیر است و بیمار باید تقصیر را ثابت کند تا پزشک ضامن باشد (م ۴۹۵ و تبصره ۱)
  - رضایت: اصل بر تقصیر است و پزشک باید خلاف آن را ثابت کند تا ضامن نباشد. (بند ج ماده ۱۵۸)

نکته: اقدام به عملیات پزشکی بدون اخذ رضایت یا برائت از بیمار اصولاً مجاز نیست لکن در موارد فوری اخذ رضایت یا برائت لازم نیست و برائت محسوب می‌شود. (م ۴۹۷)

نکته: رضایت دهنده: خود بیمار، اولیاء، سرپرستان و نمایندگان قانونی بیمار.

برائت دهنده : بیمار یا ولی
- خاص: پدر یا جد پدری
- عام: رهبر (تبصره ۲ م ۴۹۵)
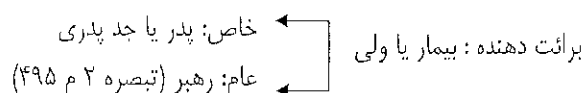
نکته: طبق رای وحدت رویه شماره ۸۰۴: جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی، قابلیت استناد به رفتار «واردکننده صدمه اولیه» را ندارد تا مطابق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مستوجب پرداخت دیه یا ارش از جانب وی باشد. از طرفی با عنایت به مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مذکور چنانچه جراحات موصوف با رعایت مقررات پزشکی و موازین قانونی ایجاد شده باشد، معالجه کننده اعم از پزشک یا پرستار و مانند آن نیز مسئولیتی برای پرداخت دیه یا ارش در قبال آن ندارد.

نکته: رضایت باید پیش از ارتکاب جرم باشد یا همزمان با آن، باید آزادانه و آگاهانه باشد و رضایت‌دهنده باید عاقل، بالغ، مختار و دارای اهلیت باشد.

۲۲. ضرورت یا اضطرار (م ۱۵۲)

ضرورت یا اضطرار به حالتی گفته می شود که شخص در معرض یک خطر شدید و قریب الوقوع قرار می گیرد که برای دفع خطر به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری، ناچار به ارتکاب جرمی می شود، با حصول شرایطی، اقدام مجرمانه این شخص برای دفع خطر جرم محسوب نمی شود.

چند نکته:

۱. مبنای آن اجازه قانون است.

۲. تبصره م ۱۵۲

۳. در اضطرار م.م وجود دارد.

۴. اضطرار توجیه کننده قتل نیست.

۵. شرایط اضطرار: (م ۱۵۲)
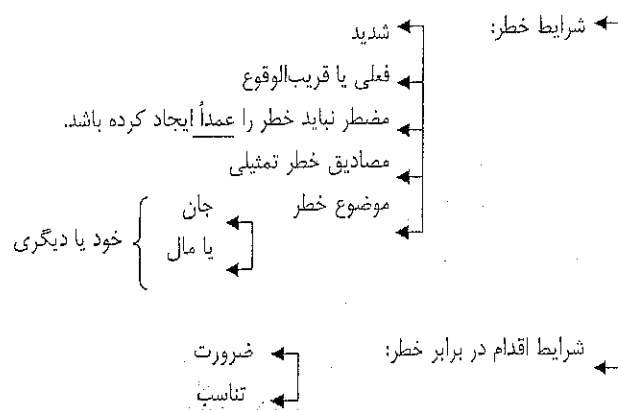
۶. در خصوص اضطرار به تبصره م ۷۱۸ ق.م.ا و مواد ۵۹۱، تبصره م ۵۹۲، تبصره ۲ م ۵۹۵، ذیل ماده ۶۲۳ و ماده ۶۷۹ همگی از تعزیرات نیز توجه کنید.

۷. اظطرار توجیه کننده سقط جنین است. همانطور که ذیل ماده ۶۲۳ تعزیرات و تبصره ماده ۷۱۸ ق.م.ا مقرر شده سقط جنین در مورد ضرورت حفظ جان مادر ممکن است که در این خصوص باید به ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز توجه کرد.

۲۳. دفاع مشروع: (مواد ۱۵٦-۱۵۷- تبصره ۲ م ۳۰۲ – ۳۸۰)

مبنا: اجرای حق
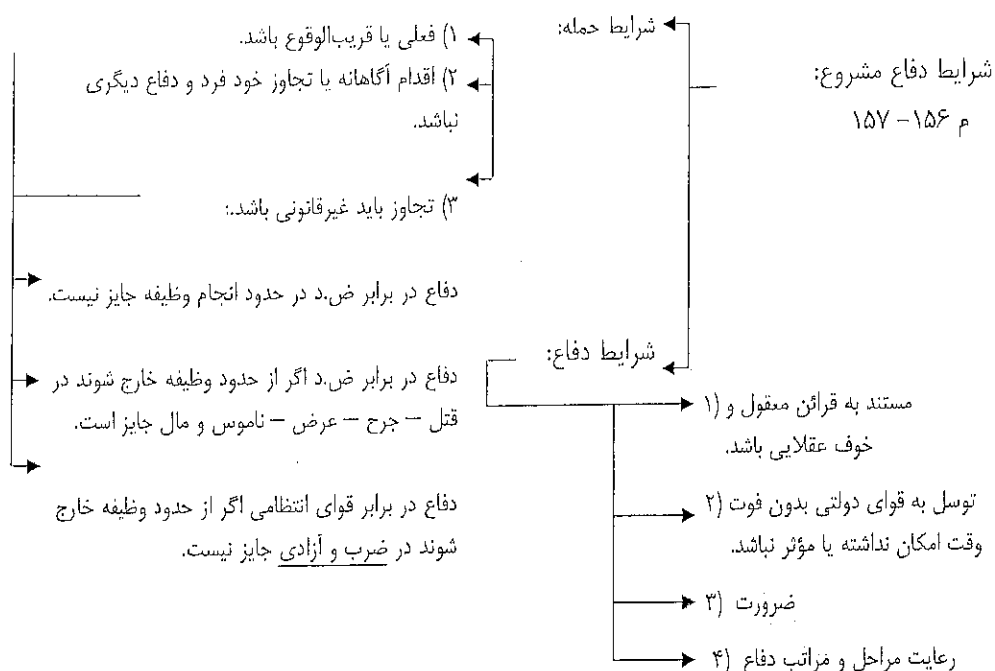
۱. تناسب از شرایط دفاع مشروع نیست.

۲. با وجود امکان فرار، دفاع با جمیع شرایط همچنان مشروع محسوب می‌شود.

۳. موضوع دفاع مشروع: جان، مال، عرض، ناموس و آزادی تن خود یا دیگری.

۴. دفاع از دیگری: ← تبصره ۱ م ۱۵۶. در همین خصوص به ماده ۵۱۰ ق.م.ا نیز توجه کنید.

۵. اثبات اصل دفاع با مدافع است و با اثبات اصل دفاع اصل بر رعایت شرایط دفاع است.

۶. با رعایت شرایط دفاع، مدافع ← قصاص / دیه / تعزیر } ندارد چرا که مهاجم، مهدورالدم است. (م ۳۸۰)

البته اگر مهاجم مجنون باشد، دیهٔ جنایت وارد بر او بر عهدهٔ بیت‌المال است. (تبصره ۳ م ۱۵۶)

۷. با اثبات اصل دفاع، اثبات تجاوز از شرایط دفاع، با مهاجم است. (تبصره ۲ م ۱۵۶) ← که در صورت اثبات: مدافع ← قصاص ندارد اما به پرداخت دیه و تعزیر بدل از قصاص محکوم می‌شود. (تبصره ۲ م ۳۰۲)

بخش هفتم- واکنش کیفری در برابر جرم (مجازات و اقدامات تامینی)

فصل اول- انواع واکنش کیفری در برابر جرم

۲۴. انواع مجازات بر حسب موضوع و نکات آن:

۱) مجازات های بدنی:

الف. مجازات های سالب حیات شامل: اعدام، رجم، صلب، قصاص نفس.

ب. مجازات بر عضو شامل: حد قطع عضو و قصاص عضو

پ. شلاق شامل: شلاق حدی و شلاق تعزیری

۲) مجازات های سالب آزادی یا محدود کننده آزادی:

الف. اقامت اجباری در محل معین

ب. منع از اقامت در محل معین

پ. تبعید شامل: زنا موجب جلد و تراشیدن مو و ۱ سال قمری تبعید (م ۲۲۹)، قوادی بار دوم مرد (م ۲۴۳)،

ت. نفی بلد در محاربه (م ۲۸۴).

ث. حبس تعزیری شامل ۸ درجه.

نکته: م ۲۷

۳) مجازات های مالی:

الف. مصادره اموال: مجازات اصلی درجه ۱ که در اجرای آن مستثنیات دین لحاظ می شود. (تبصره ۵ م ۱۹)

ب. ضبط اموال حاصل از جرم: مجازات تکمیلی الزامی (م ۱۴۸ ق.ا.د.ک)

پ. دیه: مالی که در شرع برای جنایت غیر عمدی یا عمدی که قصاص ندارد تعیین شده. (م ۱۷)

ت. جزای نقدی شامل: جزای نقدی ثابت با ۸ درجه، جزای نقدی نسبی (درجه ۷) و جزای نقدی روزانه. (م ۸۵)

نکته: م ۲۸:

نکته: حبس بدل از جزای نقدی: م ۲۹:

نکته: در خصوص قابلیت تقسیط جزای نقدی توجه به ماده ۵۳۰ ق.ا.د.ک مفید است.

۴) مجازات سالب حق:

۵) مجازات سالب حیثیت:

۲۵. انواع مجازات ها بر حسب نسبت آنها با یکدیگر:

۱) مجازات اصلی: (مواد ۱٤ تا ۱۹)

الف) مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی:

۱. م ۱۴: چهار نوع است. حدود، قصاص، دیات، تعزیرات؛ در قانون جدید مجازات بازدارنده حذف شده است.

حدود: م ۱۵:

قصاص: م ۱۶:

دیات: م ۱۷:

دیه مقدر: م ۴۴۸:

دیه غیر مقدر: م ۴۴۹:

۲. دیه حکماً مجازات و ماهیتاً دین و مسئولیت مدنی است و دارای آثار ضمان مالی است: م ۴۵۲:

۳. تعزیرات: م ۱۸: مجازاتی است که حد و قصاص و دیه نیست.

۴. تعزیرات دو نوع است. تعزیرات حکومتی و تعزیرات شرعی:

تعزیر حکومتی، سابقه شرعی و فقهی ندارد مثل جرم رانندگی بدون گواهینامه. در مقابل، تعزیرات شرعی دارای سابقه فقهی است. تعزیرات شرعی خود به دو قسم است. دسته اول تعزیرات شرعی که میزان مجازات آنها به صراحت در نصوص فقهی آمده است که تعزیرات منصوص شرعی نام دارد که در خصوص مصادیق آن اختلاف است و دسته دوم که میزان مجازات آنها در نصوص فقهی نیامده و بسته به نظر حاکم است که تعزیرات غیر منصوص شرعی نامیده می شود.

۵. تعزیرات منصوص شرعی قابل تخفیف، تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات و اعطای مهلت نیست، معافیت قضایی، توبه و مرور زمان تعقیب و صدور حکم و نظارت الکترونیکی، قاعده منع محاکمه مجدد و عطف به ماسبق نشدن در آن راه ندارد و مدت بازداشت قبلی از آن کسر نمی شود. اما تعزیرات منصوص شرعی مشمول مرور زمان اجرای مجازات می شود.

۶. رابطه نامشروع کمتر از زنا موضوع م ۶۳۷ تعزیرات، .... نیست. لذا قابل تخفیف است و مدت بازداشت قبلی در آن محاسبه می گردد و همچنین قابل تعلیق است. (رای وحدت رویه شماره ۷۷۰)

۷. در تعیین مجازات تعزیری یکی از اصول مسلم، رعایت اصل فردی کردن مجازات است یعنی مجازات باید متناسب با ویژگی های مرتکب و نوع جرم او باشد.

۸. تبصره م ۱۸:

نکته: مطابق تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دادگاه در حکم صادره، مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین نماید، باید مبتنی بر بندهای این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت آن را ذکر کند و در واقع از حیث تعیین مجازات مورد حکم، مجازات مقرر در قانون همان حداقل مجازات حبس است. بنابراین در مواردی که دادگاه بدون رعایت تبصره مذکور، مجازات حبس تعزیری را بیش از میزان حداقل تعیین نماید، مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی محسوب می‌شود و به موجب قسمت اخیر بند «چ» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری از موجبات تجویز اعاده دادرسی است. (رای وحدت رویه شماره ۸۳۴)

۹. مجازات‌های تعزیری به 8 درجه تقسیم می‌شوند که درجه ۱ شدیدترین و درجه ۸ خفیف ترین نوع مجازات تعزیری است.

۱۰. م ۱۹:

چند نکته:

۱. اگر حداکثر مجازات منطبق با یک درجه و حداقل منطبق با درجه دیگر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود و ملاک تعیین درجه یک جرم، .... جرم است. (تبصره ۲ م ۱۹)

۲. اگر مجازات تعزیری با هیچ یک از درجات منطبق نباشد، .... محسوب می‌شود. مثل: جزای نقدی نسبی. (رای وحدت رویه شماره ۷۵۹) مثل ماده ۶۷۷ تعزیرات.

۳. اگر مجازات جرمی متعدد باشد: در حبس و جزای نقدی، ملاک تعیین درجه، درجه مجازات .... است، (رای وحدت رویه شماره ۷۴۴ و ۸۰۷) اما در حبس و شلاق یا جزای نقدی و شلاق، ملاک، .... است. (تبصره ۳ م ۱۹)

۴. ضبط اموال ناشی از جرم، مجازات اصلی نیست و مجازات تکمیلی الزامی است. (م ۱۴۸ و ۱۴۹ ا.د.ک) در هر حالی که مصادره اموال مجازات اصلی تعزیری درجه یک است و در اجرای آن مستثنیات دین لحاظ می شود. تبصره ۵ م ۱۹:

۵. تبصره ۶ م ۱۹:

۶. محرومیت از حقوق اجتماعی می تواند هم در قالب مجازات تعزیری اصلی، هم در قالب مجازات تکمیلی و هم مجازات تبعی و هم حسب مورد به عنوان مجازات جایگزین حبس اعمال گردد.

۷. انفصال دائم، مجازات اصلی درجه ۴ است و انفصال موقت حسب مورد درجه ۵ تا ۷ می باشد.

۸. انتشار حکم محکومیت می تواند در قالب مجازات اصلی اشخاص حقیقی، مجازات اصلی اشخاص حقوقی یا مجازات تکمیلی باشد.

۹. انفصال از خدمت می تواند مصداقی از مجازات اصلی یا مجازات تکمیلی باشد.

۱۰. مصادره اموال و انحلال شخص حقوقی مصداقی از مجازات اصلی تعزیری درجه ۱ هستند.

ب) مجازات اصلی اشخاص حقوقی: در مواد ۲۰ تا ۲۲ و تبصره م ۱۴ مقرر شده که قبلا به آن پرداختیم.

۲) مجازات‌های تکمیلی: (مواد ۲۳ و ۲٤)

۱. .... است. ← در مواردی الزامی، مثل: ضبط اموال ناشی از جرم (تبصره ۵ م ۱۹)

۲. اِعمال مجازات تکمیلی باید ....

۳. مجازات تکمیلی مختص .... است.

۴. مجازات تکمیلی مختص، .... است.

۵. در .... مجازات تکمیلی قابل اِعمال نیست. ملاک، مجازات مقرر در .... است.

۶. مصادیق مجازات‌های تکمیلی .... است. پس مجازات تکمیلی نیز تابع اصل قانونی بودن است.

۷. درخصوص یک نفر، .... از مصادیق مجازات تکمیلی قابل اِعمال است. البته مجازات تکمیلی تعیین شده باید متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب باشد.

۸. ماده ۲۳:

۹. مواد ۳۰ تا ۳۶:

نکته: طبق ماده ۵۲۱ ق.ا.د.ک:" در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می شود."

۱۰. مدت مجازات تکمیلی: .... نیست مگر .... (تبصره ۱ م ۲۳) مثل م ۲۴ یا ۷۱۸ تعزیرات.

۱۱. اگر مجازات تکمیلی و اصلی، از یک جنس باشد، فقط به عنوان ....، قابل اِعمال است. (تبصره ۲ م ۲۳)

۱۲. تخفیف یا تعلیق اجرای مجازات اصلی، تأثیری در مجازات تکمیلی ندارد. البته مجازات تکمیلی خود به تنهایی قابل تعلیق است.

۱۳. عوامل سقوط مجازات‌ها مثل عفو عمومی، عفو خصوصی، گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت و مرور زمان اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی و فوت مرتکب، موجب سقوط مجازات تکمیلی نیز ....

۱۴. در خصوص اعمال مجازات تکمیلی در جرایم و تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باید به ماده ۶۹ این قانون توجه کرد.

- مادۀ ۲٤:

بچه بد (تخلف از دستورات)
. پیشنهاد قاضی اجرای احکام
. تشدید اجباری

بار اول: تا $\frac{1}{3}$ به مدت مجازات تکمیلی مقرر در حکم افزوده می‌شود.

بار دوم: تبدیل بقیه مدت مجازات تکمیلی به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸

بچه خوب: بعد از گذشت نیمی از مجازات تکمیلی به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و احراز اصلاح مجرم و عدم تکرار جرم، دادگاه می‌تواند بقیه مدت مجازات تکمیلی را لغو کند یا کاهش دهد.

۳) مجازات تبعی: (م ۲۵ و ۲۶)

۱. اِعمال مجازات تبعی با حصول شرایط، .... است و در حکم دادگاه ....

۲. مجازات تبعی پس از محکومیت قطعی به ارتکاب .... برخی جرایم بر محکوم‌علیه بار می‌شود.

۳. مجازات تبعی = آثار محکومیت کیفری = اثر تبعی مجازات = اثر فرعی محکومیت = ...

۴. به مدت محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی، .... گفته می‌شود. (تبصره م ۴۰)

۵. مصادیق حقوق اجتماعی که شخص از آن محروم می‌شود به‌طور .... در مادهٔ ۲۶ پیش‌بینی شده است. م ۲۶:

۶. ارتکاب عمدی هر جرمی موجب تحمل مجازات تبعی نمی‌شود بلکه محکومیت قطعی به ارتکاب عمدی جرایم با مجازات‌های مقرر در مادهٔ ۲۵، مرتکب را به مدت‌های مذکور در این ماده از حقوق خود محروم می‌کند.

* در محکومیت قطعی به سلب حیات(مثل زنا به عنف): .... از تاریخ توقف اجرا

* محکومیت قطعی به حبس ابد (مثل سرقت حدی بار سوم): .... از تاریخ توقف اجرا

* در محکومیت قطعی به حبس درجه ۱ تا ۴ (محکومیت بیش از ۵ تا ۲۵ سال): ....

* در محکومیت قطعی به حبس درجه ۵ (محکومیت بیش از ۲ تا ۵ سال): ....

* در محکومیت قطعی به قصاص عضو با بیش از نصف دیه مجنی‌علیه: ....

* در محکومیت قطعی به قصاص عضو با نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر: ....

* در محکومیت قطعی به قطع عضو (مثل سرقت حدی بار اول یا دوم) : ....

* در محکومیت قطعی به نفی بلد (مختص جرم محاربه): ....

* در محکومیت به شلاق حدی (مثل مصرف مسکر): ....

۷. ملاک مدت زمان مجازات تبعی، میزان مجازات مقرر در .... است.

۸. محکومیت غیرقطعی، محکومیت قطعی به جرایم غیرعمدی، محکومیت قطعی به جرایم موجب حبس درجه ....، شلاق تعزیری و جزای نقدی ....، انفصال دائم یا موقت، انتشار حکم محکومیت، محرومیت از حقوق اجتماعی و... فاقد مجازات تبعی است. (محکومیت های غیر موثر)

۹. ملاک محاسبه مدت زمان مجازات تبعی:

الف. در محکومیت قطعی به مجازات سلب حیات و حبس ابد: ۷ سال محرومیت از تاریخ .... شروع می‌شود.

ب. در سایر مجازات‌ها، با اجرای مجازات اصلی: مدت محرومیت، از تاریخ .... شروع می‌شود، البته شخص در طول اجرای مجازات نیز از حقوق خود محروم است.

پ. در سایر مجازات‌ها، با عدم اجرای مجازات اصلی: مدت محرومیت، از تاریخ .... (م ۱۰۷)، شروع می‌شد، البته شخص در طول مدت مرور زمان نیز، از حقوق خود محروم است.

ت. در عفو خصوصی: مدت محرومیت، .... شروع می‌شود. (تبصره ۳ م ۲۵)

ث. در آزادی مشروط: مدت محرومیت، از .... شروع می‌شود؛ البته در طول اجرای مجازات و در طول مدت آزادی مشروط نیز، شخص از حقوق خود محروم است. (تبصره ۳ م ۲۵)

ج. در تعلیق اجرای مجازات: با رعایت دستورات دادگاه و عدم ارتکاب جرم جدید، مجازات تعلیقی فاقد آثار تبعی است. (م ۵۲)

۱۰. در مدت محرومیت (سابقه محکومیت مؤثر کیفری)، در ارتکاب جرایم جدید، مرتکب از بهره‌مندی از نهادهایی چون قرار تعویق صدور حکم، قرار تعلیق اجرای مجازات، نظارت الکترونیکی، قرار بایگانی کردن پرونده، قرار تعلیق تعقیب و معافیت قضایی محروم می‌شود.

۱۱. در طول مدت سابقه محکومیت مؤثر کیفری، در گواهی‌های عدم سوء پیشینه، وجود این سابقه محکومیت درج می‌شود.

۱۲. محکومیت‌های غیرمؤثر کیفری (محکومیت به غیر از مجازات‌های دارای مجازات تبعی یا محکومیت به مجازات‌های دارای مجازات تبعی بعد از اتمام دوره محرومیت از حقوق اجتماعی)، در پیشینه کیفری مرتکب (سجل کیفری) ثبت می‌شود اما در گواهی‌های صادره از مراجع منعکس نمی‌گردد مگر توسط مرجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. (تبصره ۱ م ۲۵)

۱۳. محرومیت از حقوق اجتماعی اصولاً دائمی نیست و حقوق اجتماعی بعد از گذشت ۷، ۳ یا ۲ سال باز می‌گردد (اعادهٔ حیثیت) مگر بندهای الف تا پ مادهٔ ۲۶ که محرومیت از آن دائمی است: تبصره ۲ م ۲۶ و بندهای الف تا پ م ۲۶؛

۱۴. تبصره ۱ م ۲۶؛

۱۵. عوامل سقوط دعوای عمومی (م ۱۳ ق.آ.د.ک) اگر بعد از صدور حکم قطعی محقق شوند، ضمن صدور قرار موقوفی اجرای مجازات، علاوه بر سقوط مجازات اصلی و تکمیلی اصولاً موجب سقوط مجازات تبعی نیز می‌شود.

مثل:

الف. گذشت شاکی در جرایم قابل‌گذشت: تبصره ۲ م ۲۵؛

ب. عفو عمومی: م ۹۷؛

پ. نسخ مجازات قانونی: بند الف م ۱۰؛

مگر مرور زمان اجرای مجازات و عفو خصوصی که تأثیری بر مجازات تبعی ندارند.

۱۶. محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان .... است (م ۹۵)

۱۷. مجازات تبعی مختص .... است و در خصوص اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست.

فصل دوم- نهادهای ارفاقی و کیفیات مساعد به حال مرتکب جرم:

۲٦. تخفیف قضایی: (مواد ۳۷ و ۳۸):

۱. تخفیف مجازات یعنی صدور حکم به کمتر از حداقل مجازات قانونی.

۲. تخفیف مجازات .... است.

۳. تخفیف مجازات، منوط به .... است.

۴. کیفیات مخففه به‌طور حصری در ذیل مادهٔ ۳۸ آمده است. م ۳۸:

۵. توبه در جرایم تعزیری غیرمنصوص درجه ۱ تا ۵ (م ۱۱۵ ق.م.ا) و رعایت مفاد قرار نظارت قضایی (م ۲۵۳ آ.د.ک) از مصادیق کیفیات مخففه قضایی است.

۶. درج کیفیت مخففه، در حکم الزامی است. تبصره ۱ م ۳۸:

۷. به یک جهت ۲ بار نمی‌توان تخفیف داد. مثل تبصره ۲ م ۷۱۹ ت و بند (ج) م ۳۸. تبصره ۲ م ۳۸:

۸. تخفیف مجازات مختص .... به هر درجه اعم از عمدی یا غیر عمدی ولو مجازات اشخاص حقوقی است. در .... تخفیف راه ندارد.

۹. حدود قابل تبدیل و تقلیل و ساقط شدن نیست مگر از طریق توبه یا عفو خصوصی. م ۲۱۹:

۱۰. تخفیف مجازات، ضمن صدور رأی، توسط دادگاه بدوی و یا تجدیدنظر ضمن تأیید رأی بدوی صورت می‌گیرد. در این حالت تخفیف مجازات توسط دادگاه تجدیدنظر منوط به تجدیدنظرخواهی متهم نیست. (م ۴۵۹ آ.د.ک)

۱۱. گذشت شاکی در جرایم قابل‌گذشت از عوامل سقوط دعوای عمومی است و حسب مورد موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می‌شود. (م ۱۰۰) و گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت از کیفیات مخففه است.

۱۲. گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی از موارد اعاده دادرسی نیست. ← م ۴۸۳ آ.د.ک

۱۳. محدودهٔ تخفیف مجازات در مادهٔ ۳۷ مشخص شده است:

الف. مجازات قانونی حبس درجه ۱ تا ۴ ← فقط ....، به میزان ۱ تا ۳ درجه؛

ب. مجازات قانونی حبس درجه ۵ یا ۶ ← .... به میزان .... درجه یا .... به ....

متناسب با ....

پ. مجازات قانونی حبس درجه ۷ ← .... به .... متناسب با ....

ت. مجازات قانونی مصادره اموال ← تبدیل به ....

ث. مجازات قانونی انفصال دائم ← تقلیل به انفصال موقت از ....

ج. سایر مجازات‌های تعزیری (شلاق تعزیری، جزای نقدی، انفصال موقت)← .... به میزان .... درجه یا

.... آن به مجازات دیگر از همان درجه یا ....

۱۴. تبصره ماده ۳۷:

۱۵. دادگاه نمی‌تواند، مجازات تعزیری را هم تقلیل دهد و هم تبدیل کند مگر در فرض تبصره ماده ۳۷.

۱۶. تشدید مجازات مانع تخفیف مجازات در تعزیرات غیر منصوص نیست لذا در فرض تعدد و تکرار نیز تخفیف جایز است و محدوه و میزان تخفیف مطابق قواعد عمومی مذکور در ماده ۳۷ می باشد. (بند خ ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹)

۱۷. تخفیف در کلاهبرداری، اختلاس و تحصیل مال از طریق نامشروع جایز است و محدده تخفیف تابع ماده ۳۷ ق.م.ا است. (تبصره ۱ م ۱ و تبصره ۶ م ۵ از قانون تشدید نسخ شده است.)

۱۸. محدودهٔ تخفیف مجازات، در چند مورد دارای احکام خاص است:

مثل محدودهٔ تخفیف در جرایم اطفال و نوجوانان ← مادهٔ ۹۳:

۱۹. موارد ممنوعیت تخفیف مجازات:

۱- حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی. ۲- تبصره م ۱۳۹. ۳- م ۷۱۹ تعزیرات. ۴- مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور. ۵- ضبط اموال حاصل از جرم. ۶- تعزیر مقرر برای اسیدپاشی یا شروع به اسیدپاشی قابل تخفیف نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد. ۷. جزای نقدی قاچاق کالا و ارز (م ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

۲۰. تبصره ۳ م ۵۲۹ آ.د.ک: اگر محکوم‌علیه ظرف ۱۰ روز از ابلاغ احضاریه، برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام، می‌تواند، او را از پرداخت ۲۰٪ جزای نقدی معاف کند. قاضی اجرای احکام مکلف است در برگه احضاریه، این معافیت را به محکوم‌علیه اعلام کند.

۲۱. معاذیر قانونی تخفیف دهنده که تخفیف در آنها .... است عبارتند از:

۱- عذر همکاری (م ۵۲۱ و ۵۳۱ و تبصره ۲ م ۷۰۵ تعزیرات) ۲- عذر خانوادگی (تبصره م ۵۵۴ تعزیرات) ۳- عذر ترک جرم (م ۵۸۵ تعزیرات) ۴- عذر اعانت (تبصره ۲ م ۷۱۹ تعزیرات) ۵- م ۴۴۲ ق.ا.د.ک (تسلیم به رأی)

۲۷. معافیت قضایی (ماده ۳۹):

۱. مختص .... است. ملاک، مجازات قانونی است.

۲. اعمال این نهاد، .... است.

۳. در حدود، قصاص، دیات، تعزیرات درجه ۱ تا ۶، تعزیرات منصوص شرعی، جرایم قابل گذشت و قاچاق کالا و ارز اعمال این نهاد ممکن نیست.

۴. شرایط اعمال این نهاد عبارتند از:

۱- تعزیر غیرمنصوص درجه ۷ و ۸
۲- احراز جهات تخفیف
۳- احراز مجرمیت
۴- پیش‌بینی اصلاح مرتکب
۵- فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری
۶- گذشت شاکی
۷- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن.

۵. معاذیر قانونی معاف کننده که در آن معافیت از کیفر .... است عبارتند از:

۱- عذر همکاری (م ۵۰۷ تعزیرات) ۲- عذر توبه (تبصره م ۵۱۲ تعزیرات) ۳- عذر حقانیت (تبصره م ۵۵۳ تعزیرات) ۴- عذر اطاعت از مافوق (م ۵۸۰ تعزیرات) ۵- عذر ناچاری (م ۵۹۱ تعزیرات) ۶- عذر ناچاری و مضطر بودن یا شکایت کردن یا گزارش دادن (تبصره م ۵۹۲ تعزیرات) ۷- عذر تحریک (م ۶۳۰ تعزیرات) ۸. ماده ۷۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۲۸. قرار تعویق صدور حکم: (ماده ۴۰ تا ۴۵):

۱. مختص ....است. ملاک، مجازات مقرر در .... است.

۲. در حدود، قصاص، دیات، تعزیر درجه ۱ تا ۵، تعزیرات منصوص شرعی و جرایم موضوع مادهٔ ۴۷ و شروع به آن‌ها و قاچاق کالا و ارز قابل صدور نیست.

۳. در همه جرایم تعزیری غیرمنصوص نوجوانان ولو جرایم مادهٔ ۴۷ ولو تعزیر درجه ۱، صدور این قرار جایز است. (م ۹۴)

۴. صدور این قرار .... است.

۵. شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم:

۱- تعزیر غیرمنصوص درجه ۶ تا ۸

۲- احراز مجرمیت

۳- ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق متهم

۴- احراز جهات تخفیف

۵- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

۶- جبران ضرر و زیان یا ترتیب جبران

۷- فقدان سابقه محکومیت مؤثر؛

۶. گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی از این نهاد شرط نیست.

۷. این قرار هم در جرایم قابل گذشت و هم غیرقابل گذشت قابل صدور است.

۸. مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال است. (م ۴۰)

۹. قرار تعویق صدور حکم می تواند ساده یا مراقبتی باشد. (م ۴۱ تا ۴۳)

۱۰. قرار تعویق صدور حکم غیابی صادر نمی‌شود. (تبصره ۱ م ۴۱)

۱۱. صرف صدور قرار تعویق صدور حکم موجب لغو بازداشت می‌شود، ← اما دادگاه می‌تواند، تأمین متناسب صادر کند ← البته نباید منتهی به بازداشت متهم شود. تبصره ۲ م ۴۱:
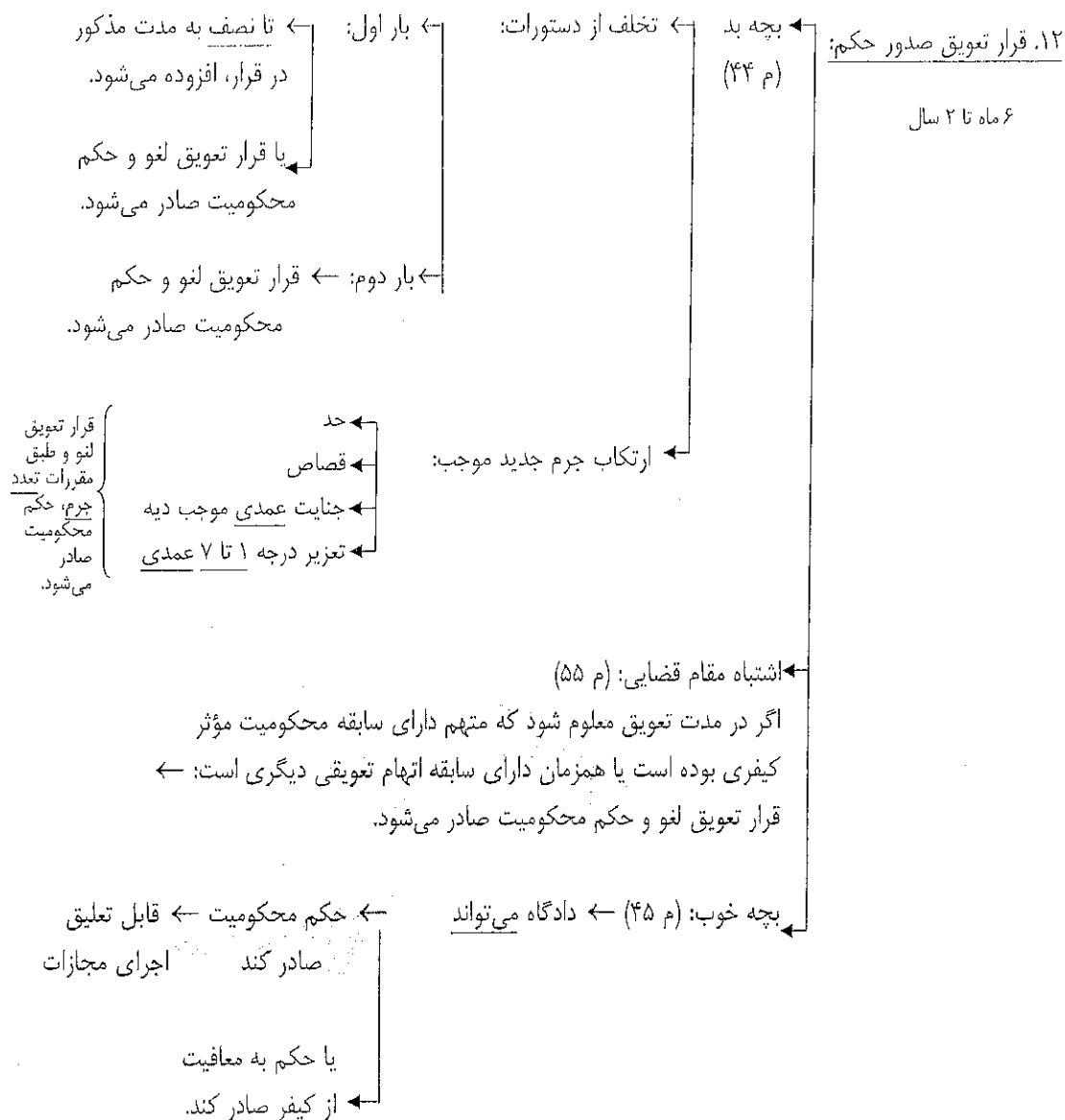
۱۳. در موارد لغو قرار تعویق صدور حکم و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات جایز نیست. (تبصرهٔ م ۴۴)

۱۴. در موارد لغو قرار تعویق صدور حکم، مدت معوق، جزء مدت مرور زمان صدور حکم محسوب نمی‌شود و مرور زمان صدور حکم از تاریخ لغو قرار تعویق صدور حکم محاسبه می‌شود.

۱۵. قرار تعویق صدور حکم، قابل اعتراض است. (تبصره ۲ م ۴۲۷ ق.ا.د.ک)

۱۶. م ۴۲۴: ← غیبت کوتاه اولیاء دم، موجب تعویق صدور حکم قصاص می‌شود.

۲۹. تعلیق اجرای مجازات: (مواد ٤٦ تا ٥٥)

۱. م ۴۶:

۲. مختص .... است. ملاک، مجازات مقرر در .... است.

۳. صدور این قرار .... است.

۴. در حدود، قصاص، دیات، تعزیر درجه ۱ و ۲، تعزیرات منصوص شرعی و جرایم مادهٔ ۴۷ و شروع به آن‌ها و جرایم مقرر در قوانین خاص، صدور این قرار ممکن نیست.

۵. شرایط صدور: همان شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم است:

۱- تعزیر غیرمنصوص درجه ۳ تا ۸. ۲- احراز مجرمیت ۳- ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی ۴- وجود جهات تخفیف ۵- پیش‌بینی اصلاح مرتکب ۶- جبران ضرر و زیان یا ترتیب جبران ۷- فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری.

۶. گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی شرط .... و صدور این قرار هم در جرایم قابل گذشت و هم غیر قابل گذشت ممکن است.

۷. مدت تعلیق اجرای مجازات: ....

۸. مرجع صادرکننده:
- ← ضمن صدور رأی توسط دادگاه بدوی یا صادرکننده حکم قطعی
- ← پس از اجرای $\frac{1}{3}$ مجازات، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام یا دادستان یا تقاضای محکوم از طریق این دو مقام، توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی.

۹. م ۴۷:

۱۰. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و شروع به آنها قابل تعلیق و تعویق نیست مگر در صورت همکاری موثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، که در اینصورت تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. این جرائم و شروع به آنها مطلقاً قابل تعویق صدور حکم نیست.

۱۱. سرقت حدی، قابل تعلیق و تعویق نیست. شروع به سرقت حدی با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق است. اما سرقت مقرون به آزار و سرقت مسلحانه و شروع به آنها، قابل تعلیق و تعویق نیست. در حالی که سایر انواع سرقت و شروع به آنها با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق هست.

۱۲. تعلیق جرائم منافی عفت تعزیری (مثل رابطه نامشروع کمتر از زنا، تظاهر به عمل حرام یا بی حجابی) و شروع به آنها با حصول شرایط جایز است. به جز دایر کردن مراکز فساد و فحشا و تشویق مردم به فساد (م۶۳۹ ت) و جرم نمایش، ساخت، تجارت و ..... اشیائی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید (م ۶۴۰ ت) و شروع به آنها که تعلیق جایز نیست. در ضمن، قرار تعویق صدور حکم در جرائم منافی عفت مطلقاً جایز نیست.

۱۳. قاچاق انسان و قاچاق انواع کالا و ارز (اعم از قاچاق مشروبات الکلی، قاچاق سلاح و مهمات و مواد مخدر و محرک) چه عمده و چه غیر عمده قابل تعلیق .... (ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

گفتنی است حمل، نگهداری، خرید و فروش و ساخت مشروبات الکلی داخلی قابل تعلیق .... (تبصره ۳ م ۷۰۲ تعزیرات نسخ شده است.) (رای وحدت رویه شماره ۷۷۸) در خصوص حمل، نگهداری و خرید و فروش مشروبات الکلی خارجی، اختلاف نظر وجود دارد، اما به نظر این جرایم نیز قابل تعلیق هستند.

۱۴. تعزیر بدل از قصاص نفس (م ۶۱۲ ت) قابل تعلیق و تعویق .... اما تعزیر بدل از قصاص عضو (م ۶۱۴ ت) قابل تعلیق و تعویق است.

۱۵. معاونت در .... قابل تعلیق و تعویق است مثل معاونت در جدود، معاونت در آدم ربایی، معاونت در اسیدپاشی و ... مگر، معاونت در ....

۱۶. .... موضوع م ۴۷ نیز قابل تعلیق و تعویق نیست. مثل شروع به اسیدپاشی، شروع به آدم ربایی و .... اما شروع به سایر جرائم، مثل شروع به قتل عمد یا شروع به حدود با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق است. گفتنی است که جرایم تعزیری درجه ۱ و ۲ قابل تعلیق نیستند اما شروع به آنها به حصول شرایط قابل تعلیق هستند.

۱۷. جرائم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ یا شروع به آنها با موضوع .... قابل تعلیق و تعویق نیست.

۱۸. در جرم اختلاس به هر مبلغی اگر مرتکب تا .... تمام مال موضوع اختلاس را مسترد کند، دادگاه مکلف است مرتکب را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی ....، حبس او را ....، و انفصال از خدمت را، .... نماید. (تبصره ۳ م ۵ قانون تشدید)

۱۹. کلاهبرداری، کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود و شروع به این جرائم با هر مبلغی قابل تعلیق است.

۲۰. صدور چک بلامحل با حصول شرایط قابل تعلیق و تعویق است لکن صدور چک از حساب مسدود و اخلال در نظام اقتصادی کشور غیرقابل تعلیق است.

۲۱. کلیه جرایم تعزیری غیرمنصوص نوجوانان قابل تعلیق است؛ ولو درجه ۱ ولو از جرایم مادهٔ ۴۷. طبق م ۹۴:

۲۲. این قرار نیز به شکل ساده یا مراقبتی است به نظر غیابی صادر نمی شود. م ۴۸:

۲۳. قرار تعلیق اجرای مجازات موجب لغو کلیه قرارهای تأمین و قرار نظارت قضایی می‌شود. (م ۴۹ ق.م.ا و م ۲۵۱ ق.آ.د.ک)

۲۴. قرار تعلیق اجرای مجازات با مدت ۱ تا ۵ سال:

– بچه بد:

الف) تخلف از دستورات دادگاه:

۱. برای بار اول: دادگاه می تواند یا یک تا دو سال به مدت مقرر در قرار بیافزاید و یا قرار تعلیق را لغو و مجازات اجرا شود.

۲. برای بار دوم: دادگاه قرار تعلیق را لغو و مجازات اجرا می شود. (م ۵۰)

ب) ارتکاب جرم جدید: موجب حد، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه و تعزیر عمدی درجه ۱ تا ۷ که در صورت صدور حکم قطعی محکومیت به این جرایم، قرار تعلیق اجرا لغو و هر دو مجازات از باب قواعد تکرار جرم اجرا می شود. (م ۵۴)

– اشتباه مقام قضایی: اگر در مدت تعلیق اجرا مشخص شود که متهم دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت تعلیقی دیگری بوده است ← قرار تعلیق لغو و مجازات اجرا می‌شود. (م ۵۵)

– در صورت لغو قرار تعلیق اجرای مجازات، مدت معلق جزء مدت مرور زمان اجرای مجازات محسوب نمی شود و مرور زمان اجرا از تاریخ لغو قرار تعلیق اجرا شروع می شود. (م ۱۱۱)

– بچه خوب: مجازات تعلیقی اجرا نمی‌شود و محکومیت تعلیق شده فاقد مجازات تبعی است. (م ۵۲)

۲۵. م ۵۱: تعلیق اجرا، تأثیری بر دیه، هزینه دادرسی و ضرر و زیان ندارد.

۲۶. م ۵۳: اگر قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌ها معلق شود، ← مدت تعلیق، از پایان اجرای قسمت غیرمعلق، شروع می‌شود.

۲۷. تبصره م ۵۳: در صورت تعلیق اجرای کل مجازات، انفصال نیز معلق می‌شود مگر به تصریح قانون یا لغو قرار تعلیق اجرا مجازات.

۲۸. علی رغم سکوت قانون، به نظر صدور این قرار نیز قابل اعتراض است.

۲۹. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات و یا تعویق صدور حکم مختص مجازات حبس نیست و در همه انواع مجازات تعزیری با حصول سایر شرایط راه دارد.

۳۰. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات و یا تعویق صدور حکم در فرض تحقق تعدد جرم یا تکرار جرم نیز راه دارد.

۳۰. نظام نیمه آزادی: (مواد ۵۶ و ۵۷)

۱. م ۵۷:

۲. صدور این حکم مختص .... است که ملاک، مجازات مقرر در .... است.

۳. در حبس های تعزیری درجه .... در صورت گذراندن .... از مدت حبس، اعمال نظام نیمه آزادی ممکن است.

۴. در حبس های حدی، حبس بدل از جزای نقدی و حبس بدل از مجازات تکمیلی، حبس ابد و حبس درجه یک و درجه هشت و در جرائم قابل گذشت، راه ندارد.

۵. برای صدور این حکم رضایت مرتکب شرط است. مثل: نظارت الکترونیکی، خدمات عمومی رایگان و قرار تعلیق تعقیب.

۶. صادر کننده آن، .... می باشد.

۷. صدور آن .... است.

۸. سپردن تامین مناسب .... است که توسط قاضی اجرای احکام اخذ می‌شود.

۹. گذشت شاکی .... و این نهاد در جرایم ....، راه ندارد .

۱۰. فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم استفاده از نظام نیمه آزادی در گذشته شرط نیست.

۱۱. اعمال آن غیر قابل اعتراض است.

۱۲. محکوم می تواند حصول شرایط، اعمال این نهاد را مستقیماً از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند و این دادگاه مکلف به بررسی این درخواست است اما اعمال این نهاد همچنان اختیاری است.

۳۱. نظام آزادی مشروط: (مواد ۵۸ تا ۶۱)

۱. م ۵۸:

۲. مختص حبس‌های تعزیری .... است.

۳. در حبس حدی، حبس بدل از جزای نقدی، حبس بدل از مجازات تکمیلی، حبس ابد و حبس مقرر برای اسید پاشی یا شروع به اسید پاشی قابل اعمال نیست. (رای وحدت رویه شماره ۷۶۴)

۴. صدور حکم به آزادی مشروط با حصول شرایط برای دادگاه .... است.

۵. صادرکننده آن پس از پیشنهاد قاضی اجرای احکام یا دادستان، .... می باشد.

۶. پذیرش یا عدم پذیرش آن غیر قابل اعتراض است اما درخواست مجدد بلامانع است.

۷. گذشت شاکی ....؛ لذا این نهاد هم در جرایم قابل گذشت و هم غیر قابل گذشت قابل صدور است.

۸. موافقت مرتکب نیز شرط نیست.

۹. فقدان سابقه محکومیت به حبس یا سایر مجازات ها شرط نیست. و همچنین فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری ....

۱۰. نداشتن سابقه استفاده قبلی از نهاد آزادی مشروط .... مثل: قرار بایگانی کردن پرونده.

۱۱. آزادی مشروط در فرض تعدد جرم و یا ارتکاب جرایم عمدی نیز متصور است.

۱۲. برای صدور این حکم باید مدتی از حبس مقرر در حکم اجرا شود: در حبس .... تحمل .... و در حبس های .... تحمل .... از مدت حبس مقرر در حکم قطعی شرط است. ملاک، میزان مجازات مقرر در .... است. یعنی ملاک، مجازات تقلیل یافته پس از تخفیف قضایی یا قانونی یا عفو است. در واقع، آخرین مجازات مقرر در حکم ملاک است.

نکته: در محکومیت به اعدام یا حبس ابد اگر پس از عفو خصوصی این مجازات ها به حبس های مدت دار تبدیل شوند، اعمال آزادی مشروط ممکن خواهد بود.

۱۳. مدت آزادی مشروط: (م ۵۹)

الف. اصولاً مدت آزادی مشروط بقیه مدت حبس است.

ب. البته قاضی دادگاه می تواند این مدت را از یک تا پنج سال تغییر دهد.

پ. در هر حال مدت آزادی مشروط کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال نیست.

ت. البته اگر مدت باقیمانده حبس کمتر از یک سال باشد، مدت آزادی مشروط همان مدت باقیمانده است.

۱۴. م ۶۰: آزادی مشروط نیز می تواند مراقبتی باشد.

۱۵. م ۶۱:

-بچه بد:

الف) تخلف از دستورات: بار اول: ۱ تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط مقرر در حکم افزوده می شود. بار دوم: آزادی مشروط لغو و مدت باقیمانده مجازات اجرا می شود.

ب) صدور حکم قطعی به ارتکاب جرم جدید موجب حد، قصاص، جنایت عمدی موجب دیه و تعزیر درجه ۱ تا ۷ عمدی:

آزادی مشروط لغو و طبق مقررات .... مرتکب علاوه بر باقیمانده مجازات، به مجازات جرم جدید نیز محکوم می شود.

- با لغو آزادی مشروط، مرور زمان اجرای مجازات از تاریخ لغو حکم آزادی مشروط شروع می شود. (م ۱۱۱)

- بچه خوب: آزادی او قطعی می شود، اما این امر تأثیری در مجازات تبعی ندارد و حسب مورد مرتکب در مدت اجرای حبس و همچنین در مدت آزادی مشروط از حقوق اجتماعی خود محروم است و مدت مجازات تبعی از زمان اتمام مدت آزادی مشروط آغاز می شود. (تبصره ۳ م ۲۵)

۱۶. اعمال نهاد آزادی مشروط در خصوص نگهداری در کانون اصلاح و ترتیب ویژه مجرمین زیر ۱۸ سال نیز ممکن است. (م ۹۰)

۳۲. نظارت الکترونیکی: (ماده ٦٢)

۱. م ۶۲ و تبصره:

۲. مختص حبس تعزیری .... است.

۳. در حبس های تعزیری درجه .... پس از گذراندن .... از مجازات حبس، این نهاد قابل اعمال است. (ملاک، مجازات مقرر در حکم است.)

نکته: اعمال این نهاد در حبس بدل از مجازات تکمیلی، حبس ابد، حبس بدل از جزای نقدی و حبس درجه ۱ ممکن نیست.

۴. اعمال این نهاد .... است.

۵. اعمال آن منوط به .... است. مثل تعلیق تعقیب، نظام نیمه‌آزادی، خدمات عمومی رایگان .

۶. شرایط: همان شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم مقرر در م ۴۰.

۷. گذشت شاکی و عدم استفاده قبلی از این نهاد شرط .... اما فقدان سابقه محکومیت موثر و وجود جهات تخفیف شرط ....

۸. اعمال این نهاد منوط به اخذ تأمین متناسب توسط قاضی اجرای احکام است. (م ۵۵۴ ق.ا.د.ک)

۹. اعمال این نهاد نیز می تواند ساده یا مراقبتی باشد.

۳۳. مجازات‌های جایگزین حبس: (ماده ٦٤ تا ٨٧)

۱. م ۶۴:

۲. انواع مجازات جایگزین حبس:

۱) دوره مراقبت: م ۸۳: مختص جایگزین حبس است.

نکته: دستورها و تدابیر مراقبتی (م ۴۲ و ۴۳) در نهادهای زیر قابل اعمال است:

تعویق صدور حکم مراقبتی، تعلیق اجرای مجازات مراقبتی، نظام آزادی مشروط، نظارت الکترونیکی و دوره مراقبت.

۲) خدمات عمومی رایگان: م ۸۴ و تبصره های آن : مصداقی از مجازات تکمیلی، اصلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال و جایگزین حبس.

- در خدمات عمومی رایگان: .... شرط است. مثل (نظارت الکترونیکی – تعلیق تعقیب – نیمه آزادی)

۳) جزای نقدی: م ۸۶: مصداقی از مجازات اصلی اشخاص حقیقی، اصلی اشخاص حقوقی، اصلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال و جایگزین حبس.

۴) جزای نقدی روزانه: م ۸۵ و تبصره های آن: مختص .... است.

۵) محرومیت از حقوق اجتماعی: م ۸۷: مصداقی از مجازات اصلی، تکمیلی، تبعی یا جایگزین حبس.

۳. شرایط اِعمال جایگزین حبس: ۱- گذشت شاکی ۲- وجود جهات تخفیف ۳- ملاحظه نوع جرم، وضعیت بزهدیده و ...

۴. تبصره م ۶۴:

۵. موارد جایگزین حبس اجباری:

۱) م ۶۵: جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن تا ۳ ماه است. (..................)

۲) م ۶۶: جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ۹۱ روز تا ۶ ماه است. (.......................) ← با شرایطی ممنوع

۳) م ۶۸: جرم غیر عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن تا ۲ سال است. (..............................)

۴) م ۶۹: جرمی که میزان و نوع تعزیر آن در قانون مشخص نشده است.

۵) تبصره م ۳۷: اگر مجازات جرمی تخفیف یابد و حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، در هر حال الزاماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می شود.

نکته: در موارد اِعمال جایگزین حبس الزامی، گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف .... و اِعمال آن، در هر حال الزامی است. (رای شماره ۷۴۶)

۶. موارد جایگزین حبس اختیاری:

۱) م ۶۷: جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۶ ماه تا ۱ سال است. ← با شرایطی ممنوع

۲) م ۶۸: جرم غیر عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۲ سال است. (غیرعمدی درجه ۱ تا ۵)

نکته: در موارد اِعمال جایگزین حبس اختیاری، گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف ....

۷. موارد جایگزین حبس ممنوع:

۱) م ۶۶: سابقه محکومیت به جرایم عمدی موضوع مادهٔ ۶۶ که از اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد.

بیش از یک بار: حبس تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون ریال و شلاق تعزیری.

یک بار: حبس بیش از شش ماه، حد، قصاص و دیه بیش از یک پنجم دیه کامل.

۲) م ۷۱: کلیه جرایم علیه امنیت. به شرط آنکه در مقام تخفیف حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر نشود.

۳) م ۷۲: تعدد جرایم عمدی که حداقل، مجازات یکی از آن‌ها .... باشد.

۴) م ۷۳: جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۱ سال باشد. دادگاه نمی تواند با تخفیف مجازات به کمتر از یک سال حکم به جایگزین حبس دهد. به شرط آنکه در مقام تخفیف حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر نشود.

نکته: در موارد جایگزین حبس اختیاری و ممنوع اگر حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، اعمال جایگزین حبس الزامی است.

۸. م ۷۰: ۹. م ۷۴: ۱۰. م ۷۵: ۱۱. م ۷۶: ۱۲. م ۷۷: ۱۳. م ۷۸: ۱۴. م ۸۲:

۱۵. م ۸۰: بچه خوب: دادگاه می‌تواند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، ۱ بار، تا نصف بقیه جایگزین را تقلیل دهد.

۱۶. م ۸۱ و تبصره: بچه بد: بار اول: یک دوم تا یک چهارم به مدت جایگزین افزوده می شود. بار دوم: جایگزین حذف و مجازات حبس اجرا.

۱۷. در قرار تعلیق تعقیب، قرار بایگانی کردن پرونده، معافیت قضایی، قرار تعویق صدور حکم، قرار تعلیق اجرای مجازات و نظارت الکترونیکی .... شرط است در حالی که در قرار ترک تعقیب، اعطای مهلت، تخفیف قضایی، نیمه آزادی، آزادی مشروط و جایگزین حبس شرط نیست.

۱۸. در قرار بایگانی کردن پرونده، نظام نیمه آزادی، معافیت قضایی و جایگزین حبس اختیاری، .... شرط است لذا این نهاد ها مختص جرایم غیر قابل گذشت است و در جرایم قابل گذشت راه ندارد.

۱۹. مجازات جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و معافیت از کیفر در قالب .... اعمال می شوند در حالی که تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در قالب .... صادر می شوند.

۲۰. در اعمال مجازات جایگزین حبس، مجازات شروع به جرم، مجازات معاونت در جرم، صدور قرار تعویق صدور حکم و مرور زمان تعقیب و صدور حکم، مجازات مقرر در .... ملاک است در حالی که برای اعمال مقررات مجازات تبعی، مجازات تکمیلی، مرور زمان اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی، مجازات مقرر در .... ملاک قرار می گیرد.

۳۴. عوامل سقوط مجازات ها:

۱. عفو: (مواد ۹۶ تا ۹۸)

۱. از حیث مقام عفو کننده به دو نوع تقسیم می شود. عفوعمومی (عام) و عفو خصوصی (خاص).

۲. عفو عمومی: عفو کننده مقنن، مختص تعزیرات، مقید به زمان نیست، هم قبل از صدور حکم قطعی و هم بعد از صدور حکم قطعی ممکن است، موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می شود، شامل متهمان و محکومان می‌شود، عامل عینی است و سایر مداخله کنندگان در جرم را نیز دربر می‌گیرد. اگر پس از حکم قطعی محقق شوند موجب زوال مجازات اصلی، تکمیلی و تبعی می شود. (م ۹۷ ق.م.ا)

۳. عفو خصوصی: عفو کننده رهبری است پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه، مختص تعزیرات نیست، مقید به زمان است، فقط پس از صدور حکم قطعی ممکن است، فقط موجب صدور قرار موقوفی اجرای مجازات می شود، مختص محکومان و مجرمان است، عامل شخصی است و سایر مداخله کنندگان در جرم را شامل نمی شود. موجب زوال مجازات اصلی، تکمیلی است اما بر مجازات تبعی بی اثر است. (م ۹۶)

۴. عفو عمومی یا خصوصی بر قصاص و دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجازات انتظامی، اداری، جریمه های مالیاتی و هزینه دادرسی تاثیری ندارد. (م ۹۸)

۵. عفو خصوصی نسبت به احکام غیابی ممکن نیست.

۶. م ۴۸۸ کیفری و تبصره آن:

۷. ماده ۵۰۴ کیفری:

۸. ماده ۵۴۲ کیفری و تبصره آن:

۲. گذشت شاکی(مواد ۱۰۰ تا ۱۰٤ ق.م.ا):

۱. جرایم به دو دسته تقسیم می‌شوند: جرایم قابل گذشت و جرایم غیر قابل گذشت

۲. تعریف جرم ق. گذشت: ← تبصره ۱ م ۱۰۰ – م ۱۰۰ ق.م.ا – م ۱۲ ق.آ.د.ک.

۳. تعریف جرم غیرقابل گذشت ← تبصره ۲ م ۱۰۰ ق.م.ا

۴. اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است و تعیین جرایم قابل گذشت با قانون است. (تبصره م ۱۲ کیفری)

۵. دو روش برای تعیین جرایم قابل گذشت در نظر گرفته شده است:

۱) روش ارائه ضابطه ← م ۱۰۳ق.م.ا: ← در حدود اصل بر غیر قابل گذشت بودن است مگر از حق‌الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. مثل حد قذف. (م ۲۵۵)

۲) روش احصاء مصادیق ← م ۱۰۴ ق.م.ا ← در تعزیرات.

لیست جرایم قابل گذشت عبارتند از:

۱. جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات (م ۵۶۷ ق.م.ا) ۲. حد قذف (ماده ۲۵۵) و جرائم تعزیری مقرر در فصل حد قذف ۳. جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند (مثل جرم صدور چک پرداخت نشدنی، ترک انفاق، تقاضای ثبت ملک غیر، پیش فروش ساختمان بدون تنظیم سند رسمی یا درج یا انتشار آگهی پیش فروش بدون مجوز– جرائم موضوع قانون حمایت از مولفان و مصنفان) ۴. جعل اسناد غیر رسمی و استفاده از آن ۵. سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص به طور مطلق ۶. توهین ساده ۷. توهین به کارمند دولت ۸. سقط جنین به واسطه ضرب یا آزار زن حامله ۹.امتناع از استرداد طفل سپرده شده ۱۰. رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست در محل خالی از سکنه یا غیر آن ۱۱. مزاحمت تلفنی ۱۲. تدلیس در نکاح ۱۳. افشای اسرار حرفه ای ۱۴. اخذ سند یا نوشته یا مهر و امضا با جبر و قهر و یا با اکراه و تهدید ۱۵. تهدید ۱۶. سوء استفاده از سفید امضا ۱۷. خیانت در امانت ۱۸. احراق اموال منقول متعلق به غیر ۱۹. تخریب، اتلاف یا از کار انداختن اموال منقول یا غیر منقول متعلق به غیر ۲۰. کشتن، مسموم یا تلف یا ناقص کردن عمدی حیوان حلال گوشت متعلق به غیر یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است ۲۱. احراق یا اتلاف اسناد یا اوراق تجارتی یا غیر تجارتی غیر دولتی متعلق به غیر ۲۲. چراندن محصول، تخریب تاکستان، باغ میوه یا نخلستان متعلق به غیر، قطع، درو، خشک یا تضییع کردن محصول غیرو از کار انداختن آسیاب دیگری ۲۳. قطع کردن یا از بین بردن اصله نخل خرما بدون مجوز قانونی ۲۴. تصرف عدوانی در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد ۲۵. تصرف ملک دیگری به قهر و غلبه ۲۶. تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق جدد پس از اجرای حکم ۲۷. ورود به عنف به مسکن غیر ۲۸. افترا لفظی ۲۹. نشر اکاذیب ۳۰. افترا عملی ۳۱. هجو ۳۲. ایجاد صدمه بدنی باعث نقصان یا ضعف دائمی و ... بر اثر بی احتیاطی در رانندگی ۳۳. ایجاد صدمه بدنی بر

اثر بی احتیاطی در رانندگی ۳۴. تغییر، تحریف و انتشار فیلم یا صوت دیگری به وسیله سامانه های رایانه ای ۳۵. انتقال مال غیر و کلاهبرداری در صورتی که مبلغ آن ۱ میلیارد ریال یا کمتر باشد ۳۶. کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری برای آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شوند در صورت داشتن بزهدیده، ۳۷. سرقت های موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۲ و ۶۶۵ تعزیرات در صورتی که اولاً ارزش مال مسروقه ۲۰۰ میلیون ریال یا کمتر باشد و ثانیاً سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد ۳۸. کلیه جرائم تعزیری درجه ۵ ت ۸ افراد زیر ۱۸ سال ۳۹. شروع و معاونت به جرائم قابل گذشت.

چند نکته:

۱. طبق تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا: "حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد."

۲. جرائم توهین و سوء قصد به جان مقامات خارجی، (موضوع مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ تعزیرات) نیز با عنایت به تبصره ماده ۵۱۷ جرم قابل گذشت محسوب می شوند اما به نظر، حکم تبصره ماده ۱۰۴ در خصوص این جرائم اعمال نمی شود.

۳. جرایم علیه میراث تاریخی و فرهنگی غیر قابل گذشت می باشند.

۴. سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص در هر حال جرمی قابل گذشت اما اگر مرتکب ولی یا سرپرست بزهدیده باشد، موجب تشدید مجازات خواهد شد.

۵. اگرچه که جرم جعل سند غیر رسمی و استفاده از اسناد مجعول توسط هر کس، یک جرم قابل گذشت است اما جرم جعل رایانه ای موضوع ماده ۷۳۴ تعزیرات و جعل در اسناد رسمی و سایر انواع جعل مطلقاً غیر قابل گذشت است.

۶. توهین ساده و توهین به کارمند دولت و توهین به مقامات خارجی، از جرائم قابل گذشت هستند در حالی که توهین به مقدسات و توهین به امام خمینی یا توهین به رهبری و توهین به قومیت ها و ادیان یک جرم غیرقابل گذشت هستند.

۷. اگرچه سقط جنین به وسیله ضرب و آزار زن حامله (م ۶۲۲ تعزیرات) جرمی قابل گذشت است اما جرم سقط جنین به واسطه دادن ادویه یا دلالت بر استفاده از ادویه توسط هرکس(م ۶۲۳ تعزیرات) ، یا سقط جنین توسط طبیب (م ۶۲۴ تعزیرات) جرم غیر قابل گذشت است.

۸. اگر چه که احراق عمدی مال منقول دیگری و همچنین تخریب مال منقول و غیر منقول دیگری (م ۶۷۶ و ۶۷۷ تعزیرات) جرم قابل گذشت هستند اما ارتکاب این جرائم با مواد منفجره (م ۶۷۸ تعزیرات) و همچنین تخریب رایانه ای (م ۷۳۶ و ۷۳۷ تعزیرات) به طور مطلق غیرقابل گذشت محسوب می شوند.

۹. اگر چه کشتن یا مسموم کردن یا تلف و ناقص کردن حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیوانی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است (م ۶۷۹ تعزیرات) قابل گذشت است اما جرم شکار و صید غیر مجاز حیوانان و جانوارن وحشی حفاظت شده (م ۶۸۰ تعزیرات) غیر قابل گذشت است.

۱۰. اگر چه جرم اتلاف اسناد متعلق به غیر (م ۶۸۲ تعزیرات) جرم قابل گذشت و مقید است اما جرم اتلاف اسناد دولتی (م ۶۸۱ تعزیرات) یک جرم مطلق و غیر قابل گذشت است.

۱۱. اگر چه جرم اتلاف درخت خرما (م ۶۸۵ تعزیرات) قابل گذشت است اما جرم قطع درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز (م ۶۸۶ تعزیرات) غیر قابل گذشت است.

۱۲. اگر چه جرم تصرف عدوانی، ممانعت و مزاحمت از حق در خصوص املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی (م ۶۹۰ تعزیرات) و جرم تصرف ملک دیگری به قهر و غلبه (م۶۹۲ تعزیرات) و تکرار تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق پس از اجرای حکم (م ۶۹۳ تعزیرات) و ورود به عنف به منزل دیگری (م ۶۹۴ تعزیرات) قابل گذشت است، اما جرم تصرف عدوانی نسبت به املاک و اراضی دولتی و ملی (م ۶۹۰ تعزیرات) و دخول به ملک دیگری با قهر و غلبه (م ۶۹۱ تعزیرات) جرم غیرقابل گذشت است.

۱۳. اگر چه جرم نشر اکاذیب غیر رایانه ای (م ۶۹۸ تعزیرات) قابل گذشت است اما جرم نشر اکاذیب رایانه ای (م ۷۴۶ تعزیرات) غیر قابل گذشت است.

۱۴. اگر چه تصادفات رانندگی موجب صدمات بدنی (م ۷۱۷ تعزیرات) و تصادفات موجب نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن یا موجب از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم بدون از کار افتادن آن عضو یا موجب وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی (م ۷۱۶ تعزیرات) از جرائم قابل گذشت محسوب می شود اما تصادف رانندگی منجر به قتل (م ۷۱۴ تعزیرات) و تصادف رانندگی منجر به مرض غیرقابل علاج، یا از بین رفتن حواس و ... (م ۷۱۵ تعزیرات) جرم غیر قابل گذشت هستند.

۱۵. هتک حیثیت رایانه ای به موجب تغییر و تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری یا انتشار آن (م ۷۴۴ تعزیرات) جرم قابل گذشت است اما انتشار تصاویر خصوصی و خانوادگی دیگری در سامانه های رایانه ای (م ۷۴۵ تعزیرات) جرم غیر قابل گذشت است.

۱۶. انتقال مال غیر و کلاهبرداری در صورتی که موضوع جرم ۱ میلیارد ریال یا کمتر باشد، جرم قابل گذشت محسوب می شود (با مجازات قانونی ۶ ماه تا ۳ سال و نیم در کلاهبرداری ساده و مجازات قانونی ۱ تا ۵ سال در کلاهبرداری مشدد) در حالی که انتقال مال غیر و کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال جرم غیر قابل گذشت است. (با مجازات قانونی ۱ تا ۷ سال در کلاهبرداری ساده و مجازات قانونی ۲ تا ۱۰ سال در کلاهبرداری مشدد)

۱۷. جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود در صورت داشتن بزهدیده، به نظر می رسد که به طور مطلق و فارغ از مبلغ آن، جرم قابل گذشت محسوب می شود. به نظر کلاهبرداری رایانه ای (م ۷۴۱ تعزیرات) جزئی از این موارد می باشد و فارغ از مبلغ آن جز جرائم قابل گذشت محسوب می شود.

۱۸. اگرچه سرقت مشدد با جمع ۵ شرط (م ۶۵۱ تعزیرات)، سرقت مقرون به آزار و سرقت مسلحانه (م ۶۵۲ تعزیرات)، راهزنی (م ۶۵۳ تعزیرات)، سرقت مشدد با جمع سه شرط (م ۶۵۴ تعزیرات)، سرقت از مناطق سیل یا زلزله زده یا .... (م ۶۵۸ تعزیرات)، سرقت تأسیسات عمومی (م ۶۵۹ تعزیرات)، اخفا، معامله، تحصیل و قبول مال مسروقه (م ۶۶۲ تعزیرات) و ساخت کلید برای سرقت (م ۶۶۴ تعزیرات) مطلقاً غیر قابل گذشت است. اما سرقت مشدد به جهت یکی از شرایط شش گانه (م ۶۵۶ تعزیرات)، کیف زن و جیب بری (م ۶۵۷ تعزیرات)، سرقت ساده (م ۶۶۱ تعزیرات) و ربایشی که مشمول عنون سرقت نیست (م ۶۶۵ تعزیرات) به شرط اینکه ارزش مال مسروقه ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه محکومیت موثر باشد، جرم قابل گذشت محسوب می شود، گفتنی است در این جرائم اگر ارزش مال مسروقه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال، جرم غیر قابل گذشت محسوب می شود.

۱۹. گفتنی است در همه این جرائم قابل گذشت، صدور قرار ترک تعقیب ممکن است و این جرائم مشمول مرور زمان شکایت می شوند و در این جرائم صدور قرار بایگانی کردن پرونده، نظام نیمه آزادی، معافیت قضایی و جایگزین حبس اختیاری، جایز نیست.

۲۰. گذشت نیاز به اهلیت استیفا دارد. درخصوص محجور، حق شکایت و گذشت با ولی و سرپرست و قیم او است. البته گذشت قیم اتفاقی منوط به موافقت دادستان است. (تبصره ۲ م ۱۰۱)

۲۱. تبصره ۳ م ۱۰۰:

۲۲. م ۱۰۱:

۲۳. تبصره ۱ م ۱۰۱:

۲۴. م ۱۰۲:

۲۵. تبصره م ۱۰۲:

۳. مرور زمان: (مواد ۱۰۵ تا ۱۱۳)

مرور زمان در حقوق جزای ایران به چهار قسم تقسیم می‌شود:

۱) مرور زمان تعقیب ۲) مرور زمان صدور حکم ۳) مرور زمان شکایت ۴) مرور زمان اجرای مجازات

۱) مرور زمان تعقیب:

۱. اگر از تاریخ ....، مدت زمان های مذکور در ماده ۱۰۵ ق.م.ا بگذرد و تعقیب آغاز نشود، مشمول مرور زمان تعقیب و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می شود.

۲. مرور زمان تعقیب، مختص .... به هر درجه است و در حدود- قصاص- دیات- تعزیرات منصوص و جرایم موضوع ماده ۱۰۹ راه ندارد.

۳. مبداء مرور زمان تعقیب دارای دو استثنا است:

الف) درخصوص مبداء مرور زمان تعقیب جرایم نظامی زمان جنگ: ماده ۶۲۴ ق.ا.د.ک.

ب) در خصوص اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ .... مرجع صالح شروع می شود. (تبصره ۲ م ۱۰۵ ق.م.ا)

۴. در جرم مستمر مبدا مرور زمان تعقیب از تاریخ .... است.

۵. جرم تغییر کاربری اراضی، یک جرم آنی است بنابراین مرور زمان تعقیب آن از تاریخ وقوع جرم آغاز می شود و نه از تاریخ کشف آن. (رای وحدت رویه شماره ۸۲۲)

۶. قطع مرور زمان تعقیب مطلق است و شامل همه شرکا و معاونین می‌شود.

۷. مواد ۶۲۰ تا ۶۲۳ کیفری:

۲) مرور زمان صدور حکم:

۱. اگر از تاریخ .... اقدام تعقیبی و تحقیقی پس از گذشت مدت های مذکور در ماده ۱۰۵ ق.م.ا .... صادر نشود، موضوع مشمول مرور زمان صدور حکم و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می شود.

۲. منظور از اقدام تعقیبی و تحقیقی: ← تبصره ۱ ماده ۱۰۵ ق.م.ا (تمثیلی)

۳. مدت مرور زمان تعقیب و صدورحکم .... است.

۴. مختص .... است و در حدود- قصاص- دیات- تعزیزات منصوص و جرایم موضوع ماده ۱۰۹ ق.م.ا راه ندارد.

۵. م ۱۰۵ ق.م.ا:

۳) مرور زمان شکایت:

۱. اگر در جرایم .... شاکی ظرف .... از تاریخ اطلاع یا رفع مانع شکایت نکند، مشمول مرور زمان شکایت و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می شود. در صورت فوت بزهدیده و عدم گذشت او، وراث او ظرف ۶ ماه از تاریخ فوت حق شکایت دارند.

۲. مرور زمان شکایت مختص جرایم قابل گذشت تعزیری است. شامل حدود ولو حد قذف، قصاص، دیات، تعزیرات غیرقابل گذشت نمی شود.

۳. مرور زمان شکایت فرع بر مرور زمان تعقیب است. بدین مفهوم که مرور زمان شکایت در جرایم قابل گذشت تعزیری زمانی محاسبه می شود که جرم مشمول مرور زمان تعقیب نشده باشد مگر آنکه شاکی تحت سلطه متهم (اعم از مادی یا معنوی) بوده که در اینصورت حتی در صورت شمول مرور زمان تعقیب حق شکایت کیفری شاکی یا ورثه او محفوظ است. (تبصره ماده ۱۰۶ ق.م.ا.)

۴. مرور زمان شکایت جرم صدور چک پرداخت نشدنی: ظرف شش ماه از تاریخ صدور چک باید گواهی عدم پرداخت تحصیل شود و ظرف شش ماه از تاریخ تحصیل گواهی عدم پرداخت باید شکایت کیفری مطرح شود. (م ۱۱ قانون صدور چک)

۵. مرور زمان شکایت در جرایم مستمر قابل گذشت نیز متصور است که در اینصورت مبداء مرور زمان همچنان یک سال از تاریخ اطلاع می باشد.

٤) مرور زمان اجرای مجازات:

۱. اگر از تاریخ حکم قطعی، بعد از گذشت مدت های ماده ۱۰۷، مجازات شروع به اجرا نشود، مشمول مرور زمان اجرای مجازات و موجب صدور قرار موقوفی اجرای مجازات می شود. (م ۱۰۷ ق.م.ا)

۲. مرور زمان اجرای مجازات مختص .... است و در حدود، قصاص، دیات و جرایم موضوع ماده ۱۰۹ قابل اعمال نیست.

۳. مواعد مرور زمان اجرای مجازات .... از مواعد مرور زمان تعقیب و صدور حکم است.

۴. مبدا مرور زمان اجرای مجازات صدور حکم قطعی است. البته:

الف) ماده ۱۱۱ ق.م.ا: ب) تبصره ۱ ماده ۱۰۷ ق.م.ا: پ) م ۱۰۸ ق.م.ا:

۵. مرور زمان اجرای مجازات تأثیری بر .... ندارد.

۶. مرور زمان اجرای احکام صادره از خارج از ایران: تبصره ۲ ماده ۱۰۷ ق.م.ا:

۷. عدم تأثیر مرور زمان بر حق مدعی خصوصی: ماده ۱۱۳ ق.م.ا:

۸. مطلق بودن قطع مرور زمان:

الف) ماده ۱۱۲ ق.م.ا:

ب) ماده ۱۱۰ ق.م.ا:

۹. موارد عدم جواز مرور زمان:

الف) جرایم مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر

ب) جرایم علیه امنیت

پ) کلاهبرداری و جرایم در حکم آن با ارزش بیش از یک میلیارد ریال

ت) جرایم اقتصادی با ارزش یک میلیارد ریال یا بیشتر. (م ۱۰۹)

ث) قاچاق کالا و ارز با هر مبلغی (م ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

٤. توبه: (مواد ١١٤ تا ١١٩)

- توبه در حد قذف، قصاص، دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، تعزیرات منصوص شرعی و حد محاربه بی‌اثر است. (م ۱۱۶)

الف) توبه در تعزیرات: (م ۱۱۵ ق.م.ا و دو تبصره)

درجه ۱ تا ۵: .... موجب کاهش مجازات شود.

درجه ۶ تا ۸: موجب .... مجازات می‌شود.

۱. در .... و در فرض .... در تعزیرات، توبه بی‌اثر است. (تبصره ۱ و ۲ م ۱۱۵) همچنین توبه در قاچاق کالا و ارز اثری ندارد. (م ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

۲. در تعزیرات، توبه مقید به زمان خاصی نیست، اما ادله آن تا .... باید به دادگاه ارائه شود. (م ۱۱۸)

۳. در خصوص احکام خاص توبه در تعزیرات به تبصره م ۵۱۲ و م ۵۲۱ تعزیرات توجه کنید.

ب) توبه در حدود: (م ۱۱۴ و تبصره‌ها)

۱. توبه در حدود به غیر از .... تا .... موجب سقوط مجازات است. (م ۱۱۴)

نکته: در .... ، توبه پیش از اثبات موجب سقوط حد است اما مرتکب به .... درجه ۶ یا هردو محکوم می‌شود. (تبصره ۲ م ۱۱۴)

۲. توبه در حدود .... ، پس از اثبات .... ، می‌تواند موجب عفو خصوصی شود. (م ۱۱۴)

۳. توبه در محاربه تا پیش از .... ، موجب سقوط مجازات می‌شود. (تبصره ۱ م ۱۱۴)

۴. توبه در حدود پس از اثبات با .... بی‌تأثیر است.

نکته: توبه پس از صدور حکم قطعی و در مرحله اجرای مجازات اصولاً بی‌تأثیر است. (رای وحدت رویه شماره ۸۱۳) مگر در ۲ مورد:

الف- توبه در حبس ابد سرقت حدی بار سوم یا در حبس‌های غیرتعزیری: تبصره ۲ م ۲۷۸

ب- توبه در نفی بلد در محاربه: مدت نفی بلد حداقل ۱ سال تا توبه – ماده ۲۸۴

– احراز توبه و سقوط مجازات به موجب آن در صلاحیت دادگاه است نه دادسرا. م ۱۱۸:

– م ۱۱۷:

– م ۱۱۹:

۵. قاعده دراء: (مواد ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱. قاعده دراء، از عوامل سقوط دعوای عمومی (مادهٔ ۱۳ آ.د.ک) نیست و موجب صدور قرار موقوفی تعقیب نمی‌شود و به نظر در صورت اِعمال قاعده دراء، رأی صادره باید قرار منع تعقیب یا حکم برائت باشد.

۲. قاعده دراء، مختص حدود نیست و در تعزیرات و قصاص و دیات نیز متصور است.

۳. وجود شبهه:
- وقوع جرم
- یا شرایط وقوع جرم
- یا شرایط م.ک
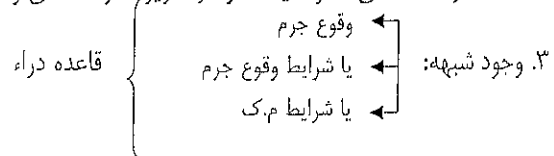
← قاعده دراء

۴. قاعده دراء:
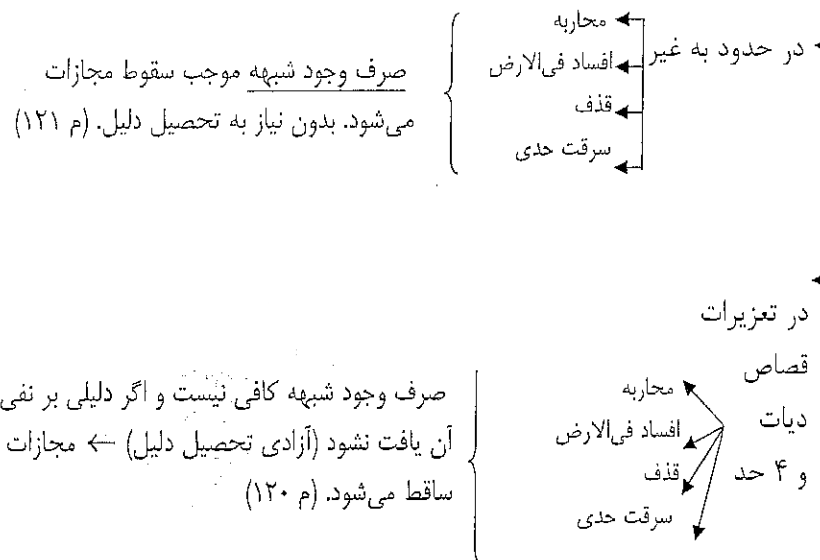
۵. ماده ۲۱۸ و تبصره ۱ آن:

۶. مادهٔ ۲۲۳:

فصل سوم- کیفیات و عوامل مشدده مجازات:

۳۵. تعدد جرم: (ماده ۱۳۱ تا ۱۳۵)

نکته: کیفیات مشدده، موجباتی هستند که در صورت تحقق موجب صدور حکم به حداکثر مجازات قانونی یا بیش از حداکثر مجازات قانونی یا بیش از حداقل مجازات قانونی می شود.

کیفیات مشددهٔ مجازات:
- الف) اختیاری یا اجباری: کیفیات مشدده الزامی هستند مگر تعدد مادی جرایم مشابه در تعزیرات که تشدید اختیاری است
- ب) عام یا خاص: تعدد، تکرار و سردستگی، عام هستند و سایر کیفیات مشدده، خاص هستند.
- پ) نوعی (عینی) یا ذهنی (شخصی):
  - ۱)شخصی: مثل کارمند دولت بودن، قیم ولی یا سرپرست بودن در جرم سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص، سارق مسلح، سردستگی گروه مجرمانه
  - ۲. نوعی: آدم ربایی با وسیله نقلیه، زمان و مکان مثل سرقت در شب، سرقت مسلحانه، تعدد و تکرار.

تفاوت تعدد و تکرار:

مرز بین تعدد و تکرار در تعزیرات .... و در حدود، .... است.

الف- تعدد در تعزیرات:

فرض کسی است که ....، مرتکب چند جرم تعزیری شود. خواه جرایم یکسان باشد خواه متفاوت. تعدد جرم در تعزیرات بر ۳ نوع است. مادی و معنوی و نتیجه.

۱) تعدد مادی در تعزیرات: (تعدد ....):

تعدد مادی یعنی: .... مجرمانه تعزیری قبل از صدور حکم قطعی، خواه جرایم مشابه باشد یا متفاوت.

۱. قواعد تعدد مادی در تعزیرات در فرض تعدد جرائم مشابه و تعدد جرائم مختلف، متفاوت است.

۲. در تعدد مادی جرائم تعزیری مشابه: .... در حکم تعیین می شود و در این فرض، تشدید مجازات .... است و دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر برای تعدد جرائم مختلف مجازات را تشدید کند. (بند الف م ۱۳۴)

۳. در تعدد مادی جرائم تعزیری مختلف: اولاً برای هر جرم .... در حکم، تعیین می شود و ثانیاً در این فرض، تشدید مجازات طبق مقررات زیر .... است.

۴. در تعدد مادی جرائم مختلف مقنن بین فرض تعدد تا ۳ جرم و تعدد بیش از ۳ جرم قائل به تفکیک شده است.

۵. در تعدد مادی جرائم مختلف تا سه جرم (دو جرم یا سه جرم): دادگاه برای هر جرم باید حداقل مجازات هر یک از جرائم را .... مجازات قانونی آن جرم تعیین کند. یعنی برای هر جرم، از بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا سقف حداکثر. (بند ب م ۱۳۴)

۶. در تعدد مادی جرائم مختلف تا سه جرم اگر مجازات جرمی ثابت یا فاقد حداقل باشد: دادگاه می تواند تا .... به اصل آن اضافه کند. یعنی یا خود مجازات یا تا یک ششم اضافه تر. (بند ج م ۱۳۴)

۷. در تعدد مادی جرائم مختلف بیش از سه جرم (چهار جرم به بالا): دادگاه باید برای هر جرم .... مجازات قانونی را تعیین کند، البته می‌تواند مجازات را بیش از حداکثر تا .... آن تعیین نماید. یعنی برای هر جرم از حداکثر تا حداکثر بعلاوه یک چهارم آن. (بند پ م ۱۳۴)

۸. در تعدد مادی جرائم مختلف بیش از سه جرم، اگر مجازات جرمی ثابت یا فاقد حداقل باشد: دادگاه می تواند تا .... به اصل آن اضافه کند. یعنی یا خود مجازات یا تا یک چهارم اضافه تر. (بند ج م ۱۳۴)

نکته: در تعدد جرایم مشابه به همراه جرایم مختلف، جرایم مشابه در شمارش تعداد جرایم، یک جرم محسوب می شوند.

۹. در تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸ با هم: مقررات فوق الذکر در تعدد جرائم مشابه و مختلف اعمال می شود.

۱۰. در تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸ با سایر درجات: تعداد و تعدد جرائم تعزیری درجه ۷ یا ۸ موجب تشدید مجازات سایر درجات نمی شود. در تعدد این جرائم با جرائم درجه یک تا شش، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق قواعد فوق تعیین مجازات می شود و در هر صورت فقط .... قابل اجرا است. (بند ت م ۱۳۴)

۱۱. در تعدد جرائم مختلف که برای هر جرم مجازات جداگانه‌ای تعیین می‌شود فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به دلایل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به دلایلی مثل گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجرا گردد، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود که در این صورت میزان مجازات اجرا شدهٔ قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. (بند ث م ۱۳۴)

۱۲. در اجرای مجازات اشد، اجرای نهادهای ارفاقی همچون آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو خصوصی .... است و نیاز به اجرای مجازات اشد بعدی نیست. (بند ث م ۱۳۴) از این نکته در میابیم که در فرض تعدد جرم، نسبت به مجازات اشد اعمال نهادهای ارفاقی همچون آزاد مشروط، تعلیق اجرای مجازات و یا عفو خصوصی جایز است.

۱۳. در تعدد مادی جرائم مختلف تعزیری، اگر برای یکی از جرائم یکی از مصادیق مجازات‌های تکمیلی موضوع بندهای ماده ۲۳ یا یکی از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۶ به عنوان مجازات اصلی تعیین شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجرا می شود، حتی اگر مربوط به مجازات .... باشد. (بند ج م ۱۳۴)

۱۴. در تعدد مادی جرائم مختلف تعزیری، اگر مجازات اشد، فاقد مجازات تبعی باشد و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، .... نیز اجرا می شود. (بند ح م ۱۳۴)

۱۵. در فرض تشدید مجازات در تعزیرات، تخفیف جایز است. لذا در تعدد جرائم در تعزیرات غیر منصوص شرعی، در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند به هر یک از جرائم به طور جداگانه، تخفیف دهد. لازم به ذکر است، محدوده تخفیف مجازات در این فرض، تابع قواعد عمومی مذکور در ماده ۳۷ می باشد. (بند خ م ۱۳۴)

چند نکته:

نکته ۱: در تعدد مادی در تعزیرات اصولاً قاعده، .... نیست بلکه قاعده، اعمال همه مجازات‌ها در حکم و اجرای مجازات اشد است؛ مگر در موارد زیر که از قاعده جمع مجازات پیروی می‌شود و این موارد تابع قواعد تعدد جرم نیست:

الف) مصادیق مجازات های مذکور در ماده ۲۳ و ۲۶ اگر به عنوان مجازات اصلیی تعیین شده باشند، تابع جمع مجازات هستند. (بند ح ماده ۱۳۴)

ب)

تعدد
- ....
- ....

اصولاً، قاعده .... است و اصولاً اول، .... اجرا می‌شود حتی اگر چیزی برای تعزیر نماند

مگر اینکه
- حد یا قصاص .... باشد
- و تعزیر
  - ....
  - یا ....
- و اجرای تعزیر موجب .... نشود

باشد که در اینصورت و با جمع این شرایط .... اجرا می‌شود.
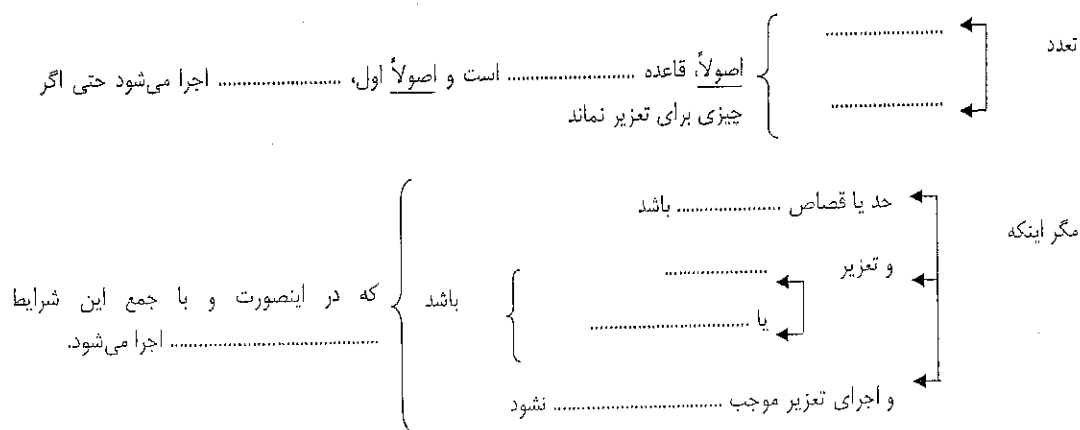
نکته: اگر حد و تعزیر از یک جنس باشند (سرقت حدی و سرقت تعزیری یا زنا و رابطه نامشروع کمتر از زنا)، تعزیر ساقط و فقط حد اجرا می‌شود (البته به شرط اینکه علیه یک نفر باشد) لذا در توهین و حد قذف که اگر یک لفظ توهین به کسی و قذف دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود. مادهٔ ۱۳۵ و تبصره:

پ) موارد خاص مقرر در قانون: فک پلمپ (م ۵۴۶)، غصب عناوین دولتی (م ۵۵۵)، ورود به منزل غیر بدون مجوز قانونی توسط مامورین دولتی (م ۵۸۰)، بازداشت غیرقانونی (م ۵۸۳ و ۵۸۶)، تمرد (تبصره م ۶۰۷)، آدم‌ربایی (م ۶۲۱)، نبش قبر (م ۶۳۴)، تظاهر به عمل حرام (م ۶۳۸)، همگی تعزیرات و پولشویی (تبصره ۳ م ۹ ق. مبارزه با پولشویی.) در این موارد، اگر جرمی در ضمن این جرائم واقع شود، قاعده، جمع مجازات است.

نکته ۲: در صورتی که مجموع جرائم ارتکابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود. (بند د م ۱۳۴)

مثل: مواد ۵۴۷ (فرار از زندان توام با تخریب درب زندان)، ۵۵۴ (ابراز ادله جعلی برای خلاصی مجرم از محاکمه)، ۵۵۶ (غصب عناوین دولتی و سوء استفاده از آن)، ۶۵۱ (سرقت با جمع پنج شرط)، ۶۵۲ (سرقت مقرون به آزار)، ۶۵۶ (سرقت به واسطه تخریب حرز)، ۶۸۳ (تخریب و غارت اموال مردم)، ۶۸۴ (خشک کردن محصول دیگری با استفاده از سرقت آب)، ۷۰۴ (دایر کردن مکان برای شرب خمر و دعوت مردم به آنجا)، همگی از تعزیرات یا مثل اختلاس توأم با جعل که موجب تشدید مجازات اختلاس می‌شود. (تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید)

گفتنی است در مواد ۵۴۷ (فرار از زندان توام با تخریب درب زندان)، ۵۵۶ (غصب عناوین دولتی و سوء استفاده از آن)، و ۷۰۴ (دایر کردن مکان برای شرب خمر و دعوت مردم به آنجا) همگی از تعزیرات، منظور از هر دو مجازات، هر دو مجازات مذکور در همین مواد است.

نکته ۳: اگر جرمی مقدمه ضروری جرم دیگری باشد، تعدد نیست و مرتکب فقط به مجازات جرم اصلی محکوم می‌شود؛ مثل حمل و نگهداری مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر یا نگهداری مواد مخدر به میزان مصرف و مصرف مواد مخدر. البته نگهداری مشروب به میزان مصرف و مصرف مشروب، دو جرم و موجب دو مجازات است. زیرا یکی حد و دیگری تعزیری است.

نکته ٤: در تعدد جرائم عمدی اگر حداقل، مجازات یکی از جرائم بیش از یک سال باشد، اعمال مجازات جایگزین حبس ممنوع است. (م ۷۲)

۲) تعدد معنوی در تعزیرات: (تعدد ....)

۱. .... در عالم خارج که دارای .... مجرمانه تعزیری مختلف است. (یک رفتار و چند عنوان تعزیری) ← تعدد معنوی

موجب تحمل .... است: یعنی محکومیت به مجازات جرم شدیدتر نه حداکثر مجازات جرم شدیدتر. م ۱۳۱:

۲. مثلاً کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول، مصداق تعدد معنوی است که مرتکب به مجازات .... محکوم می‌شود.

۳. در تعدد مادی ملاک تعیین مجازات اشد، مجازات حکمی است در حالی که در تعدد معنوی، ملاک مجازات قانونی است.

۴. اگر فعل .... دارای دو عنوان مجرمانه یکی تعزیری و دیگری موجب قصاص، دیه یا حد باشد، تعدد معنوی نیست و تابع قاعدهٔ .... است. مثل تبصره م ۵۱۶ ت، تبصره م ۶۵۰ ت، م ۶۵۲ ت، بند ب م ۶۳۹ ت و تبصره آن، م ۷۰۱ ت.

۳) تعدد نتیجه در تعزیرات:

یک رفتار مجرمانه که دارای یک عنوان مجرمانه تعزیری و نتایج متعدد است: (یک رفتار و چند نتیجه: در حکم تعدد معنوی است.) مثل ترک انفاق همسر و اولاد واجب‌النفقه یا یک مانور متقلبانه و بردن مال چند نفر. در این صورت مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می شود. (بند چ م ۱۳۴)

چند نکته:

۱. جعل و استفاده از سند مجعول ولو توسط جاعل: تعدد مادی.

۲. کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول: تعدد معنوی.

۳. تحصیل مال با امضاء به جای دیگری در دفترخانه: تعدد معنوی جعل و کلاهبرداری.

۴. نداشتن گواهی‌نامه حین قتل غیرعمد ناشی از تصادف: تعدد معنوی.

۵. اقدام ورثه در انتقال سهم سایرین با جعل اسناد: تعدد معنوی.

۶. ترک انفاق همسر و اولاد واجب النفقه: تعدد معنوی

۷. تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف عدوانی: تعدد مادی است بین تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰ تعزیرات و قطع اشجار موضوع ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع. (رأی وحدت رویه شماره ۶۸۵)

۸. مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق، از تعقیب مرتکبان خودداری می‌کنند، مطابق تبصره یک ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در حکم مختلس محسوب می‌شوند و هرگاه برای خودداری از انجام وظیفه مذکور، وجه یا مالی اخذ کنند، رفتار آنان مشمول عنوان «ارتشاء» نیز می‌شود. که این از مصادیق تعدد اعتباری (تعدد معنوی) است. (رای وحدت رویه شماره ۸۳۰)

۹. عدم اعلام جرایم مربوط به قمار و شرط بندی و یا گزارش خلاف واقع در این خصوص توسط ضابطان طبق م ۷۱۰ تعزیرات جرم است. حال اگر مرتکب برای این امر رشوه دریافت کند از مصادیق تعدد معنوی است.

۱۰. ارتکاب چند جعل ولو به یک منظور: تعدد مادی.

۱۱. استفاده از یک سند جعلی در موارد مختلف: تعدد مادی.

۱۲. جرایم استمرار یافته مصداقی از تعدد نیستند؛ مثل سرقت هر شب ۱۰ کیلو گندم از یک انبار گندم.

۱۳. تعدد در جرائم اطفال و نوجوانان و در جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیز متصور است.

۱۴. تعدد در جرائم غیر عمدی نیز متصور است.

ب- تعدد در حدود:

۱. فرض کسی است که پیش از .... یک جرم حدی، مرتکب چند جرم حدی دیگری شود.

۲. در تعدد در حدود اصل بر .... است مگر نوع جرم حدی و مجازات آن یکسان باشد؛ ← فقط یک حد اجرا می‌شود.

۳. مادهٔ ۱۳۲ و ۴ تبصره آن:

۴. تعدد قذف:

- قذف چند نفر:
  - با چند لفظ (م ۲۵۶): ← موجب چند حد می‌شود خواه با هم شکایت کنند، خواه جداگانه؛
  - با یک لفظ (م ۲۵۷): ← اگر با هم شکایت کنند ← موجب یک حد
    اگر جداگانه شکایت کنند ← برای هر شکایت، حد مستقلی اجرا می‌شود.
- قذف یک نفر (م ۲۵۸): ← خواه به یک لفظ خواه چند لفظ، خواه به یک سبب خواه به چند سبب } موجب ۱ حد است: ← اگر بعد از اجرای حد قذف را تکرار کند، حد نیز تکرار می‌شود.
  اگر بعد از اجرای حد بگوید آنچه که گفتم حق بود ← موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری

۵. تعدد حد و قصاص: (م ۱۳۳) ← قاعده، جمع مجازات

مگر اینکه اجرای حد
- موضوع قصاص را از بین ببرد
- یا موجب تأخیر در اجرای قصاص شود

} ← که در اینصورت اول قصاص اجرا می‌شود؛

حال اگر به هر دلیل قصاص
- مصالحه به دیه شود.
- یا عفو شود.
- یا تأخیر در مطالبه شود.

} ← حد اجرا می‌شود.

پ- تعدد و تداخل جنایت عمدی موجب قصاص:

۱. تداخل جنایت عمدی نسبت به یک نفر:
- یک ضربه عمدی:
  - موجب یک آسیب منتهی به فوت: فقط قصاص نفس (م ۲۹۷)
  - موجب چند آسیب: ۲۹۸
    - همه آسیب‌ها با هم و روی هم موجب فوت شود: فقط قصاص نفس
    - اگر فقط برخی آسیب‌ها موجب مرگ شود: قصاص عضو + قصاص نفس
- ضربه‌های متعدد عمدی موجب چند آسیب:
  - اگر فقط برخی آسیب‌ها موجب مرگ شود: قصاص عضو + قصاص نفس
  - اگر همه آسیب‌ها با هم و روی هم موجب فوت شود:
    - ضربات متوالی و در حکم یک ضربه: فقط قصاص نفس
    - ضربات متناوب: قصاص عضو + قصاص نفس (م ۲۹۹ وتبصره)

۲. تداخل جنایت عمدی بر عضو نسبت به یک نفر: م ۳۸۹ تا ۳۹۱.

۳. جنایات عمدی بر اعضای چند نفر: م ۳۹۲.

۴. جنایات عمدی بر نفس چند نفر: م ۳۸۳ و ۳۸۴.

ت- تعدد در جنایت موجب دیه:

ارتکاب جنایات غیرعمدی بر نفس یا اعضای یک یا چند نفر: هر یک دیه جداگانه دارند خواه با یک رفتار باشد و خواه با چند رفتار.

طبق م ۵۳۸: در آسیب های متعدد موجب دیه، اصل بر جمع دیات و عدم تداخل آن است و هر آسیب دیه جداگانه دارد حتی اگر با یک ضربه باشد. (مثل مواد ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴، تبصره م ۵۹۰، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۳۰، ۶۴۹، ۶۷۸، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۴، ۷۰۳)

- مگر در ۴ مورد که دیهٔ آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند:

۱. منفعت قائم به عضو باشد (م ۵۴۵): مثل چشم و بینایی (م ۶۹۲) و زبان و چشایی (م ۶۹۶)

۲. م ۵۴۳ ← جمع ۴ شرط:
- ۱. یک نوع آسیب
- ۲. در یک عضو
- ۳. متصل به هم به گونه‌ای که عرفاً یک آسیب محسوب شود.
- ۴. یک رفتار

۳. م ۵۴۶:

۴. م ۵۴۷:

- درخصوص تعدد در جرم، به مادهٔ ۵۱۰ ق.آ.د.ک توجه شود.

۳۶. تکرار جرم: (مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹)

الف. تکرار جرم در حدود: م ۱۳۶:

۱. اگر کسی پس از اجرای مجازات یک جرم حدی، مرتکب همان نوع جرم حدی شود و هربار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم مجازات وی اعدام است.

۲. برای تحقق تکرار در حدود، هر چهار حد باید برای ارتکاب یک نوع جرم حدی باشد و هر بار حد بر او به‌طور کامل جاری گردد.

۳. وجود فاصله زمانی میان هر بار اجرا شدن حد مهم نیست.

۴. متوالی یا متناوب بودن اجرای سه بار حد مهم نیست.

۵. اصولاً در تکرار در حدود تا سه بار تکرار، موجب تشدید مجازات نمی‌شود و در مرتبه چهارم مجازات به اعدام تشدید می‌شود مگر در حد قوادی بار دوم مرد که موجب تا ۱ سال تبعید علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق است (م ۲۴۳) و سرقت حدی: م ۲۷۸ و ۲ تبصره:

ب. تکرار جرم در تعزیرات:

۱. فرض کسی است که بعد از صدور حکم قطعی به ارتکاب یک جرم تعزیری، مرتکب جرم تعزیری دیگری شود.

۲. برای تحقق تکرار در تعزیرات، صدور حکم قطعی کافی است و اجرای مجازات شرط نیست. لذا ارتکاب جرم جدید در مدت قرار تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط، جایگزین حبس، نظارت الکترونیکی یا بعد از عفو خصوصی، با حصول سایر شرایط مشمول مقررات تکرار جرم است؛ درحالی که ارتکاب جرم جدید در مدت قرار تعویق صدور حکم یا قرار تعلیق تعقیب، مشمول مقررات تعدد جرم است.

۳. برای تحقق تکرار در تعزیرات، صدور حکم محکومیت قطعی باید به خاطر ارتکاب یک جرم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد. (ملاک، مجازات مقرر در حکم قطعی است) لذا اگر جرم اول، حد، قصاص، دیه، جرائم غیر عمدی یا تعزیر درجه ۶ تا ۸ باشد، جرم دوم هرگز تکرار نیست.

۴. برای تحقق تکرار، جرم دوم که پس از صدور حکم محکومیت قطعی واقع می‌شود باید یک جرم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد. (ملاک، مجازات مقرر در قانون است) پس اگر جرم دوم حد، قصاص، دیه، جرائم غیرعمدی، یا تعزیر درجه ۷ یا ۸ باشد جرم دوم هرگز تکرار جرم محسوب نمی شود. در ضمن، لازم نیست که جرم دوم همانند جرم اول باشد.

۵. در جرائم غیر عمدی چه به عنوان جرم پایه چه جرم پیرو، تکرار جرم منتفی است. لذا تکرار جرم مختص جرائم عمدی است. در حالی که تعدد جرم در جرائم غیر عمدی نیز متصور است.

۶. برای تحقق تکرار جرم در تعزیرات، جرم دوم باید در محدودهٔ زمانی مشخصی واقع شود:

الف) در فرض اجرای مجازات جرم اول: جرم دوم باید در فاصله صدور حکم قطعی برای جرم اول تا شمول اعاده حیثیت (پایان مجازات تبعی یا پایان سابقه محکومیت مؤثر کیفری) واقع شود.

نکته: در فرض اجرای مجازات، اگر جرم پایه فاقد مجازات تبعی باشد (مثل جزای نقدی) پس از اجرای مجازات، جرم دوم تابع مقررات تکرار جرم نخواهد بود.

ب) در فرض عدم اجرای مجازات جرم اول: جرم دوم باید در حد فاصل صدور حکم قطعی برای جرم اول تا شمول مرور زمان اجرای مجازات واقع شود.

نکته:در فرض عدم اجرای مجازات، لازم نیست که جرم اول دارای مجازات تبعی باشد در واقع در فرض اجرای مجازات ملاک تحقق تکرار جرم، مجازات تبعی برای جرم اول است و در فرض عدم اجرای مجازات ملاک تحقق تکرار جرم، مرور زمان اجرای مجازات برای جرم اول است.

۷. با جمیع شرایط فوق، جرم دوم تکرار محسوب شده و حداقل مجازات جرم ارتکابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

۸. م ۱۳۷:

۹. م ۱۳۸:

۱۰. تخفیف مجازات در تکرار در تعزیرات غیر منصوص: م ۱۳۹ و تبصره:

۱۱. توبه متهم در تکرار در جرایم تعزیری پذیرفته نیست. (تبصره ۱ م ۱۱۵)

۱۲. عوامل موجب سقوط مجازات تبعی، (مثل عفو عمومی یا گذشت در جرایم قابل گذشت، نسخ مجازات) موجب می‌شود که جرم دوم تکرار نباشد.

۱۳. در فرض تحقق تکرار جرم، اگر مجازات جرم اول اجرا نشده باشد، هر دو مجازات با هم جمع می شود.

۱۴. در خصوص نحوه اجرای قواعد تکرار جرم توجه به ماده ۵۱۱ ق.ا.د.ک لازم است.

۱۵. در خصوص تکرار جرم در جرائم رایانه ای توجه به ماده ۷۵۵ تعزیرات لازم است.

نکته: جرائم مواد مخدر از حیث مقررات تعدد جرم تابع قواعد عمومی مذکور در ق.م.ا است (رای وحدت رویه شماره ۷۳۸) در حالی که از حیث مقررات تکرار، تابع احکام خاص مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر است.(رای وحدت رویه شماره ۷۷۶)

نکته: در تکرار جرم، اگر مجازات قانونی جرم دوم، شلاق تعزیری درجه ۶ باشد، تعیین مجازات به بیش از یک چهارم حداکثر مجازات قانونی جایز است. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۵)

نکته: در بحث از تعدد و تکرار جرم یک سوال مطرح است و آن این است که اگر یکی از جرائم در زمان قانون قدیم و جرم دیگر در زمان قانون جدید واقع شود، آیا تعدد و تکرار تابع قانون جدید است یا خیر؟ علی رغم اختلاف نظر موجود به نظر در این حالت تعدد و تکرار تابع قانون جدید خواهد بود.

حقوق جزای اختصاصی

دوره نوین پلاس

مدرس: دکتر علیرضا نوبهاری طهرانی

ویژه آزمون های حقوقی ۱۴۰۳

بخش اول- ادله اثبات دعوی:

۳۷. ادله اثبات:

۱. انواع ادله: م ۱۶۰ و تبصره

۲. اعتبار ادله: م ۲۱۳، ۱۶۱، ۲۱۲، ۱۷۱ و ۱۸۷ق.م.ا:

۳. بطلان دلیل اثبات کننده جرم: م ۱۶۳

الف- اقرار:

۱. تعریف: م ۱۶۴ ق.م.ا

۲. شرایط مقر: م ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰.

۳. شرایط شکلی اقرار: م ۱۶۵ تا ۱۶۷

۴. نصاب اقرار: م ۱۷۲ و ۲ تبصره، م ۲۳۲،تبصره ۲ م ۲۱۸.

۵. انکار بعد از اقرار: م ۱۷۳.

۶. تبصره ۱ م ۱۰۲ و م ۳۱۹ ق.ا.د.ک.

۷. اقرار چند نفر به ارتکاب جنایت: تبصره م ۴۷۷ و م ۴۸۳.

ب-شهادت:

۱. تعریف: م ۱۷۴ تا ۱۷۶.

۲. یقینی بودن شهادت: م ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵.

۳. نحوه ادای شهادت: ۱۸۴

۴. متعذر بودن حضور شاهد: ۱۸۶ ق.م.ا و م ۶۵۹ ق.ا.د.ک

۵. شرایط شهادت شرعی: م ۱۷۷ تا ۱۸۱، ۱۹۷

۶. شهادت بر شهادت: م ۱۸۸ تا ۱۹۰

۷. جرح و تعدیل شهود: م ۱۹۱ تا ۱۹۶.

۸. رجوع از شهادت: م ۱۹۸.

۹. نصاب شهادت: م ۱۹۹ و ۲۰۰

۱۰. تبصره م ۳۲۲ و م ۳۲۴ تا ۳۳۰ ق.ا.د.ک:

پ- سوگند:

۱. تعریف: م۲۰۱:

۲. شرایط ادا کننده سوگند: ۲۰۲

۳. شرایط اعتبار سوگند: ۲۰۴

۴. نحوه ادای سوگند: ۲۰۵ و ۲۰۶.

۵. تشریفات سوگند: م ۲۰۳

۶. محدوده اثباتی سوگند: م ۲۰۷ تا ۲۰۹ و تبصره آن.

۷. بطلان سوگند: م ۲۱۰.

۸. م ۳۳۱ تا ۳۳۳ و ۶۹۵ ق.ا.د.ک.

۹. موارد اثبات ادعا به وسیله سوگند محدود به موادی از جمله مواد ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱ و ۳۱۳ ق.م.ا به بعد است.

ت- علم قاضی:

۱. م ۲۱۱ و تبصره آن.

۲. ادله الکترونیکی با شرایطی به عنوان اماره قابل استناد هستند. به موجب ماده ۶۸۵: "چنانچه داده های رایانه‌ای توسط طرف دعوی یا شخص ثالثی که از دعوی آگاهی ندارد، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شود و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده ها خدشه وارد نشود، قابل استناد است." و طبق ماده ۶۸۶ ق.ا.د.ک ادله الکترونیکی نه فقط در جرایم رایانه ای که در تمام جرایم قابل استناد است.

۳. استماع ادله غیر شرعی: م ۱۶۲

ث- قسامه: م ۳۱۲ تا ۳۴۶ و م ۴۵۴ تا ۴۶۱

۱. تعریف قسامه و کاربرد آن: ۳۱۳، ۳۱۲ و ۴۵۴.

نکته: قسامه برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است در نتیجه تعیین مجازات تعزیری برای جنبه عمومی جرم، بر اساس قسامه، فاقد وجاهت قانونی است. در واقع تعزیر بدل از قصاص با قسامه ثابت نمی شود. (رای وحدت رویه شماره ۸۱۵)

۲. تعریف لوث: ۳۱۴ و ۳۱۵.

۳. رد یا قبول قسامه باید با ذکر دلیل باشد: م ۳۱۶

۴. قسامه چیزی را ثابت می کند که در مورد آن لوث وجود دارد: م ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۳۱.

۵. چگونگی و تشریفات اجرای قسامه: م ۳۱۷، ۳۱۸ و تبصره آن:

فرض اول) اجرای قسامه توسط شاکی:

۱- نصاب قسامه: ۳۳۶، ۴۵۵، ۴۵۶ و تبصره ۲ م ۴۵۶. (مرد از خویشان)

۲- خود شاکی می تواند یکی از آنها باشد که البته در جنایت بر عضو باید یکی از آنها باشد حتی اگر زن باشد: م ۳۳۷:

۳- شاکی در جنایت بر نفس نمی‌تواند سوگند را تکرار کند. (م ۳۳۶) اما در جنایت بر عضو تکرار جایز است. (تبصره ۱ م ۴۵۶)

۴- در صورت اجرای قسامه توسط شاکی:

الف. در قتل عمد: قصاص ثابت می شود.

ب. در قتل غیر عمد و همچنین جنایت بر عضو (چه عمد، چه غیر عمد): فقط دیه ثابت می شود. م ۴۵۶:

۵- در فرض تعدد شکات: اجرای یک قسامه کافی است. م ۳۲۷:

فرض دوم) رد قسامه به متهم:

۱- م ۳۲۶:

۲- نکول از قسامه = پرداخت دیه. م ۳۱۹:

۳- اجرای قسامه: با رعایت نصاب قسم که خود نیز می تواند قسم ها را تکرار کند. (م ۳۳۸) که در اینصورت حکم برائت صادر می شود. (م ۳۱۹ – ۴۵۷) م ۳۴۵ و ۴۸۴:

۴- در صورت تعدد متهمان، برای بی گناهی هر یک باید جداگانه قسامه را اجرا کنند. م ۳۲۷ و ۳۲۸:

۶. چه افرادی حق مطالبه قسامه را دارند: م ۳۲۰ و ۳۲۱:

۷. اختلاف بین ورثه در قسامه: م ۳۲۲ و ۳۲۵:

۸. شرایط سوگند در قسامه: م ۳۳۹ تا ۳۴۶ و م ۴۵۸:

۹. شرایط اقامه قسامه در شرکت در جنایت: م ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵ و تبصره آن.

۱۰. شرایط اقامه قسامه در لوث مردد:

الف) اگر تردید در مرتکب باشد اما لوث وجود نداشته باشد: م ۴۷۷ و تبصره آن و م ۴۷۸.

ب) اگر تردید در مرتکب باشد و لوث هم به شکل مردد وجود داشته باشد:

۱- م ۳۳۲ و ۴۸۰. ۲- م ۳۳۳ و ۴۸۱. ۳- م ۳۳۴.

۱۱. م ۴۵۹ تا ۴۶۱:

بخش دوم- حدود:

۳۸. حدود:

۱. تعریف حد: م ۱۵:

۲. جرایم حدی عبارتند از: ۱. زنا ۲. لواط ۳. تفخیذ ۴. مساحقه ۵. قوادی ۶. قذف ۷. سب نبی ۸- مصرف مسکر ۹- سرقت ۱۰. محاربه ۱۱. بغی ۱۲. افساد فی الارض. اگر چه طبق ماده ۲۲۰ حدودی که در قانون پیش بینی نشده است طبق شرع قابل مجازات است.

۳. لیست مجازات های حدی: اعدام، رجم، صلب، حبس ابد، قطع عضو، شلاق حدی، تبعید، نفی بلد.

۳۹. زنا:

۱. زنا با مردگان: م ۲۲۲

۲. اقسام حد زنا: ۱- اعدام ۲- رجم ۳- جلد

۳. انواع زنا:

الف) زنا موجب جلد: م ۲۳۰

ب) زنا موجب جلد، تراشیدن مو سر و ۱ سال قمری تبعید: م ۲۲۹

پ) زنا موجب اعدام: م ۲۲۴

نکته: موارد در حکم زنای به عنف: تبصره ۲ م ۲۲۴:

نکته: دیه زنا به عنف: م ۲۳۱ و م ۶۵۸ و تبصره های آن.

ت) زنای موجب رجم: م ۲۲۵

۴. تعریف احصان و شرایط خروج از احصان: م ۲۲۶ و ۲۲۷

۵. م ۲۲۸:

٤۰. لواط، تفخیذ و مساحقه:

۱. حد لواط: م ۲۳۴ و تبصره های آن:

۲. حد تفخیذ: م ۲۳۶ و تبصره:

۳. حد مساحقه: م ۲۳۹ و ۲۴۰:

۴. م ۲۴۱:

۵. م ۲۳۷ و دو تبصره:

٤١. قوادی:

۱. تعریف: م ۲۴۲:

۲. حد قوادی مقید و منوط به تحقق زنا یا لواط است. و در صورت عدم تحقق زنا و لواط، مرتکب مستوجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش، است. لذا قوادی جرم مقید است.

۳. حد قوادی: م ۲۴۳:

۴. مرتبط کردن افراد نابالغ برای زنا یا لواط: م ۲۴۴:

٤٢. قذف:

۱. م ۲۴۵ و ۲۴۶ و تبصره و م ۲۴۸:

۲. م ۲۴۷

۳. م ۲۴۹

۴. م ۲۵۰:

۵. م ۲۵۱ و تبصره ۱ و ۲:

۶. م ۲۵۲:

۷. م ۲۵۳:

۸. م ۲۵۴:

۹. م ۲۵۵:

۱۰. م ۲۵۹:

۱۱. م ۲۶۰ و تبصره:

۱۲. م ۲۶۱:

۱۳. توبه در قذف بی تأثیر است. (م ۱۱۶)

۱۴. حد قذف مشمول مرور زمان شکایت نیز نمی‌شود. (م ۱۰۶)

۴۳. سب نبی:

۱. تعریف: م ۲۶۲ و تبصره:

۲. حد ساب النبی اعدام است مگر آن که متهم به سب ادعا کند که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است که در این صورت ساب النبی محسوب نمی‌شود و در موارد مستی یا غضب یا نقل و قول از دیگری به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود. (م ۲۶۳ و تبصره)

۳. م ۵۱۳ تعزیرات:

۴. م ۴۹۹ مکرر تعزیرات:

۴۴. محاربه:

۱. تعریف: کشیدن سلاح به قصد جان، مال، ناموس مردم یا ارعاب آنها به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود.

۲. وجود سلاح و دست بردن به سلاح شرط است اما استفاده از سلاح شرط نیست. اسلحه اعم است از سرد و گرم، که مصداق آن عرفی است. اسلحه باید واقعی و حقیقی باشد اعم از سالم یا خراب، پر یا خالی. دست بردن به اسلحهٔ تقلبی هرچند که باعث ایجاد هراس در مردم شود موجب تحقق محاربه نیست.

۳. شخصیت مرتکب: هر کس با هر جنسیت و دینی. محارب می‌تواند یک نفر باشد.

۴. بزه‌دیده: این جرم علیه مردم است با هر دینی و جنسیتی و قومیتی. بزه‌دیدهٔ جرم باید حداقل متشکل از ۳ نفر یا بیشتر باشد.

۵. محل وقوع جرم: محل وقوع این جرم مهم نیست که در شهر باشد یا خارج شهر، خشکی باشد یا دریا.

۶. نتیجه: مقید به ایجاد ناامنی در محیط. کسی که روی مردم سلاح بکشد و در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب نیست.

۷. عنصر معنوی: عمد در کشیدن سلاح و قصد ایجاد ناامنی در محیط یا علم به وقوع آن و انگیزه خاصِ جان، مال، ناموس مردم یا ارعاب آنها شرط است. لذا دست بردن به سلاح با انگیزهٔ شخصی علیه چند شخص خاص محاربه نیست.

۸. م ۲۷۹:

۹. م ۲۸۰:

۱۰. قطاع الطریق: ماده ۲۸۱: و تفاوت آن با جرم راهزنی موضوع ماده ۶۵۳ تعزیرات:

در قطع طریق، وجود سلاح و دستبردن به سلاح شرط است، البته استفاده از سلاح شرط نیست. بردن مال شرط نیست. برهم زدم امنیت راه ها شرط است. این جرم در حکم محاربه است. این جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

در راهزنی، وجود سلاح و دستبردن به آن شرط نیست، بردن مال شرط است، برهم زدن امنیت راه ها شرط نیست. (جرم تعزیری و در صلاحیت دادگاه کیفری یک)

۱۱. مجازات محاربه: م ۲۸۲ تا ۲۸۵:

۴۵. افساد فی‌الارض:

۱. افساد فی‌الارض جرمی مستقل از محاربه است.

۲. رفتار مجرمانهٔ: به طور حصری باید یکی از موارد ذیل باشد که جملگی باید به طور گسترده واقع شود:

۱- جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور. ۲- جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد. ۳- نشر اکاذیب. ۴- اخلال در نظام اقتصادی کشور. ۵- احراق و تخریب. ۶- پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک. ۷- دایر کردن مراکز فساد و فحشا.

نکته: معاونت در این رفتارها خود افساد فی الارض محسوب می شود و موجب اعدام است.

۳. موضوع جرم: افساد فی‌الارض می‌تواند در حوزه جرایم علیه تمامیت جسمانی یا تمامیت معنوی *(نشر اکاذیب)* یا جرایم علیه اموال *(احراق و تخریب)* یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی یا جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی *(دایر کردن مراکز فساد)* واقع شود.

۴. نتیجه مجرمانه: افساد فی‌الارض جرمی است مقید به تحقق یکی از نتایج زیر است:

۱- اخلال شدید در نظم عمومی کشور. ۲- ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی. ۳- اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع.

۵. مجازات: با حصول شرایط و احراز عنصر معنوی، مجازات مباشر و معاون اعدام است.

۶. برای تحقق این جرم دست بردن به سلاح و یا استفاده از آن شرط نیست.

۷. عنصر معنوی: عمد در یکی از رفتارهای مجرمانه، قصد نتایج پیش گفته یا علم به وقوع لازم است.

۸. اگر قصد نتیجه یا علم به تحقق آن احراز نشود: اگر جرم ارتکابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود. م ۲۸۶ و تبصره آن:

۹. برخی از جرایم در حکم محاربه یا افساد فی الارض: م ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز،

۱۰. در خصوص انتشار حکم قطعی محکومیت به محاربه یا افساد فی الأرض به م ۳۶ توجه کنید.

۱۱. توبه در افساد فی الأرض تا قبل از اثبات پذیرفته است اما توبه در محاربه باید تا پیش از دستگیری یا دستیابی باشد تا موجب سقوط مجازات شود. (م ۱۱۴)

۱۲. در خصوص عدم شمول قاعده دراء در محاربه و فساد فی الارض به ماده ۱۲۱ و تبصره ۱ م ۲۱۸ توجه کنید.

٤٦. بغی:

۱. تعریف: قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی.

۲. مرتکب: گروه مجرمانه (حداقل سه نفر) با هر دینی.

۳. بزهدیده: جرم علیه حکومت است و نه مردم.

۴. لازم نیست همه اعضای گروه مسلح باشند.

۵. وجود سلاح اعم از سرد یا گرم شرط است اما استفاده از آن شرط نیست و استفاده از سلاح موجب تشدید مجازات به اعدام می‌شود.

۶. م ۲۸۷

۷. اگر قبل از درگیری و استفاده سلاح اعضا دستگیر شوند: بغی همچنان محقق است اما چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه. درصورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.

۸. م ۲۸۸:

۹. نتیجه مجرمانه: این جرم مطلق است.

۱۰. سه جرم محاربه، افساد فی الارض و بغی در صلاحیت دادگاه انقلاب با تعدد قاضی هستند.

بخش سوم- جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص:

۴۷. تعریف جنایت:

۱. جنایت یعنی هر نوع آسیب بر جسم.

۲. جنایت از حیث موضوع بر سه قسم است: بر نفس، بر عضو و بر منفعت

۳. جنایت از حیث عنصر معنوی بر سه قسم است: عمد، شبه عمد و خطای محض. (م ۲۸۹)

فصل اول- عنصر مادی جنایت:

۴۸. رفتار مجرمانه در جنایت:

۱. جنایت چه با مباشرت چه با تسبیب می تواند با فعل یا ترک فعل واقع شود.

۲. فعل در جنایت دو نوع است، مادی (اصابتی) یا غیر مادی (غیر اصابتی). فعل اصابتی دارای اثار عینی بر جسم است مثل چاقو زدن یا خفه کردن و ... اما فعل غیر اصابتی دارای آثار عینی نبوده و بر روح و روان مؤثر است. مثل فریاد زدن یا دادن خبر ناگهانی (م ۵۰۱)

۳. برای تحقق جنایت با ترک فعل جمع ۳ شرط لازم است: ۱. مرتکب قانوناً مسئول فعل باشد یا انجام فعل را خود بر عهده گرفته باشد. ۲. تارک فعل قادر به انجام فعل باشد. ۳. بین ترک فعل و نتیجه حاصله رابطه علیت وجود داشته باشد. (م ۲۹۵)

۴. چند مثال برای جنایت با ترک فعل:

۱) اگر مجروحی جهت درمان به بیمارستان مراجعه کند و واحد پذیرش او را نپذیرد و بر اثر خون ریزی ناشی از جرح فوت کند: جنایت منتسب به بیمارستان نیست و تنها جرم خودداری از کمک به مصدومین واقع شده است.

۲) در مثال بالا اگر بیمار جهت درمان پذیرفته می شد و پس از جراحی پرستار داروی لازم را تزریق نکند، جنایت با ترک فعل به وی مستند است.

۳) اگر الف دست ب را عمداً قطع کند و ب علی رغم امکان درمان، از درمان جرح خودداری کند و به سبب سرایت جراحت فود کند چه کسی ضامن است: م ۵۳۷ و ۲۹۶ (م ۲۹۳ و م ۵۴۰).

۴) م ۵۱۹ و تبصره آن و م ۵۲۲ و تبصره آن.

٤٩. نحوه مداخله در ارتکاب جنایت:

نحوه مداخله در ارتکاب جنایت به ۴ شکل است. الف) مباشرت ب) مشارکت پ) معاونت ت) تسبیب.

الف. مباشرت:

۱. مباشر کسی است که به طور مستقیم در ارتکاب جرم مداخله می کند. (م ۴۹۴)

ب. شرکت در جنایت:

۱. شرکت در جنایت آن است که دو نفر یا بیشتر آسیب و صدماتی بر شخصی وارد کنند به نحوی که جنایت مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جنایت کافی باشد خواه نباشد، خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، خواه در یک زمان باشد خواه در زمان های مختلف. لازم به ذکر است این مشارکت می تواند به نحو مباشرت باشد یا تسبیب.

۲. م ۳۶۸:

- شرکا از حیث عنصر معنوی مستقل هستند. م ۳۶۹:

- مجازات شرکا مجازات فاعل مستقل است. البته هر شریک به میزان سهم خود درجنایت ضامن است. م ۳۷۰، ۳۷۳ و تبصره و م ۳۷۴ و ۴۵۳ و ۵۳۳.

پ. معاونت در جنایت:

الف) معاونت در قتل عمدی:

در این حالت مجازات معاون قابل تعلیق و تعویق نیست. در این خصوص دو فرض کلی متصور است.

اول: قاتل قصاص شود: در این حالت، طبق بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا مجازات معاون حبس درجه دو یا سه خواهد بود.

دوم: قاتل به هر دلیلی قصاص نمی شود: در این فرض طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۷، مجازات معاون یک یا دو درجه پایین تر از مجازات تعزیر بدل از قصاص نفس جانی مقرر در حکم دادگاه خواهد بود. لذا تبصره ماده ۶۱۲ تعزیرات نسخ شده است.

ب) معاونت در قطع عضو عمدی:

در این حالت مجازات معاون قابل تعلیق و تعویق است. در این خصوص هم دو فرض متصور است:

اول: جانی قصاص می شود: در این حالت مجازات معاون طبق بند ب ماده ۱۲۷، حبس تعزیری درجه پنج یا شش خواهد بود.

دوم: جانی قصاص نمی شود: در این فرض با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۲۷ مجازات معاون یک یا دو درجه پایین تر از مجازات تعزیر بدل از قصاص عضو جانی، مقرر در حکم دادگاه خواهد بود.

گفتنی است معاونت در جنایت غیر عمدی نیز متصور نیست و معاونت در جنایت کمتر از قطع عضو متصور نیست.

ت. تسبیب:

تسبیب یعنی مداخله غیرمستقیم در ارتکاب جرم به‌نحوی که در صورت فقدان، جرم واقع نمی‌شود. (م ۵۰۶) مثل ریختن سم در غذای دیگری، بریدن سیم ترمز خودروی دیگری، کندن چاه در راه دیگری، م ۵۰۷، م ۵۱۲، م ۵۱۲.

ث. نحوه مداخله سبب:

الف) اجتماع سبب و مباشر: مادهٔ ۵۲۶:
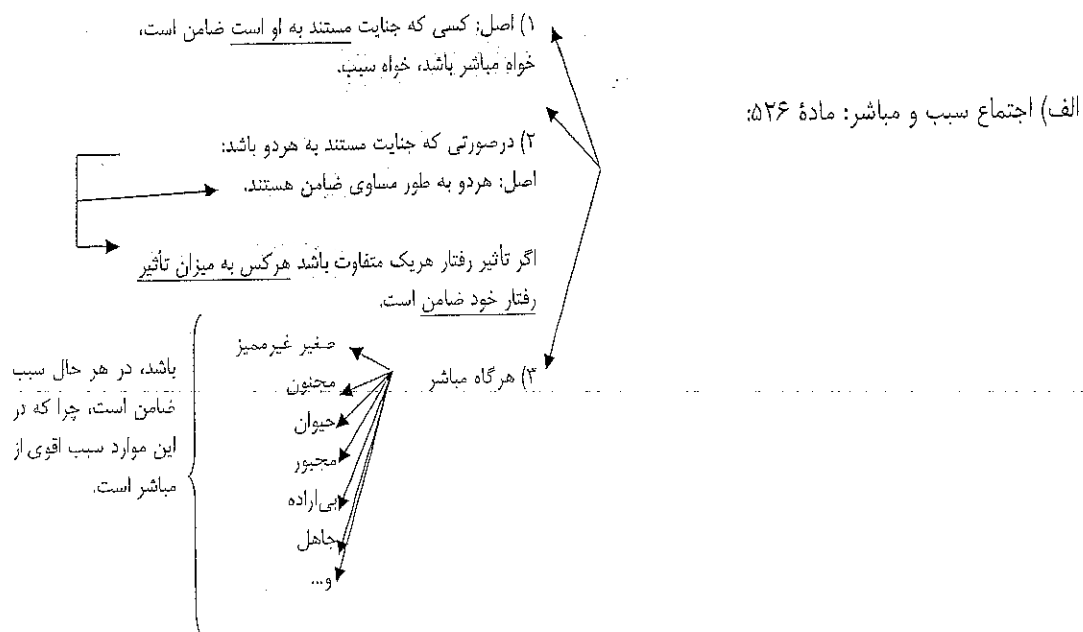
نکته: مثال های سبب اقوی از مباشر: م ۱۶۳، م ۴۸۶، م ۴۹۶ و تبصره های آن، م ۴۹۹ و ...

ب) اجتماع اسباب در عرض هم: تابع احکام شرکت است و به‌طور مساوی ضامن هستند. م ۵۳۳:

پ) اجتماع اسباب در طول هم: (مواد ۵۳۵-۵۳۶):

۱. اصل: اگر هردو سبب غیرمجاز (عدوانی) باشند: سبب .... ضامن است.

۲. اگر هردو سبب قصد جنایت داشته باشند: شرکت در جنایت: هردو .... ضامن هستند. (م ۵۳۵)

۳. اگر یک سبب مجاز و یک سبب غیرمجاز (عدوانی) باشد: سبب .... ضامن است؛ خواه مقدم در تأثیر باشد، خواه نباشد.

۴. اگر کسی پس از ایجاد سبب اول و با علم به وجود آن و با توجه به اینکه، ایجاد سبب دوم در کنار سبب اول، موجب جنایت می‌شود، سبب دوم را حادث کند: درهرحال، سبب دوم که .... است ضامن است، خواه مقدم در تأثیر باشد، خواه نباشد، خواه مجاز باشد، خواه غیرمجاز. (م ۵۳۶)

۵۰. شروع به جنایت:

۱. منظور از شروع به قتل عمدی آن است که کسی با قصد کشتن دیگری اعمالی را داخل در عنصر مادی قتل عمد انجام دهد ولی به علت مداخله عامل خارجی موفق به انجام جرم نگردد. شروع به قتل موجب .... است. (بند الف م ۱۲۲)

۲. اگر شروع به قتل عمدی همراه با صدمات جسمانی باشد، مقررات قصاص یا دیه نیز قابل اعمال است و این موضوع ازمصادیق تعدد معنوی نیست.

۳. شروع به قتل و جنایت غیر عمدی متصور نیست.

۴. از میان مصادیق ۴ گانه تحقق جنایت عمدی مذکوردر ماده ۲۹۰ که در آینده به آن اشاره خواهیم کرد تنها در جایی که قصد مستقیم جنایت وجود داشته باشد *(بند الف و ت ماده ۲۹۰)* شروع به جرم متصور است. لذا در مورد سایر مصادیق جنایت عمدی، تحقق شروع به جرم قابل تصور نیست.

۵. در خصوص قابل مجازات بودن شروع به جنایات مادون نفس نیز میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. به نظر شروع به جنایت عمدی مادون نفس قابل مجازات نیست.

۶. جرم سوء قصد موضوع مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ کتاب تعزیرات از جنس شروع به قتل است که به عنوان جرم خاص و مستقل پیش بینی شده اند.

۷. اگر شخصی قربانی را به قصد قتل مورد ضرب و جرح قرار دهد ولی در حین کار پشیمان شده و به میل خود آن را ادامه ندهد شروع به قتل عمد محقق نشده و مرتکب به مجازات ضرب و جرح عمدی محکوم می شود. (ماده ۱۲۴)

۸. طبق تبصره ماده ۱۲۲ ارتکاب جرم محال در حکم شروع به جرم است لذا اگر کسی با تفنگ خالی به تصور اینکه تفنگ پر است به دیگری شلیک کند به مجازات شروع به قتل عمد محکوم خواهد شد البته طبق تبصره مذکور ارتکاب جرم محال موضوعی در حکم شروع به جرم است نه محال حکمی لذا هرگاه در مواردی که وقوع جرم به جهات قانونی غیر ممکن باشد مثل تیراندازی به طرف جسد

به قصد قتل یا اقدام به سقط جنین زنی که حامله نیست یا رابطه جنسی با همسر به تصور اینکه بیگانه است یا نوشیدن آب به تصور اینکه شراب است و یا ربایش مال خود به تصور تعلق آن به غیر شروع به جرم محسوب نمی شود.

۵۱. موضوع جنایت:

۱. موضوع جنایت کمتر از قتل: اعضای بدن انسان (اعم از اعضای داخلی و خارجی)، حواس، اعصاب و منافع است. (م ۳۸۷)

۲. موضوع جنایت بر نفس: انسان زنده است. (اعم از پیر، جوان، سالم، بیمار و ...) البته جنایت بر میت نیز موجب دیه و بعضاً تعزیر است. (ماده ۷۲۲)

۳. موضوع جنایت نفس یا عضو و منفعت دیگری است.

۵۲. سقط جنین:

۱. جنایت بر جنین، خواه در او روح دمیده شده باشد یا خیر، از شمول قتل خارج است و موجب قصاص نیست.

۲. سقط جنین عمدی موجب پرداخت دیه جنبن حسب مراحل مختلف جنینی طبق ماده ۷۱۶ ق.م.ا و تعزیر مقرر در موارد ۶۲۲ تا ۶۲۴ کتاب تعزیرات می شود. (م ۳۰۶)

۳. م ۷۱۶ ق.م.ا:

۴. م ۶۲۲ تا ۶۲۴ تعزیرات:

۵. سقط جنین غیر عمدی اصولاً موجب تعزیر نیست و مرتکب تنها به پرداخت دیه حسب مراحل مختلف جنینی محکوم می شود. مگر در سقط جنین بر اثر تصادفات رانندگی که علاوه بر دیه موجب تعزیر مقرر در ماده ۷۱۵ تعزیرات نیز می شود.

۶. سقط جنین می تواند عمد، شبه عمد یا خطای محض باشد و مسئول پرداخت دیه خود مرتکب و در خطای محض عاقله است.

۷. اگر در زمان ضربه روح در جنین دمیده نشده، اما سقط پس از حلول روح باشد، مرتکب به پرداخت دیه کامل محکوم خواهد شد.

۸. سقط جنینی که روح در او دمیده شده در ماه حرام یا حرم مکه، موجب .... است. (م ۵۵۶)

۹. م ۷۱۷: ۱۰. م ۷۱۸ و تبصره: ۱۱. م ۷۱۹: ۱۲. م ۷۲۰ ۱۳. م ۷۲۱:

۱۴. در خصوص سقط درمانی توجه به ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مفید خواهد بود.

۱۵. در یک مورد جنایت بر جنین می تواند قتل محسوب شود و حتی موجب قصاص گردد. توضیح اینکه، اگر ضربه در دوران جنینی وارد شود و جنین زنده متولد شده و قابلیت ادامه حیات داشته و بر اثر همان ضربه فوت کند، این جنایت، .... محسوب شده و حسب عنصر معنوی می تواند عمد، شبه عمد یا خطای محض باشد. تبصره م ۳۰۶:

۵۳. نتیجه در جنایت:

۱. حداقل صدمه لازم برای ثبوت دیه: تغییر رنگ پوست (سیاه، سرخ یا کبود شدن) م ۷۱۴:

۲. حداقل صدمه برای ثبوت قصاص: ....(خراش روی پوست) می باشد. (م ۷۰۹)

۳. اگر رفتاری هیچ اثری بر جسم برجای نگذارد: م ۵۶۷:

۴. در قتل، نتیجه سلب حیات است. (توقف قطعی و غیر قابل بازگشت مغز)

۵. حیات به دو دسته حیات مستقر و غیر مستقر تقسیم می سو.

۶. حیات غیر مستقر= آخرین رمق حیات = در حکم مرده.

۷. پایان دادن حیات مستقر= .... - تبدیل حیات مستقر به حیات غیر مستقر=....................

۸. خاتمه دادن حیات غیر مستقر= .... (م ۳۷۲)

۹. شخص بیهوش و در کما نیز دارای حیات مستقر است مگر مرگ مغزی او مسلم شده باشد. (م ۶۸۱)

۱۰. مرده نیز دارای حرمت است. م ۷۲۲ تا ۷۲۴ ق.م.ا:

۱۱. فرقی بین دیه مرد و زن میت نیست.

۵۴. رابطه علیت در جنایت:

۱. برای تحقق جنایت احراز رابطه علیت بین رفتار و نتیجه حاصله شرط است.

۲. تحقق جنایت عمدی منوط به احراز رابطه علیت بین رفتار عمدی مرتکب و نتیجه حاصله است. (م ۴۹۲)

۳. تحقق جنایت غیر عمدی منوط به احراز رابطه علیت بین .... مرتکب و .... حاصله است. (م ۵۲۹)

۴. وجود فاصله زمانی بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله نافی رابطه علیت نیست. (م ۴۹۳)

۵. اگر صدمه یا فوت مستند به عمد یا تقصیر کسی نباشد، ضمان منتفی است و کسی ضامن نیست: م ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸ و تبصره ها، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۳ و تبصره، ۵۱۴ و تبصره ها، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷ و تبصره، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲ و تبصره ها، ۵۲۳ و تبصره، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸ (طبق رای وحدت رویه شماره ۷۱۷ هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسؤولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر ـ به هر میزان که باشد ـ به نحو تساوی خواهد بود) ، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴.

۶. طبق رای وحدت رویه شماره ۸۰۴: جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی، قابلیت استناد به رفتار «واردکننده صدمه اولیه» را ندارد تا مطابق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مستوجب پرداخت دیه یا ارش از جانب وی باشد. از طرفی با عنایت به مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مذکور چنانچه جراحات موصوف با رعایت مقررات پزشکی و موازین قانونی ایجاد شده باشد، معالجه کننده اعم از پزشک یا پرستار و مانند آن نیز مسئولیتی برای پرداخت دیه یا ارش در قبال آن ندارد.

۷. اگر صدمه یا فوت یا سرایت، مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد کسی ضامن نیست: م ۴۷۳ و تبصره، تبصره م ۴۸۵، تبصره ۱ م ۴۹۶، ۵۱۱، ۵۱۲، م ۵۳۷ و ۵۰۴ و تبصره های آن. از تبصره ۱ ماده ۵۰۴ در میابیم که صرف تقصیر موجب ضمان نیست و وجود و احراز رابطه علیت بین نتیجه حاصله و تقصیر لازم است.

۸. اگر بین رفتار مرتکب و نتیجه عامل مستقلی حادث شود که رابطه علیت را قطع کند و خود رابطه علیت جدید با نتیجه حاصل کند، جنایت مستند به عامل مستقل است. عامل مستقل می تواند عوامل قهری، انسان دیگر یا حتی خود مجنی علیه باشد. (م ۳۷۱)

فصل دوم- عنصر معنوی جنایت:

۵۵. عنصر معنوی جنایت:

- جنایت از حیث عنصر روانی سه نوع است: عمد، شبه عمد و خطای محض. (م ۲۸۹)

- در قانون جدید جنایت در حکم شبه عمد، در حکم خطای محض یا به منزله خطای محض وجود ندارد.

۵۶. جنایت عمدی (م ۲۹۰):

- مصادیق جنایت عمدی به‌طور حصری در ۴ بند م ۲۹۰ مشخص شده است.

- برای تحقق جنایت عمدی باید قصد رفتار نسبت به .... یا شخص غیرمعین از یک جمع معین وجود داشته باشد. ارادهٔ ارتکاب نیز شرط است، چرا که رفتار غیرارادی موجب ضمان نیست (م ۵۰۲)

- اگر مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص معین نداشته باشد جنایت اصولاً خطای محض است مگر اینکه متوجه باشد که این رفتار نوعاً موجب جنایت بر دیگری است که در اینصورت .... و موجب قصاص است. (بند پ م ۲۹۲ و تبصره آن)

- اشتباه در هدف و تیراندازی موجب تحقق جنایت .... می‌شود.

- اشتباه در هویت، اصولاً موجب غیرعمدی شدن جنایت نمی‌شود و جنایت اصولاً .... محسوب می‌شود، مگر اینکه شخص مورد اصابت یا شخص مورد نظر مهدورالدم باشند. ← شرط عمدی بودن این است که هردو مهدورالدم نباشند (م ۲۹۴)

اگر شخصی که قصد کشتن او وجود داشته مهدور الدم نباشد اما شخصی که به اشتباه در هویت کشته شده است مهدور الدم باشد، چنین جنایتی موجب قصاص و دیه نیست و مرتکب تنها به تعزیر بدل از قصاص محکوم می شود.

در طرف مقابل، اگر شخصی که قصد کشتن او وجود داشته، مهدور الدم باشد و مرتکب با این علم و به تصور مهدور الدم بودن وی را بکشد اما به اشتباه در هویت جنایت بر کسی وارد شود که مهدور الدم نیست، چنین جنایتی شبه عمد محوسب شده و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر بدل از قصاص نیز محکوم می شود.

- در جنایت عمدی، علم به وجود انسان زنده شرط است؛ اگر مرتکب به تصور اینکه موضوع رفتار وی شیء، حیوان یا انسان مرده است، درحالی که انسان زنده بوده و همان رفتار موجب، جنایت شود، این جنایت طبق بند ب م ۲۹۱، جنایت .... است.

- برای تحقق جنایت عمدی قصد جنایت شرط است که البته این قصد نتیجه می‌تواند، مستقیم یا تبعی باشد.

- قصد مستقیم نتیجه (بند الف م ۲۹۰): مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص معین یا شخص غیرمعین از یک جمع معین دارد + علم به وجود انسان زنده دارد + قصد جنایت دارد + همان جنایت یا نظیر آن واقع می شود ← لازم نیست رفتار نوعاً کشنده باشد. در این مصداق از جنایت عمدی، تحقق شروع به قتل عمدی متصور است.

- قصد تبعی مطلق (بند ب م ۲۹۰): مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص معین یا نامعین از یک جمع معین دارد + علم به وجود اسنان زنده دارد + قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را ندارد + رفتار او برای هر انسان متعارف نوعاً موجب همان جنایت یا نظیر آن می شود.

نکته: معیار نوعاً کشنده بودن رفتار یا آلت قتاله است یا موضع اصابت.

نکته: مرتکب باید بداند که رفتار او نوعاً برای هر انسان متعارفی کشنده است اما اصولاً، علم .... است و نیازی به اثبات ندارد و مرتکب باید جهل خود را ثابت کند که اگر ثابت نکند، جنایت عمدی و موجب قصاص است و اگر جهل را ثابت کند، جنایت شبه‌عمد و موجب دیه است.

مگر اینکه علت نوعاً کشنده بودن رفتار، حساسیت زیاد موضعی باشد که غالباً شناخته شده نیست، که در اینصورت، اصل بر .... است و علم باید ثابت شود که اگر ثابت شود، جنایت عمد و موجب قصاص است والا جنایت .... و موجب دیه است. (تبصره ۱ م ۲۹۰)

– قصد تبعی نسبی (بند پ م ۲۹۰): مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص معین یا نامعین از یک جمع معین دارد + علم به وجود انسان زنده دارد + قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را ندارد + رفتار وی نوعاً برای هر انسان متعارف موجب جنایت نمی‌شود + رفتار مرتکب برای بزهدیده و با توجه به خصوصیات و وضعیت او همچون پیری، بیماری یا وضعیت زمانی و مکانی، نوعاً همان جنایت یا نظیر آن است.

نکته: مرتکب باید علم به وضعیت بزهدیده و علم به نوعاً کشنده بودن رفتار برای آن وضعیت داشته باشد و این علم مفروض نیست و باید ثابت شود، اگر علم ثابت شود، جنایت عمد و موجب قصاص است والا جنایت شبه‌عمد و موجب دیه است. (تبصره ۲ م ۲۹۰)

– قصد جنایت به‌طور کلی (بند ت م ۲۹۰): مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص یا جمع معین ندارد + قصد جنایت یا نظیر آن را به طور کلی دارد.

۵۸. جنایت شبه عمد: (م۲۹۱):

۱. (بند الف م ۲۹۱): قصد رفتار نسبت به شخص معین دارد + علم به وجود انسان زنده دارد + قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را ندارد + رفتار او نیز نوعاً کشنده نمی‌باشد. (مشمول تعریف جنایت عمدی نمی‌شود). (عمد در رفتار دارد + قصد نتیجه ندارد)

مثل: ۵۰۳، ۳۷۹، ۲۹۶، ۲۹۳.

- قصاص ندارد
- تعزیر ندارد
- پرداخت دیه: خود مرتکب

نکته: اگر توام با تقصیر باشد: موجب تعزیر مقرر در ماده ۶۱۶ تعزیرات است.

۲. بند ب م ۲۹۱: مرتکب قصد رفتار و عمد در رفتار دارد + علم به موضوع ندارد:

- (جنایت به موجب جهل به موضوع)
- قصاص ندارد.
- تعزیر ندارد.
- پرداخت دیه: خود مرتکب

۳. بند ب م ۲۹۱: مرتکب قصد رفتار نسبت به شخص معین دارد + علم به موضوع دارد + قصد جنایت یا نظیر آن دارد + به اشتباه تصور می‌کرده که حق کشتن دارد.

- جنایت به اعتقاد مهدورالدم بودن
- قصاص ندارد.

پرداخت دیه: خودمرتکب + تعزیر بدل از قصاص نفس یا عضو (م ۳۰۲)

* در جنایت به اعتقاد مهدورالدم بودن، مرتکب باید ا[illegible] ۱۸

[illegible]

مجنی علیه مهدورالدم نباشد. قتل عمد و موجب قصاص

۵۹. جنایت خطای محض: (م ۲۹۲)

قصد رفتار ندارد + قصد نتیجه ندارد.

۱. جنایت صغیر یا مجنون ← قصاص ندارد، تعزیر ندارد – اقدامات تأمینی دارد – پرداخت دیه: اصولاً عاقله، مگر کمتر از موضحه

۲. جنایت در حال خواب و بی‌هوشی
- اصولاً خطای محض است: قصاص ندارد – تعزیر ندارد – پرداخت دیه: اصولاً عاقله مگر کمتر از موضحه
- اگر بداند که در خواب نوعاً مرتکب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود و عمداً بخوابد؛ جنایت عمد و موجب قصاص

۳. اشتباه در هدف یا تیراندازی؛ نه قصد رفتار نسبت به مجنی‌علیه دارد و نه قصد نتیجه، تقصیر هم ندارد ← خطای محض: قصاص ندارد – تعزیر ندارد – پرداخت دیه: اصولاً عاقله

اگر بداند که رفتار او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌شود ← عمد و موجب قصاص

* در جنایت خطای محض مرتکب ارادهٔ ارتکاب دارد.

جنایت شبه عمد: ارادهٔ ارتکاب دارد + قصد رفتار نسبت به مجنی‌علیه دارد + قصد نتیجه ندارد.

جنایت خطای محض: ارادهٔ ارتکاب دارد + قصد رفتار نسبت به مجنی‌علیه ندارد + قصد نتیجه ندارد.

فصل سوم- مجازات جنایت:

مبحث اول- قصاص:

۶۰. تعریف قصاص: م ۱۶، ۳۸۱، ۳۸۶

۶۱. شرایط عمومی ثبوت قصاص:

۱- بالغ بودن مرتکب ۲- عاقل بودن مرتکب ۳- عاقل بودن مجنی علیه (تساوی در عقل)

۴- تساوی در دین ۵- فقدان رابطه پدری و فرزندی ۶- مهدور الدم نبودن مجنی علیه (محقون الدم بودن) (م۳۱۰)

۱- بالغ بودن جانی: جنایت صغیر خطای محض است-------------
- قصاص ندارد.
- تعزیر ندارد.
- پرداخت دیه: اصولاً عاقله مگر کمتر از موضحه
- اقدامات تامینی: تبصره۲م۸۸.

* اگر بالغ یک صغیر را عمداً به قتل برساند قصاص می شود. (م ۳۰۴)

* در فرض تردید در صغیر یا بالغ بودن حین ارتکاب: اصل بر .... است. (م ۳۰۸)

۲- عاقل بودن مرتکب: جنایت مجنون- خطای محض است------
- قصاص ندارد.
- تعزیر ندارد.
- پرداخت دیه: اصولاً عاقله مگر کمتر از موضحه
- اقدامات تامینی: (م ۱۵۰)

* در صورت تردید در عاقل یا مجنون بودن مرتکب در زمان وقوع جرم، اصل بر استصحاب است:

اگر مرتکب قبل از جنایت مجنون بود، اولیا باید خلاف آن را ثابت کنند و اگر قبل از جنایت عاقل بود، مرتکب باید جنون خود را ثابت کند والا با سوگند صاحب حق قصاص می شود. (م ۳۰۸)

۳- عاقل بودن مجنی علیه (تساوی در عقل):

اگر عاقل، مجنون را به قتل برساند: قصاص ندارد. دیه+ تعزیر بدل از قصاص (م ۳۰۵)

* ملاک جنون در زمان تحقق جنایت است.

* تردید در مجنون یا عاقل بودن مجنی علیه در زمان وقوع: اصل بر استصحاب است. (م۳۱۱)

قاتل	مقتول	
صغیر	بالغ:	....
بالغ	صغیر:	....
عاقل	مجنون:	....
مجنون	عاقل:	....

٤- تساوی در دین:

قاتل	مقتول	
مسلمان	مسلمان:	....
مسلمان	کافر:	....
کافر	مسلمان:	....

نکته: انواع کافر: ذمی، مستأمن، معاهد، در حکم مستأمن (تبصره ۱ ماده ۳۱۰) و کافر حربی.

قاتل	مقتول	
۴ نوع کافر	۴ نوع کافر	....
حربی	حربی	....
حربی	۴ نوع	....
۴ نوع	حربی	.... (م۳۱۰) (تبصره ۱ م ۳۰۱)

* اگر کافر بر کافر دیگر جنایت کند و جانی قبل از قصاص مسلمان شود: قصاص ندارد. دیه+ تعزیر بدل از قصاص (تبصره ۲ م ۳۱۰)

* اگر جانی مسلمان و در دین مجنی علیه تردید وجود داشته باشد، اصل بر استصحاب است. یعنی اگر پیش از جنایت مجنی علیه کافر باشد اولیا دم او باید خلاف آن را ثابت کنند و اگر وی قبل از جنایت مسلمان باشد، مرتکب باید خلاف آن را ثابت کند و الا با سوگند صاحب حق قصاص می شود. (م۳۱۱)

* اگر مسلمان، به کشتن کفار عادت کند، از باب افساد فی الارض اعدام می شود.

* قتل شخص متولد از زنا: م ۵۵۲

۵- فقدان رابطه پدری و فرزندی:

* پدر و جد پدری به قتل فرزند یا نوه، اعم از دختر یا پسر، مشروع یا نامشروع قصاص نمی شود: دیه و تعزیر بدل از قصاص.

* این حکم مختص پدر و جد پدری است، مادر و ناپدری به قتل فرزند و فرزند به قتل والدین، قصاص می شود.

* اگر پدر کافر و فرزند مسلمان باشد، پدر به قتل فرزند همچنان قصاص نمی شود.

* اگر زوج، زوجه را به قتل برساند، فرزند مشترک می تواند پدر خود را قصاص کند. (بر خلاف حد قذف در تبصره م ۲۶۰)

* در تردید در پدر بودن: اصل بر عدم است: م ۳۰۹

٦- مهدور الدم نبودن یا محقون الدم بودن مجنی علیه:

* مهدور الدم: کسی است که جنایت بر او، قصاص و دیه ندارد؛ حتی اگر جانی نسبت به مهدور الدم بودن او جاهل باشد.

* مهدور الدم دو نوع است. ۱) مهدور الدم مطلق (برای همه هدر است) ۲) مهدور الدم نسبی(برای برخی هدر است)

*مهدور الدم مطلق: (م ۳۰۲)

الف) مرتکب حد موجب سلب حیات.

ب) مرتکب حد موجب قطع عضو به میزان عضو متعلق قطع شدن. (مازاد بر آن محقون الدم است و حق قصاص و دیه پا برجا است.)

پ) مهاجم در برابر مدافع با رعایت شرایط دفاع. (اگر اصل دفاع ثابت باشد اما از شرایط دفاع تجاوز شود، قصاص ندارد و فقط موجب دیه و تعزیر بدل از قصاص است.) تبصره ۲ م ۳۰۲

* مهدور الدم نسبی: (م ۳۰۲)

الف) قاتل عمد در برابر اولیا دم مقتول.

ب) جانی عمدی بر عضو به میزان عضو متعلق قصاص عضو در برابر مجنی علیه یا اولیا او. (مازاد بر آن، محقون الدم است و حق قصاص و دیه پا برجا است.)

پ) قتل در فراش در برابر زوج. (کشتن زن منوط به علم به مکره و مضطر نبودن او است.) (م ۶۳۰ ت)

- در بندهای الف و ب هر دو مصداق مهدور الدم، اگر مرتکب بدون اجازه دادگاه مرتکب جنایت شود، قصاص و دیه ندارد اما موجب تعزیر بدل از قصاص است. (تبصره ۱ م ۳۰۲) در بند پ نیازی به اجازه دادگاه نیست.

* اصل بر مهدور الدم نبودن است و مهدور الدم بودن باید در دادگاه ثابت شود.

* اگرجانی مدعی مهدور الدم بودن مجنی علیه است باید این ادعای خود را در دادگاه ثابت کند. اگر جانی ثابت کند که مجنی علیه مهدور الدم بوده است به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی شود.

* اگر جانی مدعی است که به اعتقاد مهدور الدم بودن مجنی علیه مرتکب جنایت شده است این اعتقاد را باید در دادگاه ثابت کند. اگر مهدور الدم بودن مجنی علیه ثابت نشود اما جانی اعتقاد خود را به این امر ثابت کند، جنایت شبه عمد است (بند ب م ۲۹۱) و علاوه بر پرداخت دیه موجب تعزیر بدل از قصاص است. (م ۳۰۳)

* اگر جانی نتواند مهدور الدم بودن مجنی علیه و یا اعتقاد خود به این امر را ثابت کند، جنایت عمد و موجب قصاص است.

* برای اینکه جنایت موجب قصاص یا دیه شود، مجنی علیه باید هم در زمان رفتار و هم در زمان نتیجه مهدور الدم نباشد.

۶۲. شرایط مختص قصاص عضو:

- م ۳۹۳:

۱) تساوی در محل: یعنی محل عضو مورد قصاص با مورد جنایت یکی باشد. اگر همانند وجود نداشت اصولاً قصاص منتفی است و تبدیل به دیه و تعزیر بدل از قصاص عضو می شود. تنها استثناء، دست راست است. تبصره م ۳۹۳ و م ۳۹۱:

۲) تساوی با مقدار جنایت: م ۳۹۴: م ۴۰۰: م ۴۴۰: م ۴۴۱: م ۴۴۲: م ۴۴۶:

۳) عدم تلف جانی یا عضو دیگر وی: م ۴۰۱: م ۴۳۹: م ۴۸۵ و تبصره آن:

۴) تساوی در سالم بودن: یعنی قصاص عضو سالم جانی در مقابل عضو ناسالم مجنی علیه ممکن نیست. این موضوع از قواعد آمره است. یعنی حتی با رضایت جانی نمی توان عضو سالم او را در برابر عضو ناسالم مجنی علیه قصاص کرد و تبدیل به دیه و تعزیر بدل از قصاص عضو می شود. اما اگر عضو جانی ناسالم و عضو مجنی علیه سالم باشد مجنی علیه باید قصاص کند و یا با رضایت جانی دیه دریافت کند (م ۳۹۵) لذا مجنی علیه نمی تواند هم عضو ناسالم جانی را قصاص کند و هم به ازای ما به تفاوت آن ارش دریافت کند.

. تبصره م ۳۹۵: م ۳۹۶:

۵) تساوی در اصلی بودن: قصاص عضو اصلی جانی در برابر عضو زائد مجنی علیه ممکن نیست و به پرداخت ارش و تعزیر تبدیل می شود. م ۳۹۹:

۶) تساوی در کامل بودن: یعنی قصاص عضو کامل جانی در مقابل عضو ناقص مجنی علیه ممکن نیست و تبدیل می شود به دیه و تعزیر بدل از قصاص عضو. م ۳۹۷ و تبصره:

- عضو بهتر جانی در برابر عضو بدتر قصاص نمی شود در حالی که عضو بدتر جانی در مقابل عضو بهتر قصاص می شود. م ۳۹۸:

- در خصوص شرایط خاص قصاص عضو بعضی از اعضا باید به مواد ۴۰۲ تا ۴۱۶ توجه کرد.

- در خصوص شرایط قصاص چشم به ماده ۴۰۳، ۵۸۸ و ۶۸۳ توجه کنید.

٦٣. شرایط اجرای قصاص:

۱) تقاضای مجنی علیه یا اولیای دم ۲) اذن ولی امر ۳) اذن مجنی علیه یا اولیا دم ۴) پرداخت فاضل دیه در موارد مقرر ۵) عدم آزار رسانی به جانی

۱) تقاضای مجنی علیه یا اولیای دم:

- تعریف اولیا دم: م ۳۵۱:

- تعدد اولیا دم: م ۳۵۰ و ۴۲۲:

- حق قصاص به ارث می رسد. م ۳۴۸ و ۳۵۳:

-جنین در صورتی ولی دم محسوب می‌شود که زنده متولد شود. ۳۵۵:

- همسر مقتول اگر چه ولی دم نیست اما حق شکایت دارد. همچنین در صورت مطالبه دیه توسط اولیای‌دم، او نیز به میزان سهم الارث خود از دیه دریافتی سهیم می شود. ماده ۳۵۲:

- افرادی که اولیای دم محسوب نمی شوند عبارتند از:

۱. همسر مقتول ۲. ماده ۳۵۷:

- اگر ولی دم تکلیف جانی را از حیث قصاص، عفو یا دیه مشخص نکند: ماده ۴۲۹: (در خصوص این ماده توجه به ماده ۵۴۱ ق.ا.د.ک نیز مفید است.

- اگر اولیا دم متعدد باشند هر یک از آنها جداگانه حق مطالبه قصاص، دیه و عفو دارند: م ۳۵۰، م ۴۲۲: م ۴۲۳: م ۴۲۷: م ۴۲۸:

- اگر ولی دم یا برخی اولیا دم صغیر یا مجنون باشد:

الف)اگر ولی قهری داشته باشد: صدر م ۳۵۴: البته در همین فرض توجه به ماده ۳۵۸ لازم است.

ب)اگر ولی نداشته باشد: م ۳۵۶:

نکته: اگر برخی از اولیا دم صغیر یا مجنون و برخی دیگر عاقل و بالغ باشند: ذیل م ۳۵۴:

- اگر اولیا دم یا برخی از اولیا دم غایب باشند: م ۴۲۴

- اگر مقتول فاقد اولیا دم باشد: م ۳۵۶

۲) اذن ولی امر:

- م ۴۱۷:

- م ۴۱۸:

- م ۴۲۰:

۳) اذن مجنی علیه یا اولیای دم:

- م ۴۱۹:

- م ۴۲۱:

- قصاص جانی توسط اولیا دم پیش از فوت مجنی علیه: م ۳۴۹:

٤) پرداخت تفاضل دیه در موارد مقرر:

- م ۴۲۶:

- م ۳۸۲:

- در صدمات کمتر از قتل: م ۳۸۸:

- م ۴۲۸:

- اگر زنی مردی را به قتل برساند: م ۴۲۵ و ۳۷۴:

- محاسبه طلب مقتول در فاضل دیه: م ۴۳۰: م ۴۳۱:

۵) عدم آزار رسانی به مجرم:

م ۴۳۶: (مراد از تعزیر، تعزیر مقرر در م ۷۲۷ ق.م.ا است.) م ۴۳۸:

بیهوش یا مداوا کردن جانی در قصاص عضو: م ۴۴۴: م ۴۴۵:

٦٤. موانع اجرای قصاص:

۱) باردار بودن جانی: م ۴۳۷: م ۴۴۳:

۲) فرار جانی:

- فرار یا فوت جانی در جنایت عمدی: (م ۴۳۵)

فرار یا فوت جانی درجنایت عمد موجب تبدیل قصاص به دیه می شود. البته در فرض فرار اگر اولیای دم گذشت نکرده باشند در صورت دستیابی به مرتکب با استرداد دیه حق قصاص پا برجا است.

با تبدیل قصاص به دیه در قتل عمد، دیه از اموال مرتکب و اگر مالی نداشت از اموال عاقله و اگر عاقله نداشت یا عاقله تمکن مالی نداشت از بیت المال وصول می شود. اما در جنایت عمدی بر عضو، دیه از اموال مرتکب و اگر نداشت از بیت المال وصول می شود.

- فرار یا فوت جانی در جنایت شبه عمد: (م ۴۷۴)

دیه از اموال مرتکب و اگر مالی نداشت از بیت المال وصول می شود.

- فرار یا فوت جانی در جنایت خطای محض:

اگر در جنایت خطای محض عاقله ضامن دیه باشد، در فرض فرار یا فوت جانی دیه از اموال عاقله و اگر عاقله نداشت یا عاقله تمکن مالی نداشت از اموال مرتکب و اگر مرتکب مالی نداشت از بیت المال وصول می شود. (م ۴۷۰)

اما اگر در جنایت خطای محض خود مرتکب ضامن دیه باشد، در فرض فرار یا فوت جانی، دیه از اموال مرتکب، اگر مالی نداشت از بیت المال وصول می شود. (م ۴۷۵)

- فراری دادن مرتکب جنایت عمدی: م ۴۳۴:

م ۴۳۴ در خصوص مباشرت در فراری دادن مرتکب جنایت عمدی توسط هر کس می باشد. بند ب م ۵۴۹ کتاب تعزیرات در خصوص مباشرت یا معاونت در فراری دادن محکوم یا متهم به قتل توسط مأموارن حفظ یا مراقبت یا ملازمت است. بند ب م ۵۵۱ کتاب تعزیرات در خصوص معاونت در فراری دادن محکوم به جنایت عمدی از سوی هر کس غیر از ماموران فوق الذکر است.

۶۵. موارد سقوط قصاص:

۱) از بین رفتن محل قصاص ۲) بخشیده شدن جانی ۳) وجود شبهه

۱) از بین رفتن محل قصاص:

- در جنایت عمدی، فوت جانی موجب تبدیل قصاص نفس یا عضو به دیه می‌شود. (م ۴۳۵)
- م ۴۷۶:
- در قصاص عضو علاوه بر فوت، از بین رفتن محل قصاص نیز باعث سقوط قصاص است.
- م ۳۹۱ ، ۳۹۲، ۳۸۳، ۳۸۴

۲- بخشیده شدن جانی: م ۳۴۷: م ۳۵۹: م ۳۶۰ :

- گذشت مشروط به مصالحه: م ۳۶۱: م ۳۶۲: م ۳۶۳: م ۳۶۴: م ۴۳۲ و ۴۲۳:
- بخشیده شدن بعد از وقوع جنایت و قبل از فوت: م ۳۰۰: م ۳۶۵:

۳- وجود شبهه: م ۳۶۶ و تبصره: م ۳۶۷ و تبصره

مبحث دوم- دیه:

۶۶. تعریف دیه و ارش: م ۱۷، ۴۴۸، ۴۴۹ و ۵۴۸

۶۷. موارد پرداخت دیه: م ۴۵۰ و ۵۵۸

۶۸. دیه جنایت بر نفس به چه کسی پرداخت می شود: تبصره م ۴۵۲، تبصره م ۷۲۲.

۶۹. مقادیر دیه نفس: م ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱ و تبصره.

نکته: حکم تبصره ماده ۵۵۱ شامل دیه جنایت بر اعضا نیز می شود و این حکم عطف به ماسبق نشده و ناظر بر جنایاتی است که بعد از لازم الاجرا شدن این قانون واقع شده اند. (رای وحدت رویه شماره ۷۶۶ و شماره ۷۷۷)

۷۰. دیه کافر: م ۵۵۴

۷۱. دیه زنازاده: م ۵۵۲، ۵۵۳

۷۲. قواعد عمومی دیه اعضا: مواد ۵۵۸ تا ۵۶۶، م ۵۶۸، م ۵۶۹، م ۵۷۵، م ۶۴۱، م ۷۰۹ و تبصره ها، م ۷۱۱، م ۷۱۳ تا ۷۱۵.

نکته: شکستگی استخوان بینی اگر بدون ایجاد عیب و نقص اصلاح و جبران شود موجب یک دهم دیه کامل خواهد بود (و اگر با عیب و نقص اصلاح شود موجب ارش) (رای وحدت رویه شماره ۷۶۱) – م ۵۹۳ و ۶۹۳ و تبصره آن.

نکته: از بین بردن طحال موجب ارش است. (رای وحدت رویه شماره ۷۴۰)

نکته: دیه شکستگی استخوان که بدون عیب درمان شود چهارپنجم از خمس دیه آن عضو است

نکته: دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستگی التیام یافته بدون عیب همان عضو است.

نکته: دیه ترک برداشتن استخوان ساعد دست، چهارپنجم از چهارپنجم از خمس نصف دیه کامل است. (رای وحدت رویه شماره ۷۸۲)

نکته: دیه چشم: م ۵۸۷ تا ۵۹۱ و مواد ۶۸۹ تا ۶۹۲

نکته: دیه شنوایی: م ۶۸۲ و ۶۸۳

نکته: م ۶۷۵ و تبصره، ۶۹۵، ۶۹۷ و ۶۹۸

۷۳. تغلیظ دیه:

با حصول شرایطی، در جنایت بر نفس، مرتکب علاوه بر دیه جنایت وارده باید یک سوم دیه کامل به عنوان تغلیظ دیه به اولیا دم مجنی علیه پرداخت کند. (م ۵۵۵ تا ۵۵۷ و م ۳۸۵)

۱. تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس، چه عمد و چه غیر عمد است و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست. (م ۵۵۷)

۲. در حکم تغلیظ دیه فرقی بین مقتول بالغ و غیر بالغ، زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان نیست.

۳. سقط جنین بعد از پیدایش روح مشمول حکم تغلیظ است.

۴. در مواردی که عاقله یا بیت المال پرداخت کننده دیه باشد نیز، حکم تغلیظ دیه جاری است.

۵. در قتل عمدی، هرگاه قصاص ممکن نباشد و قصاص تبدیل به دیه شود، حکم تغلیظ دیه جاری است. (م ۵۵۵ و تبصره و م ۵۵۶)

۶. اگرمردی، زنی را در ماه حرام بکشد و اولیای دم خواهان قصاص باشند، فاضل دیه تغلیظ نمی شود. همچنین اگر برخی از اولیای دم بخواهند او را قصاص کنند و برخی دیگر خواهان دیه باشند، سهمی که خواهان قصاص به خواهان دیه باید بپردازد تغلیظ نمی شود.

۷. اگر شرکت در قتل عمدی در ماه حرام یا حرم مکه باشد، و ولی دم بخواهد برخی از شرکا را قصاص کند سهمی که شرکایی که قصاص نمی شوند به شرکایی که قصاص می شوند پرداخت می کنند تغلیظ می شود. (م ۳۸۵)

۸. اگر شخصی در ماه حرام در حرم مکه کسی را بکشد، دیه فقط یک سوم تغلیظ می شود و نه دو سوم.

۹. هم رفتار مرتکب و هم فوت باید هر دو در ماه حرام (ذی القعده، ذی الحجه، محرم یا رجب) یا حرم مکه باشد تا دیه تغلیظ شود پس اگر رفتار در ماه غیر حرام و نتیجه در ماه حرام محقق شد، تغلیظ محقق نمی شود. از طرف دیگر مثلاً اگر رفتار در ماه محرم واقع شد و نتیجه در ماه رجب، تغلیظ محقق است.

۷۴. مسئول پرداخت دیه:

- م ۴۶۲:
- م ۴۶۳ و تبصره:
- اختلاف بین عاقله و جانی: م ۴۶۴ و تبصره آن:
- م ۴۷۹ و م ۴۸۲:
- م ۴۸۶:
- م ۴۸۳:
- مسئول پرداخت دیه در فرض فوت یا فرار جانی: م ۴۳۵ م ۴۷۴ م ۴۷۵
- موارد پرداخت دیه از بیت المال: تبصره ۳ م ۱۵۶ م ۳۳۳ م ۳۳۴ م ۴۲۸ م ۴۳۵ م ۴۷۰ م ۴۷۳ و تبصره م ۴۷۴ م ۴۷۵ م ۴۸۴ تا ۴۸۷

نکته: مواد ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۸۷ در خصوص ضمان بیت المال، شامل جنایت بر عضو نیز می شود. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۰)

- عاقله و شرایط مسئولیت عاقله: م ۴۶۸: م ۴۶۹: م ۴۷۰:
- موارد عدم مسئولیت عاقله: م ۴۶۳: م ۴۶۵: م ۴۶۶: م۴۶۷ و تبصره آن: م ۴۷۰: م ۴۷۱: م ۷۲۶:
- م ۴۷۲:
- عاقله ضامن پرداخت ارش نیست.
- مرتکب جزء عاقله محسوب نشده و سهمی در پرداخت دیه ندارد، همچنین عاقله پس از پرداخت دیه حق رجوع به مرتکب را ندارند.
- طبق تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا اشخاص حقوقی نیز به شرط وجود رابطه علیت ممکن است به پرداخت دیه محکوم شوند.

۷۵. مهلت پرداخت دیه:

- مواد ۴۸۸ تا ۴۹۱ م ۷۲۵:

مبحث سوم- تعزیر:

۷۶. تعزیر در جنایت:

- تعزیر در جنایت عمدی: م ۴۴۷ ق.م.ا

۱. جنایت عمدی بر نفس: م ۶۱۲ تعزیرات

۲. جنایت عمدی بر عضو: م ۶۱۴ تعزیرات و تبصره

۳. جنایت عمدی بر میت: م ۷۲۷ ق.م.ا

۴. رفتار عمدی که آسیب برجای نگذارد: م ۵۶۷ ق.م.ا

۵. سقط جنین عمدی: م ۶۲۲ تا ۶۲۴ تعزیرات

۶. تعزیر مقرر برای نزاع دسته جمعی: م ۶۱۵ تعزیرات و تبصره آن

۷. مجازات تعزیر بدل از قصاص می تواند مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات شود.

- تعزیر در جنایت غیر عمدی:

۱. جنایت خطای محض هرگز موجب تعزیر نیست.

۲. جنایت شبه عمد اصولاً موجب تعزیر نمی شود. مگر برخی مصادیق:

الف. جنایت به اعتقاد مهدور الدم بودن (م ۳۰۳): دیه و تعزیر بدل از قصاص.

ب. جنایت در مستی که به طور کلی مسلوب الاراده شده باشد (م ۳۰۷): دیه و تعزیر بدل از قصاص.

پ. جنایت شبه عمد توام با تقصیر (بند پ م ۲۹۱): دیه و تعزیر م ۶۱۶ تعزیرات یا تعزیر تصادفات رانندگی (مواد ۷۱۴ تا ۷۱۹ تعزیرات).

ت. تجاوز از شرایط دفاع مشروع (تبصره ۲ ماده ۳۰۲): دیه و تعزیر بدل از قصاص.

نکته: قسامه برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است در نتیجه تعیین مجازات تعزیری برای جنبه عمومی جرم، بر اساس قسامه، فاقد وجاهت قانونی است. در واقع تعزیر بدل از قصاص با قسامه ثابت نمی شود. (رای وحدت رویه شماره ۸۱۵)

نکته: یکی از آثار تبعی جنایت بر مورث توسط وارث محرومیت از ارث است. در این خصوص توجه به ماده ۴۵۱ لازم است.

بخش چهارم- جرایم علیه اموال

۷۷. کلاهبرداری:

تعریف: تحصیل یا بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه.

مبحث اول- رفتار مجرمانه:

۱. رفتار مجرمانه: توسل به حیله و تقلب (توسل به وسیله متقلبانه یا مانور متقلبانه)

۲. ملاک متقلبانه بودن وسیله، معیار .... است. (نوع متعارف مردم فریب بخورند.)

۳. توسل به تقلب همواره در قالب .... صورت می گیرد؛ لذا ترک فعل و سکوت کلاهبرداری نیست.

۴. توسل به تقلب فراتر از دروغ گویی است و صرف دروغ کافی نیست خواه کتبی یا شفاهی باشد مگر اینکه به همراه جعل باشد.

۵. دروغ گویی در قالب جعل اسم، سمت و عنوان یا همراه با مانورهای متقلبانه دیگر مثل تأیید ثالث، موجب کلاهبرداری خواهد بود.

۶. توسل به تقلب باید مقدم بر تحصیل مال باشد. در سرقت سارق به سمت مالباخته می‌رود. در کلاهبرداری به جهت اغفال مالباخته او سمت مجرم می آید و در خیانت در امانت نیز ابتدا مال به امانت داده می شود و بعد مجرم با تقلب مال را به او مسترد نمی کند.

مبحث دوم- وسیله ارتکاب:

۱. استفاده از وسیله متقلبانه شرط تحقق جرم کلاهبرداری است. (مثل استفاده از سلاح در محاربه)، وسیله موضوعیت دارد.

۲. وسیله متقلبانه می تواند شکلی یا ماهوی باشد:

وسیله متقلبانه شکلی: وسیله‌ای است که در شکل و ظاهر غیر واقعی و باطل باشد. مانند: سند جعلی، اسکناس جعلی.

وسیله متقلبانه ماهوی: وسیله‌ای است که از نظر شکل مطابق با واقع بوده اما به لحاظ ماهیت، تقلبی است. (اسناد خالی از وجه یا خالی از اعتبار) مثل استفاده از شناسنامه مرده یا ارائه حکم مدیریت شرکت برای اخذ مال در حالی که حکم لغو شده، یا پاره کردن سند طلب و چسباندن آن و مطالبه مجدد وجه که از این طریق مالی تحصیل کند کلاهبرداری است.(نه جعل)

۳. مصادیق وسایل متقلبانه تمثیلی است. لذا تقلبی بودن وسایل از حیث وصف حصری اما از حیث نوع تمثیلی است.

۴. اتخاذ اسم، عنوان و سمت مجعول مستلزم یک عمل مادی (فعل) است. پس اگر کسی در هویت دیگری خودش اشتباه کند و فرد مظنون سکوت کند و مالی تحصیل کند کلاهبرداری نیست. اگر شخصی آن را به مرتکب نسبت دهد برای کلاهبرداری علاوه بر تأیید مرتکب وجود تبانی نیز ضروری است. (شرکت در جرم)

۵. دکتر میر محمد صادقی معتقد هستند که در اتخاذ اسم، عنوان یا سمت مجعول نیز صرف دروغ گویی کافی نبوده و برای تحقق کلاهبرداری علاوه بر اتخاذ اسم، عنوان یا سمت مجعول، نیاز به صحنه سازی و سایر اقدامات متقلبانه نیز می باشد.

۶. بعضاً کلاهبردار همزمان با توسل به وسایل متقلبانه از وسایل حقیقی نیز استفاده می کند. اگر مالباخته مال را نه به علت مانورهای متقلبانه بلکه به خاطر آن چه حقیقت داشته به دیگری تسلیم کرده باشد، کلاهبرداری محقق نمی شود.

مبحث سوم- اغفال بزهدیده:

۱. اغفال مالباخته شرط است. هم توسل به تقلب و هم اغفال بزهدیده لازم است. با فقدان هر یک، کلاهبرداری منتفی است.

۲. معیار تحقق اغفال، شخصی است. نتیجه تحقق اغفال آن است که مال باخته با رضایت خود مالش را تسلیم کلاهبردار می کند.

۳. اشخاص حقوقی نیز می‌توانند بزه‌دیده این جرم باشند. باید نماینده قانونی شخص حقوقی (مانند مدیرعامل) اغفال شده باشد.

۴. یکی از نتایج شرط اغفال این است که بزهدیده کلاهبرداری سنتی انسان است اما در حال حاضر یکی از اقسام کلاهبرداری، کلاهبرداری رایانه ای است که در آن شرط اغفال وجود ندارد. (م ۷۴۱ تعزیرات)

مبحث چهارم- موضوع جرم:

۱. موضوع جرم کلاهبرداری مال مشروع است نه شیء؛ مال اعم از منقول و غیر منقول. تحصیل رایگان خدمت یا امتیاز با توسل به تقلب بر خلاف کلاهبرداری رایانه‌ای کلاهبرداری سنتی نیست.

۲. عین مال باید متعلق به غیر باشد، تحصیل متقلبانه مال خود کلاهبرداری نسیت حتی اگر دیگری بر آن حقی داشته باشد.

۳. در حقوق ایران تقاص جایز نیست، توسل به تقلب برای وصول طلب کلاهبرداری است.

۴. کلاهبرداری در مال مشاع توسط شریک ممکن نیست برخلاف سرقت و تخریب.

مبحث پنجم- نتیجه مجرمانه:

۱. کلاهبرداری جرمی است مقید به بردن و تحصیل مال غیر و انتفاع خود یا دیگری.

۲. پرداخت مابه ازا توسط مرتکب مانع از تحقق کلاهبردای نیست.

۳. تحصیل چک با توسل به تقلب شروع به کلاهبردای است و تا زمانی که منتهی به وصول وجه چک نشود کلاهبردای تام نیست.

۴. صرف غیرقانونی بودن کاری که مالباخته برای رسیدن به آن اموالی را به مجرم داده است موجب عدم تحقق کلاهبرداری نمی شود.

۵. برای کلاهبرداری علاوه بر ضرر مال باخته، نفع مرتکب یا شخص مورد نظر او نیز شرط است. (دائمی بدون ضرر شرط نیست)

۶. پس اگر شخصی به قصد ورشکست کردن رقیب تجاری خود با توسل به وسایل متقلبانه باعث شود او در معاملات موهوم گرفتار شود و ورشکست شود اما خودش نفعی نبرد، کلاهبرداری محقق نشده است.

۷. ضروری نیست که خود کلاهبردار منفعت ببرد بلکه این منفعت می‌تواند نصیب شخص ثالثی شود که مورد نظر وی بوده است که اگر این شخص ثالث با کلاهبردار تبانی کرده باشد حسب مورد شریک یا معاون او خواهد بود. اما وجود تبانی شرط نیست.

۸. رقابت مکارانه یعنی عمل تاجری که برای انصراف مردم از خرید یا استعمال متاعی مشابه متاع خود به وسیله صحنه سازی با نسبت‌های کذب یا به طور کلی به هر وسیله متقلبانه دیگر متوسل شده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم تلویحاً یا تصریحاً در صدد معیوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع برآید کلاهبرداری نبوده و در حال حاضر جرم نیست.

مبحث ششم- رابطه علیت:

۱. لازم است که میان حیله و تقلب و اغفال مال باخته و بردن مال رابطهٔ سببیت مستقیم وجود داشته باشد.

۲. هر گونه اعمال حیله و تقلب و گرفتن مال از طریق حکم دادگاه، کلاهبرداری محسوب نمی شود.

۳. اگر در فاصله حیله و تقلب تا بردن مال عامل ثالثی حادث شود و رابطه ی سببیت را قطع کند تحقق کلاهبرداری منتفی است؛ لازم است اول توسل به تقلب صورت گیرد و بعد اغفال مالباخته واقع شود و سپس مال باخته مال خود را تسلیم کلاهبردار می کند.

مبحث هفتم- عنصر معنوی کلاهبرداری:

۱. کلاهبرداری جرمی است عمدی؛ سوء نیت عام یعنی عمد در توسل تقلب و علم به تقلبی بودن آن و علم به تعلق مال به غیر و سوء نیت خاص هم قصد اضرار غیر و انتفاع خود و یا شخص مد نظر مرتکب است.

۲. منظور از قصد بردن مال غیر، قصد بردن مال خاص یا مقدار معینی مال یا مال شخص معینی نمی باشد. لذا مثلا اگر کسی به قصد بردن اتومبیل دیگری از وسایل متقلبانه استفاده کند ولی بر اثر اغفال دوچرخه وی را تصاحب کند، کلاهبرداری محقق است.

مبحث هشتم- مجازات کلاهبرداری:

۱. مجازات کلاهبرداری ساده: اگر مال موضوع جرم، یک میلیار ریال یا کمتر باشد، این جرم قابل گذشت است و مجازات آن ۶ ماه تا ۳ سال و شش ماه حبس و جزای نقدی معادل مال تحصیل شده و رد اصل مال است اما اگر مال موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد، ۱ تا ۷ سال حبس و جزای نقدی معادل مال تحصیل شده و رد اصل مال است .

۲. مجازات کلاهبرداری مشدد: اگر مال موضوع جرم یک میلیارد ریال یا کمتر باشد، به عنوان یک جرم قابل گذشت موجب تحمل ۱ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی معادل مال تحصیل شده و رد مال است و اگر مال موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد، به عنوان یک جرم غیر قابل گذشت، موجب تحمل حبس از ۲ تا ۱۰ سال و جزای نقدی معادل مال تحصیل شده و رد مال است؛ که البته رد اصل مال مجازات نیست و نیازی به تقدیم دادخواست ندارد. ولی در صورت موجود نبودن عین مال، حکم به پرداخت قیمت یا مثل مال و یا هرگونه خسارت دیگری به مالباخته مستلزم تقدیم دادخواست خواهد بود.

۳. مصادیق کلاهبرداری مشدد عبارتند از:

۱. مرتکب به دروغ خود را مأمور دولت معرفی کند (کلاهبرداری با جعل عنوان).

۲. مرتکب مأمور دولت باشد هر چند از سمت خود سوء استفاده نکند. مهم نیست بزهدیده از این موضوع مطلع باشد. گفتنی است کارمند بودن معاون جرم کلاهبرداری تأثیری در میزان مجازات معاون یا مباشر جرم ندارد.

۳. کلاهبرداری با استفاده از تبلیغات عامه مثل رادیو و تلویزیون یا نطق در مجامع یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد.

۴. برای تحقق کلاهبرداری مشدد باید کیفیات مشدده مقدم بر تحصیل مال باشد.

۵. گفتنی است که کلاهبرداری رایانه‌ای موضوع ماده ۷۴۱ تعزیرات، به نظر مطلقاً یک جرم قابل گذشت است و در هر حال مجازات آن، ۶ ماه تا ۲ سال و شش ماه حبس می باشد. (ماده ۱۰۴ و تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا)

۶. کلاهبرداری جرمی است آنی، مقید، مرکب، که اگر موضوع آن بیش از یک میلیارد ریال باشد مشمول مرور زمان نیز نمی شود (م ۱۰۹) و اگر بیش از یک میلیارد ریال باشد حکم قطعی در یک روزنامه محلی منتشر می شود. (م ۳۶) یادآوری می شود که اگر مال

موضوع جرم یک میلیارد و کمتر باشد، جرم قابل گذشت و اگر بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم غیر قابل گذشت محسوب می شود. (م ۱۰۴)

۷. مجازات کلاهبرداری قابل تخفیف است و محدوده تخفیف آن تابع ماده ۳۷ ق.م.ا است و تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید نسخ شده است. این نکته شامل جرائم در حکم کلاهبرداری نیز می شود.

۸. مجازات جرم کلاهبرداری و جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود و شروع به این جرائم، به طور مطلق با حصول سایر شرایط قابل تعلیق است. (تبصره م ۴۷ ق.م.ا)

۹. شروع به کلاهبرداری و جرائم در حکم کلاهبرداری تابع ماده ۱۲۲ ق.م.ا است.

مبحث نهم- جرایم شبیه به کلاهبرداری:

۱- ورشکستگی به تقلب یا تقصیر: مواد ۶۷۰ و ۶۷۱ تعزیرات: م ۶۷۲

۲- تدلیس در معاملات دولتی: م ۵۹۹ تعزیرات:

۳- کلاهبرداری رایانه ای: م ۷۴۱ تعزیرات: به نظر این جرم طبق ماده ۱۰۴ ق.م.ا (اصلاحی ۹۹) مطلقاً و فارغ از میزان مال موضوع جرم، یک جرم قابل گذشت محسوب می شود و مجازات آن به شش ماه تا ۲ سال و شش ماه حبس یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات تغییر کرده است.

۴-کلاشی: یعنی تحصیل آگاهانه وجوه یا اموال یا اسناد یا خدمات از دیگری با فریب ولی بدون توسل به وسایل متقلبانه. این جرم، جرمی به عادت است. م ۷۱۲ تعزیرات:

۵- تدلیس در نکاح: م ۶۴۷ تعزیرات:

۶- معامله معارض: م ۱۱۷ قانون ثبت: هرگاه کسی عین یا منفعت اعم از منقول یا غیرمنقول خود را ابتدا به موجب سند رسمی یا عادی به شخصی انتقال دهد سپس همان عین یا منفعت را به موجب سند رسمی به شخص ثالثی انتقال دهد.

۷ -تحصیل مال از طریق نا مشروع: م ۲ قانون تشدید: هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفا موافقت اصولی گفته می شود، در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود، و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال، به سه ماه تا دو سال حبس تعزیری و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.

۸- ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث:

۹- تبصره ۳ ماده ۶ قانون صدور چک:

۱۰- تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی:

۱۱- مواد ۵۰، ۶۶ و ۶۷ قانون تجارت الکترونیک:

مبحث دهم- جرایم در حکم کلاهبرداری:

نکته: تمامی جرائم زیر طبق ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی ۹۹ در صورتی که دارای بزهدیده باشند، مطلقاً و فارغ از میزان مال موضوع جرم، قابل گذشت محسوب می شود مگر جرم انتقال مال غیر که اگر مال موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد؛ غیر قابل گذشت محسوب می شود.

۱- تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر به صورت اقامه دعوای صوری اشخاص علیه یکدیگر: اشخاصی که به عنوان ثالث وارد دعوا شده یا اعتراض ثالث می کنند یا بر محکوم به مستقیما اقامه دعوا می کنند و این امر ناشی از تبانی با یکی از طرفین دعوا است برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر، در حکم کلاهبرداری است. این جرم، جرمی است مطلق؛

۲- تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری: تقاضای ثبت ملک دیگری خواه از طرف مالک اولیه پس از انتقال به ثالث، خواه از طرف وارث با علم به انتقال از طرف مورث، خواه از طرف امین، در حکم کلاهبرداری است. صرف تقاضای ثبت ملک دیگری جرم نیست و باید عملیات ثبتی راجع به آن انجام شود تا جرم محقق شود اما نیازی نیست که تقاضا کننده حتما موفق به گرفتن سند شود. این جرم قابل گذشت است. (م ۱۰۵ قانون ثبت)

نکته: اگر کسی امین بر ملکی بوده و بعد به عنوان مالک تقاضای ثبت آن به نام خود کند، در حکم کلاهبردار است نه خائن در امانت. (مثل مستأجر یا مرتهن یا امین)

۳- کلاهبرداری در شرکت های تجاری: م ۲۴۹ لایحه اصلاح قانون تجارت و مواد ۹۲ و ۱۱۵ قانون تجارت جمعاً ۷ مورد را از جهات در حکم کلاهبرداری ذکر کرده است.

۴ -تحصیل متقلبانه حق الوکاله: دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله ممنوع است و در صورتی که وکیل این عمل را به طور حیله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر ولی در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب می شود. (م ۳۴ قانون وکالت)

۵- نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی: هرگونه نقل و انتقال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی ممنوع بوده و انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم می شود.

۶- انتقال مال غیر: انتقال مال غیر عیناً یا منفعتاً اعم از منقول و غیرمنقول در حکم کلاهبرداری است. بنابراین موجری که مال خود را ابتدا به شخصی اجاره داده و سپس همان مال را به ثالثی اجاره دهد مرتکب بزه انتقال منافع به غیر شده است. برای تحقق این جرم اثبات حیله و تقلب یا ورود ضرر و زیان یا حتی تصرف دیگری لازم نیست. جرمی مطلق است. اگر انتقال گیرنده در حین معامله عالم بر عدم مالکیت انتقال دهنده باشد شریک در جرم محسوب می شود علم به تعلق مال به غیر و عمد در انتقال مال به دیگری شرط است. انتقال مال مشاع زاید بر حصه و با سوء نیت را از مصادیق انتقال مال غیر دانسته است میزان جزای نقدی در جرم فروش مال غیر، معادل مالی است که متهم دریافت کرده است و نه ارزش واقعی آن مال یا مالی که قرار بر این بوده که تحصیل کند.

نکته: از نظر دکتر میر محمد صادقی اگر شخصی مال دیگری را به خود انتقال دهد، مرتکب جرم انتقال مال دیگری به غیر نشده است و حسب مورد جرم دیگری مثل تحصیل مال از طریق نامشروع می باشد.

نکته: انتقال عین مرهونه توسط راهن به شخص ثالث مشمول این جرم نمی شود. اما می تواند نسبت به خریدار که از رهن بودن مال مطلع نبوده است با حصول سایر شرایط کلاهبرداری محقق شود.

در ضمن اگر شخصی ملک متعلق به دیگری را در رهن شخصی قرار دهد اگر منتهی به بردن مال مرتهن شود در خصوص او کلاهبردرای است اما در خصوص مالک جرم انتقال مال غیر به نظر محقق نشده است در حالی که اجاره دادن مال متعلق به دیگری، باعث تحقق انتقال منافع دیگری به غیر می شود. اگر کسی مال را بدزدد و انتقال دهد انتقال مال غیر هم واقع شده است.

نکته: چون فروش مال غیر، در حکم کلاهبرداری است با رعایت نصاب مقرر در ماده ۱۰۹ ق.م.ا (بیش از یک میلیارد ریال) مشمول مرور زمان نخواهد شد. و به طور کلی این جرم تابع کلیه مقررات حاکم بر کلاهبرداری می باشد.

نکته: مالک موظف است ظرف ۱ ماه از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، به موجب اظهارنامه مالکیت خود را به انتقال گیرنده اطلاع دهد در غیر اینصورت معاون جرم محسوب میشود.

نکته: یادآوری می شود که اگر در این جرم، ارزش مال موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم غیر قابل گذشت محسوب می شود و اگر ارزش ال یک میلیارد ریال یا کمتر باشد، جرم قابل گذشت محسوب می شود.

* مقایسه ی انتقال مال غیر و معامله معارض:

معامله ی اول	معامله ی دوم	
سند رسمی	سند عادی:	....

سند عادی سند عادی: ....

سند رسمی سند رسمی: ....

سند عادی سند رسمی: در مال منقول: ....

در مال غیر منقول: ....
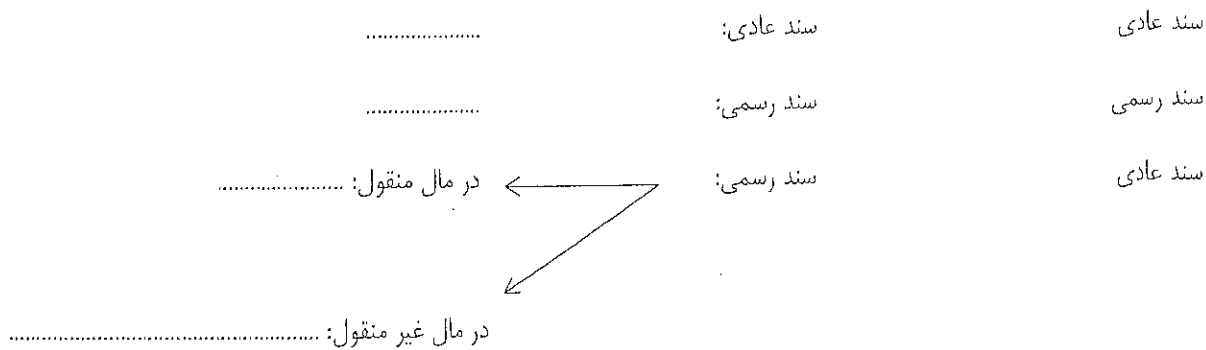
۷۸. خیانت در امانت:

. جرمی است آنی، مقید، ساده و قابل گذشت.

. رکن قانونی: م ۶۷۴ تعزیرات.

. تعریف: خیانت در امانت یعنی استعمال، تصاحب، اتلاف یا مفقود کردن عمدی مال امانی توسط امین که قرار بر استرداد یا به مصرف معین رساندن آن بوده به ضرر مالک یا متصرف قانونی.

مبحث اول- وجود رابطه امانی:

۱. وجود رابطه امانی و سپردن مال جزء ارکان خیانت در امانت نیست بلکه شرط وقوع جرم است.

۲. وجود رابطه امانی یعنی مالک یا شخص ماذون از مالک، مال خود را به طور موقت در تصرف دیگری قرار دهد و قرار بر این باشد که یا عین همان مال مسترد شود و یا اینکه آن مال به مصرف معین برسد.

۳. در این جرم امانت‌گذار باید مال خود را با اراده آزاد و بدون هر گونه فریب به امین تسلیم کرده باشد. (والا کلاهبرداری است.)

۴. امانت‌گذار باید دارای اراده سالم باشد. لذا اگر امین مالی را از مجنون یا صغیر غیر ممیز بگیرد سپردن محقق نمی شود. (اختلافی)

۵. سپردن مال به امین می تواند مستقیم یا تبعی و غیر مستقیم باشد. لذا مباشرت در قبض و اقباض شرط نیست.

۶. امانت‌گذار باید مالک یا متصرف قانونی بوده یا از طرف مالک مأذون بوده یا مالی به حکم قانون نزد شخص به امانت گذاشته شود والا سپردن محقق نشده است. پس اگر مال مسروقه یا غصبی توسط سارق یا غاصب به دیگری امانت داده شود و امین مال را تصاحب کند یا آن را به صاحبش برگرداند خیانت در امانت نیست. هر چند که امین از این موضوع اطلاعی نداشته باشد.

۷. اگر امانت‌گذار فوت کند، خللی در رابطه امانی ایجاد نمی شود و امین در مقابل قائم مقام امانت‌گذار، مسئولیت دارد. اما اگر امین فوت کند و ورثه او مال امانی را تصاحب یا تلف یا استعمال و مفقود کنند، خیانت در امانت نیست زیرا مال به آنها سپرده نشده است.

۸. سپردن مال یا به امانت گذاشتن مال به چهار طریق ممکن است:

الف- امانت قانونی: مالی به حکم قانون و با دستور مقام قضایی نزد شخصی به امانت گذاشته می‌شود مثل سپردن مال طفل به قیم یا امین او. این نوع سپردن برای تحقق این جرم کافی نیست.

ب- امانت عرفی: مالی که به حکم عرف یا بر حسب وظیفه در دسترس کسی قرار بگیرد. این نوع سپردن هم کافی نیست.

پ- امانت شرعی: مالی که به حکم شرع نزد شخصی به امانت گذاشته می‌شود. مثل مال لقطه. این نوع از امانت نیز کافی نیست.

ت- امانت قراردادی: مالک یا متصرف قانونی، مالی را به موجب قرارداد (توافق) نزد شخصی به امانت می گذارد. تنها این نوع از سپردن موجب تحقق خیانت در امانت می‌شود. م ۶۷۴ تعزیرات به اجاره، امانت (ودیعه - عاریه)، وکالت، رهن و هر کار با اجرت یا بی اجرت اشاره کرده است؛ این عقود حصوری است.

۹. در خیانت در امانت موضوع جرم تمثیلی است ولی نوع قراردادهایی که ایجاد کننده ی امانت است حصری است.

۱۰. خیانت در امانت در عقود تملیکی مانند بیع، صلح، معاوضه، قرض و هبه متصور نیست. در واقع خیانت در امانت در عقودی که استرداد عین مال شرط است قابل تحقق است.

۱۱. رویه قضایی هیچگاه مستأجر را به عنوان خیانت در امانت تعقیب نمی کند مگر در اجاره اشیاء یا زمانی که به تبع اجاره خانه اشیاء داخل آن نیز به مستأجر سپرده شود و مستأجر آن را تصاحب، تلف یا مفقود کند.

۱۲. اگر طلبکار بدون مطالبه طلب و خودداری مدیون از پرداخت دین، عین مرهونه را تصاحب کند، خیانت در امانت است. اگر عین مرهونه ثمره و زیادتی داشته باشد آن هم امانت محسوب می شود و تصاحب آن می تواند خیانت در امانت باشد.

۱۳. پیمانکاری، قرارداد حمل و نقل یا اموالی که به صنعت گران داده می شود نظیر نجار، خیاط، تعمیر کار و ... نیز داخل در هر کار با اجرت یا بی اجرت است مشروط بر این که مال تسلیم ایشان شده باشد.

مبحث دوم- رفتار مجرمانه:

. رفتار مجرمانه خیانت در امانت به طور حصری یکی از ۴ مصداق: استعمال - تصاحب - تلف یا مفقود کردن مال امانی است.

۱- استعمال کردن: گاه شخص به کل حق استفاده ندارد و گاه امین حق استفاده مشخصی داشته (مثل عاریه) اما خارج از موضوع توافق استفاده می کند. (فعل)

۲- تصاحب کردن یعنی برخورد مالکانه کردن با مال امانی. مثل فروختن، گرو گذاشتن، قرض دادن و هبه دادن مال امانی. (فعل) صرف عدم استرداد مال امانی تصاحب نیست. زیرا امین ممکن است بنا به عذری مانند دریافت اجرت نگه داری مال امانی یا دریافت طلب خود که در سابق از امانت‌گذار داشته مال را مسترد نکند. (حق حبس)

۳- تلف کردن: یعنی از بین بردن عمدی مال امانی. (فعل یا ترک فعل) مثل آب ندادن به گل‌های سپرده شده.

۴- مفقود کردن عمدی.

مبحث سوم- موضوع جرم:

۱. موضوع جرم: تمثیلی است و اعم است از مال منقول یا غیرمنقول و وسیله تحصیل مال. پس اگر شخصی دیگری را امین اسرار زندگی یا اسرار راجع به اختراع خود قرار دهد، وقوع خیانت در امانت متصور نیست. لازم به ذکر است که افشای اسرار حرفه ای خود جرم مستقلی است. م ۶۴۸ تعزیرات:

۲. خیانت در امانت در اموال مثلی نیز محقق می شود.

۳. مشروب، آلات لهو و لعب، گوشت خوک، مواد مخدر و اسلحه غیرمجاز قانوناً و شرعاً قابل تملک نیستند و مال محسوب نمی شوند؛ لذا موضوع هیچ یک از جرایم علیه اموال جز سرقت و اختلاس قرار نمی گیرند.

۴. عین مال باید متعلق به غیر باشد مثل سایر جرایم علیه اموال.

۵. در اموال مشاع تحقق خیانت در امانت توسط شریک منتفی است.

مبحث چهارم- نتیجه مجرمانه:

۱. نتیجه مجرمانه: مقید به ضرر مالک یا متصرف قانونی. انتفاع بزهکار شرط نیست.

۲. اضرار مالک یعنی رفتار کردن بر خلاف توافق. لذا معیار ورود ضرر لزوما ضرر مادی نیست و دائمی بودن ضرر نیز شرط نیست.

مبحث پنجم- عنصر معنوی خیانت در امانت:

۱. این جرم عمدی است و تحقق آن مستلزم علم به وجود رابطه امانی، علم به تعلق مال به غیر، عمد در استعمال، تلف، مفقود یا تصاحب کردن مال امانی و قصد اضرار غیر.

۲. خیانت در امانت جرم تعزیری درجه شش است.

مبحث ششم- جرایم در حکم خیانت در امانت:

۱. هرگاه نسبت به املاک وقف بعنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظامنامه مکلف به دادن عرض حال اعتراض و تعقیب دعوا و حفظ حقوق وقف شده است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید، به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. (م ۲۸ قانون ثبت).

۲. مدیر تصفیه اگر در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته مالی از ورشکسته را حیف و میل کند در حکم خیانت در امانت است.(م ۵۵۵ قانون تجارت)

۳. طبق م ۳۴۹ قانون تجارت اگر دلال بر خلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا بر خلاف عرف تجارتی محل از طرف مزبور وجهی دریافت کند یا وعده ای را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت می شود.

۴. طبق م ۳۷۰ قانون تجارت اگر حق العمل کار، نادرستی کرده و مخصوصا در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد، مستحق حق العمل نخواهد بود و به مجازات خیانت در امانت نیز محکوم می شود.

۵. طبق م ۲۷ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار هر کارگزاری که اوراق بهادار یا وجوهی را که برای انجام معامله به وی سپرده شده است، به نفع خود یا دیگری مورد استفاده قرار دهد، عمل او خیانت در امانت محسوب می گردد.

۶. طبق ماده ۱۲۸ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ هر یک از مدیران عامل یا سایر اعضای هیأت مدیره یا بازرسان یا کارکنان شرکت ها و اتحادیه های تعاونی، وجوه یا اموال شرکت ها و اتحادیه های تعاونی را که به رسم امانت به آنان سپرده شده است را استفاده نمایند و یا حیف و میل نمایند، به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهند شد.

نکته: همه این جرایم از حیث مجازات و سایر احکام، تابع جرم خیانت در امانت بوده و بنابراین همه آنها جرم قابل گذشت هستند.

مبحث هفتم- جرائم شبیه به خیانت در امانت:

۱. اختلاس: (ماده ۵ قانون تشدید)

۱. تعریف: برداشت و تصاحب مالی که بر حسب وظیفه به مستخدم دولت سپرده شده، اعم از اینکه به نفع خود باشد یا دیگری.

۲. وجود رابطه امانی و وصف سپردن شرط است. با این قید اضافه باید مال بر حسب وظیفه به کارمند دولت سپرده شود.

۳. اگر ماموری به اجبار دیگری را وادار کند که مالش را به او تسلیم نماید این عمل اخاذی است نه اختلاس.

۴. رفتار مجرمانه اختلاس، برداشت و تصاحب مال است.

۵. این جرم آنی، ساده، مقید و غیر قابل گذشت است.

۶. اتلاف عمدی مال امانی توسط مستخدم دولت که حسب وظیفه به او سپرده شده، علاوه بر ضمان مالی، .... است.

۷. اختلاس جرم علیه اموال است و موضوعش مال است اعم از منقول و غیرمنقول. اعم از اموال دولتی یا اموال اشخاص.

۸. مرتکب اختلاس مستخدم دولت (اعم از پیمانی، رسمی، روزمزد و ...) یا مستخدم سازمان‌های و موسسات عمومی غیردولتی است. مثل بانک خصوصی. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۸)

۹. سپردن اموال به کارمند غیردولتی و تصاحب آن خیانت در امانت است.

۱۰. مشروعیت داشتن یا نداشتن مال، از اهمیت برخوردار نیست.

۱۱. ملاک، مأمور دولت بودن در زمان سپردن مال و برداشت آن است و نه قبل یا بعد آن.

۱۲. اختلاس مقید است به تحقق ضرر و نفع مرتکب یا شخص مورد نظر او شود.

۱۳. مجازات اختلاس بسته به مالی است که مرتکب منتفع شده، ملاک قیمت عرفی مال است و حداقل نصاب مذکور اعم است از اینکه اختلاس، دفعتا واحد باشد یا مکرر که جمع آن برای تعیین مجازات حساب می شود.

۱۴. طبق ماده ۵۲۱ ق.ا.د.ک:" در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می شود."

۱۵. در اختلاس توأم با جعل، مجازات اختلاس شدیدتر می شود و تعدد نیست، گفتنی است اختلاس با استفاده از سند مجعول مصداقی از تعدد معنوی است. همچنین جعل و استفاده از سند مجعول و شروع به اختلاس موجب تحقق تعدد مادی بین جعل و استفاده از سند مجعول و جمع مجازات آن با شروع به اختلاس می شود.

۱۶. طبق م ۴ قانون تشدید: "کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا حبس درجه ۱ محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود." این تشدید تنها شامل رهبران و تشکیل دهندگان نمی شود و تمامی اعضا را در بر می گیرد.

۱۷. طبق تبصره ۳ م ۵ قانون تشدید: "هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد

۱۸. طبق م ۷ قانون تشدید: "در هر مورد از بزه های مندرج در این قانون که مجازات حبس برای آن مقرر شده در صورتی که مرتکب از مأمورین مذکور در این قانون باشد از تاریخ صدور کیفرخواست از شغل خود معلق خواهد شد. دادسرا مکلف است صدور کیفرخواست را به اداره یا سازمان ذی‌ربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رای قطعی برائت حاصل کند ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد." شامل موقوفی تعقیب نمی شود.

۲. تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و عمومی:

۱. رکن قانونی: م ۵۹۸ تعزیرات. جرمی آنی، ساده، غیر قابل گذشت و مطلق.

۲. مرتکب جرم: کارمند دولت یا در حکم آن از جمله کارمند بانک خصوصی است. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۸)

۳. تعریف: استعمال غیرمجاز مالی که بر حسب وظیفه به کارمند دولت یا در حکم کارمند دولت سپرده شده است.

۴. این جرم همانند اختلاس است فقط در اختلاس مأمور دولت اموال سپرده شده را به نفع خود یا دیگری تصاحب می کند اما در این جرم کارمند دولت از اموال سپرده شده استفاده غیر مجاز می نماید.

۵. رفتار مجرمانه: استفاده غیرمجاز از اموال دولتی. انتفاع مرتکب برخلاف اختلاس شرط نیست اما انتفاع موجب تشدید مجازات است.

۶. موضوع جرم: موضوع این جرم اموال دولتی یا اموال اشخاص است؛ اعم از منقول و غیرمنقول.

۷. مصادیق زیر در حکم تصرف غیرقانونی به شمار می رود:

۱. هرگاه مستخدم دولت به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد.

۲. هرگاه مستخدم دولت به علت اهمال یا تفریط اموال دولتی را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده.

۳. هرگاه مستخدم دولت به علت اهمال یا تفریط اموال و وجوه دولتی را در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

۳. سوء استفاده از سفیدمهر یا سفید امضاء:

۱. رکن قانونی: م ۶۷۳ تعزیرات. جرم آنی، ساده و قابل گذشت.

۲. سفیدمهر یا امضاء می تواند به هر طریقی بدست آمده باشد و سپردن آن به مرتکب شرط نیست.

۳. سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء یعنی نوشتن مطلب تعهد آور روی آن به ضرر صاحب آن.

۴. رفتار: سوء استفاده. یعنی نوشتن مطلب تعهد آور به روی سفید مهر یا سفید امضاء. اگر سفید امضایی به شخصی سپرده شده روی آن مطلب تعهدآوری بنویسد و استفاده کند این جرم محقق شده، پس استعمال، تصاحب، تلف و مفقود کردن سفید امضاء یا مهر سپرده شده، خارج از عنوان این جرم است.

۵. نوشتن هر مطلبی در سفید مهر و امضاء سوء استفاده نیست و نوشته باید تعهدآور باشد و در جزء اصلی سند باشد.

۶. نوشته اگر مهر و امضاء نداشته باشد این جرم محقق نمی شود و درج و اضافه کردن امضاء جعل است.

۷. این جرم مطلق است و ورورد ضرر مادی شرط نیست لذا کسب اعتبار و شهرت کاذب یا ایجاد مشکلات خانوادگی برای صاحب امضاء می تواند موجب تحقق این جرم شود. این جرم نیاز به سوء نیت خاص ندارد.

٤. سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص محجور: م ٥٩٦ تعزیرات

۵. امتناع از استرداد طفل سپرده شده: م ۶۳۲ تعزیرات

۶. جرم موضوع ماده ۶۰۴ تعزیرات.

۷۹. سرقت:

۱. تعریف: .... (م ۲۶۷)

۲. رفتار مجرمانه: ربایش. یعنی تصرف و وضع ید بر مال غیر بدون رضایت دارندهٔ آن و خارج کردن آن از تصرف مالک. (فعل)

۳. هر ربایشی، سرقت نیست و م ۶۶۵ تعزیرات مقرر داشته هر کس مال دیگری را برباید ولی عمل او مشمول عنوان سرقت نشود به حبس محکوم خواهد شد: مثل: کِش رَوی یا کش رفتن یا ربایش مال به قصد استفاده موقت.

۴. ربایش می تواند به تسبیب، مثلا از طریق حیوانات دست آموز صورت بپذیرد.

۵. موضوع جرم: اشیاء و اموال منقول متعلق به غیر.

۶. طلبکار حق ندارد به عنوان تقاص معادل طلب خود از اموال مدیون برباید و این عمل سرقت است.

۷. صرف توقیف، مال را از مالکیت مالک خارج نمی کند اگر خود مالک آن را برباید عمل وی سرقت نیست بلکه جرم مستقل موضوع م ۶۶۳ تعزیرات به نام مداخله در اموال توقیف شده است اما اگر دیگری مال توقیف شده را برباید، سرقت محقق است.

۸. ارتکاب جرایم علیه اموال در مال مشاع توسط شریک قابل تحقق نیست مگر تخریب و سرقت. م ۲۷۷:

۹. انسان فارغ از نوزاد یا بزرگسال و اعضای بدن انسان (مادام که درون بدن انسان باشد)، مال محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند موضوع سرقت قرار بگیرد. اما اگر عضوی از بدن انسان جدا شده باشد، ربایش آن سرقت محسوب می‌شود. اعضای مصنوعی (مثل دندان طلا) مال محسوب می‌شود و ربایش آنها سرقت خواهد بود.

در خصوص جرم آدم ربایی توجه به ماده ۶۲۱ و در خصوص نوزاد ربایی توجه به ماده ۶۳۱ تعزیرات مفید است.

۱۰. آب، برق، گاز و تلفن مال محسوب می‌شود. اما استفاده غیرمجاز از آنها سرقت نیست و جرم خاصی است تحت عنوان استفاده غیرمجاز از انشعاب آب، برق، گاز، تلفن و شبکه‌ی فاضلاب. در واقع اگر مثلاً از انشعاب برق دیگری شخص انشعاب بگیرد سرقت محسوب می شود اما اگر از انشعاب اصلی، انشعاب گرفته شود جرم سوء استفاده محقق است. (ماده ۶۶۰ تعزیرات نسخ شده است)

۱۱. دستکاری کنتور خیانت در امانت و کلاهبرداری نیست و جرم خاص است.

۱۲. نتیجه: سرقت مقید است به اضرار مالک و انتفاع شرط نیست. دائمی بودن ضرر شرط نیست.

۱۳. عنصر معنوی: علم به تعلق مال به غیر و عدم رضایت مالک؛ (اگر فکر کند مال خودش است یا حتی صرفاً احتمال دهد که مال دیگری است، سرقت نیست) عمد در ربایش و قصد اضرار دایمی غیر شرط است.

سرقت حدی:

۱. با جمیع شرایط ۱۴ گانه مقرر در م ۲۶۸ سرقت حدی است. م ۲۶۸:

۲. م ۲۷۶:

۳. سرقت شراب، گوشت خوک یا سگ و آلات لهو و لعب از آنجا که شرعاً مالیت ندارند موجب حد نیست اما سرقت تعزیری است. سرقت اشیایی که از لحاظ قانونی مالیت ندارند اما از لحاظ شرعی مالیت دارند مثل اسلحه غیر مجاز یا کالای قاچاق می‌تواند موجب تحقق سرقت حدی شود.

۴. تعریف حرز: م ۲۶۹ و ۲۷۰:

سرقت اتومبیل کنار خیابان ولو قفل شده ولو با دزدگیر، سرقت حدی نیست چون خیابان حرز ماشین نیست، در ضمن اتومبیل حرز وسایل داخل آن مثل ضبط، نمی‌باشد.

۵. هتک حرز می تواند مادی یا معنوی باشد. م ۲۷۱: هتک حرز باید عمدی باشد و باید برای ورود به حرز باشد و نه خروج از آن.

۶. هم هاتک حرز و هم رباینده باید مباشرت در دو امر داشته باشد. اگر یکی هتک حرز کند و دیگری مال را از حرز خارج کند سرقت حدی نیست.

۷. خروج مال از حرز می‌تواند مباشرتاً صورت بگیرد یا به تسبیب. م ۲۷۲:

۸. م ۲۷۳:

۹. هم هتک حرز و هم خروج مال از حرز *(سرقت)* باید هر دو مخفیانه صورت بگیرد.

۱۰. سارق باید پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد، فرقی بین فرزند دختر یا پسر، مشروع یا غیرمشروع نیست؛ این معافیت فقط مخصوص پدر و جد پدری است. چنین سرقتی، سرقت تعزیری محسوب می شود.

۱۱. نصاب مال در حین خروج باید معادل ارزش چهار و نیم نخود طلا باشد. علم مرتکب به اینکه حد نصاب مال چقدر است مهم نیست. نصاب مذکور باید در زمان خروج مال از حرز وجود داشته باشد. م ۲۷۴ و ۲۷۵:

۱۲. سرقت از موقوفه عام و اموال دولتی و عمومی سرقت حدی نیست اما سرقت از موقوفه خاص می‌تواند سرقت حدی باشد.

۱۳. سرقت در زمان قحطی موجب حد نیست خواه مال مسروقه از مواد غذایی باشد خواه نباشد. نیازی به مضطر بودن نیست.

۱۴. برای ثبوت حد، شکایت کافی است و اجرای حد نیاز به تقاضای شاکی ندارد، از طرف دیگر اگر سرقت حدی ثابت شده باشد اما شاکی شکایت نکرده باشد حد قابل اجرا نیست.

۱۵. برای تحقق سرقت حدی شرط است که: صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد. مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد. مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

۱۶. سرقت مال مسروقه و مغصوب، سرقت حدی نیست اما سرقت تعزیری است.

۱۷. مجازات سرقت حدی: م ۲۷۸ و ۲ تبصره آن:

۱۸. انواع سرقت‌های تعزیری: مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ کتاب تعزیرات:

۱۹. در جرائم موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵ تعزیرات، اگر ارزش مال مسروقه ۲۰۰ میلیون ریال یا کمتر باشد و متهم دارای سابقه محکومیت موثر کیفری نباشد، جرم قابل گذشت محسوب شده و حداقل و حداکثر مجازات نیز نصف می شود اما در غیر اینصورت جرم غیر قابل گذشت محسوب می شود. همچنین سایر مصادیق سرقت نیز، جرم غیر قابل گذشت هستند.

۲۰. اگر اقوام ورشکسته بدون مداخله طرف، اموال او را از بین ببرند یا پنهان کنند یا نزد خود نگه‌دارند در حکم سرقت تعزیری می‌باشد.

۲۱. در سرقت رایانه ای، داده و اطلاعات ربوده و تصاحب می شود و نه مال. این جرم مطلقاً غیر قابل گذشت است. م ۷۴۰ تعزیرات:

۸۰. تخریب عمدی:

۱. تخریب یعنی ایراد لطمه فیزیکی به تمامیت فیزیکی شیء متعلق به دیگری.

۲. رفتار مجرمانه در این جرم متفاوت است و حسب مورد عبارت است از:

آتش زدن(احراق) – خراب کردن – تلف کردن – کشتن و مسموم کردن حیوان – درو کردن محصول – چرانیدن محصول.

۳. رفتار مجرمانه جرم تخریب اغلب در قالب فعل قرار می گیرد اما ارتکاب این جرم در قالب ترک فعل نیز متصور است.

۴. لطمه فیزیکی به شیء متعلق بی غیر می تواند ظاهر باشد یا مخفی، مستقیم باشد یا غیر مستقیم، کلی باشد یا جزئی.

۵. تخریب و ایراد لطمه می تواند به مباشرت (مستقیم) یا به تسبیب (غیر مستقیم) باشد. چرانیدن محصول دیگری که توسط حیوانات انجام می شود از مصادیق تخریب غیر مستقیم است. یا ریختن سم در آب حیوانات تا با خوردن آن تلف شوند نیز تخریب به تسبیب محسوب می شود.

۶. موضوع جرم تخریب عبارت است از مال *(اعم از منقول و غیر منقول)* و شی ء، اما مشروط بر اینکه این شیء یا مال متعلق به دیگری باشد و نیز شرعاً مالیت داشته باشد. لذا تخریب مال خود،مشروبات الکلی یا مواد مخدر جرم نیست.

۷. تخریب عمدی مال مشاع از طرف شریک با قصد اضرار یا کسب منافع غیر مجاز، جرم است.*(رأی وحدت رویه)*

۸. اعضای مصنوعی بدن انسان مال محسوب می شود لذا کندن دندان مصنوعی از لثه تخریب محسوب می شود.

۹. جرم تخریب اصولا جرمی مقید محسوب می شود و نیازمند ورود ضرر و ایجاد لطمه فیزیکی به شیء متعلق به غیر می باشد . به همین جهت تحقق این جرم منوط است به وجود رابطه علیت بین رفتار مرتکب و لطمه فیزیکی وارد شده به مال.

۱۰. تخریب عمدی جرم است. یعنی رفتار مجرمانه باید عمدی واقع شده باشد و مرتکب علم به این داشته باشد که شیء متعلق به دیگری است و قصد ایراد لطمه به آن یا علم به وقوع لطمه را هم داشته باشد لذا تخریب غیر عمدی جرم نیست.

۱۱. آتش زدن(احراق) عمدی مال از مصادیق تخریب می باشد اما با این وجود احراق جرمی است مطلق یعنی صرف به آتش کشیدن مال متعلق به دیگری جرم است ولو اینکه فورا خاموش شود. آتش زدن اموالی مثل کشتی، مسکن مهیا برای زندگی، جنگل، خرمن، عمارت، بنا، هواپیما، کارخانه، انبار، هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ های متعلق به دیگری جرم است و اگر این کار به قصد مقابله با نظام صورت بگیرد مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد. باید دقت داشت که اگر کسی مال خود را مثلا هواپیمای شخصی خود را ولو با قصد مقابله با نظام آتش بزند مشمول جرم تخریب یا محاربه نخواهد شد.

۱۲. آتش زدن وسایل منقول، غیر از آنچه در بالا گفته شد مجازات کمتری داشته و بر خلاف آتش زدن مصادیق مذکور در فوق جرمی قابل گذشت محسوب می شود. همچنین هرگونه تخریب اشیاء منقول یا غیر منقول متعلق به غیر یا اتلاف جزئی یا کلی یا از کار انداختن آن جرمی قابل گذشت محسوب می شود.

۱۳. استفاده از مواد منفجره برای تخریب و آتش زدن موجب تشدید مجازات مرتکب و همچنین غیر قابل گذشت شدن جرم خواهد شد.

۱۴. در خصوص تخریب رایانه ای توجه به مواد ۷۳۶ تا ۷۳۹ کتاب تعزیرات مفید است. گفتنی است تمام این جرائم غیر قابل گذشت محسوب می شوند.

بخش پنجم- جرایم علیه آسایش عمومی

۸۱. جعل

۱. تعریف: قلب متقلبانه حقیقت در یک نوشته یا سند یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری.

۲. رکن قانونی: مرکب است. یعنی در یک ماده این جرم تعریف شده و در مواد بعدی برای آن مجازات تعیین شده است

۳. رفتار مجرمانه: قلب حقیقت: صرف دروغ نویسی جعل نیست.

۴. برای تحقق جعل، سند و نوشته باید راجع به خود یا نویسنده اش دروغ بگوید.

۵. حقیقت اولیه مربوط به محتوای اسناد و حقیقت ثانویه مربوط به ظاهر اسناد است. تغییر هر دو حقیقت اولیه و ثانویه و همچنین تغییر حقیقت ثانویه بدون تغییر حقیقت اولیه جعل است.

۶. جعل مادی: ساخت سند یا تخدیش یک سند موجود. جعل مادی از طریق ارجاع امر به کارشناس قابل اثبات است. (فعل)

۷. جعل معنوی (مفادی): قلب حقیقتی است که حین تنظیم سند صورت می گیرد. معمولا توسط کارمندان دولت و در حین تنظیم اسناد رسمی رخ می دهد. اما منحصر به اسناد رسمی نیست. از طریق کارشناس قابل اثبات نیست. (فعل یا ترک فعل)

۸. م ۵۳۲ تعزیرات: جعل مادی در اسناد رسمی توسط کارمند دولت

۹. م ۵۳۳ تعزیرات: جعل مادی در اسناد رسمی توسط افراد عادی

۱۰. م ۵۳۴ تعزیرات: جعل مفادی در اسناد رسمی توسط کارمندان دولت.

برخی مصادیق جعل معنوی: الف- تغییر موضوع یا مضمون.ب- تحریف گفته یا نوشته یکی از مقامات رسمی یا مهر آنها یا تقریرات یکی از طرفین.پ- امر صحیحی را باطل یا امر باطل را صحیح جلوه دادن.ت- چیزی را که به آن اقرار نشده، اقرار شده جلوه دادن.

۱۱. م ۵۳۶ تعزیرات: جعل در اسناد غیررسمی توسط هر کس.

۱۲. جعل اسناد غیر رسمی یا استفاده از آن، جرمی قابل گذشت است با مجازات سه ماه تا ۱ سال حبس یا ۳ تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی. مرتکب این جرم هر کس است و نوع جعل می تواند اعم از مادی یا معنوی باشد. گفتنی است اگرچه که جرم جعل سند غیر رسمی و استفاده از آن، یک جرم قابل گذشت است اما جعل اسناد رسمی یا سایر مصادیق جعل و همچنین جرم جعل رایانه ای و استفاده از داده های مجعول یا کارت های مجعول موضوع ماده ۷۳۴ و ۷۳۵ تعزیرات مطلقاً غیر قابل گذشت است.

۱۳. مصادیق در حکم جعل مفادی در اسناد رسمی که مرتکب آن باید سر دفتر باشد: ۱ -ثبت اسناد مجعول. ۲ -ثبت سند بدون حضور اشخاصی که برای ثبت باید حاضر شوند. ۳ -ثبت سند به نام کسانی که آن را معامله نکرده اند. ۴ -مقدم یا مؤخر کردن تاریخ ثبت سند در دفتر ثبت. ۵ -مکتوم، معدوم یا بیرون کشیدن تمام یا قسمتی از اوراق دفاتر ثبت. ۶ -ثبت اسناد انتقالی با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده. ۷ -ثبت سندی که به طور وضوح سندیت نداشته یا از سندیت افتاده است. (م ۱۰۰ قانون ثبت)

۱۴. طبق ماده ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری: هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف چیزی بنویسد و یا اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی تمام ماوقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می گردد. اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه موثر واقع شده باشد، کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. این حکم شامل خبرگان محلی نیز می شود.

۱۵. م ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک: صدور تصدیق نامه خلاف واقع توسط مستخدم اداره ثبت در حکم جعل در اسناد رسمی است.

۱۶. طرق قلب حقیقت: ۱- ساختن: مهر، نوشته یا سند یا امضاء. ۲- تغییر دادن یا مخدوش کردن یک نوشته: خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو کردن، اثبات کردن، سیاه کردن، تقدیم یا تأخیر تاریخ سند، الصاق. ۳- به کار بردن مهر دیگری. (م ۵۲۳ تعزیرات)

۱۷. محو شدن جعل نیست. لذا صدور چک با جوهر محو شو، جعل نیست و می تواند مانور متقلبانه باشد.

۱۸. سیاه کردن و ریختن جوهر روی کل سند اتلاف سند است. م ۶۸۱ (غیر قابل گذشت) و ۶۸۲ تعزیرات (قابل گذشت):

۱۹. تقدیم یا تأخیر تاریخ سند: هم در قالب جعل مادی قرار گیرد و هم جعل معنوی.

۲۰. الصاق کردن: چسباندن و مونتاژ کردن اسناد و نوشته ها به یکدیگر به نحوی که آنچه بوجود می آید سند واحدی تلقی شود.

۲۱. الصاق عکس خود روی شناسنامه به دیگری جعل نیست، مگر آنکه عکس ممهور به مهر باشد و آن جعل شود.

۲۲. اگر یک نوشته ای پاره شود سپس تکه های پاره شده همان نوشته به هم متصل گردد، جعل نیست و میتواند حیله و تقلب باشد.

۲۳. هم ساختن مهر و هم به کار بردن مهر دیگری، جعل است. مهم نیست که مهر به شخص سپرده شده باشد یا آنرا از طرق دیگر مثلا سرقت یا تهدید تحصیل کرده باشد. اگر شخصی هم مهر بسازد و هم از آن استفاده کند تعدد مادی است.

۲۴. موضوع جرم: نوشته، مهر، منگنه، علامت و تمبر است.

۲۵. تغییر داده ها یا علائم موجود در کارت های حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای، جعل رایانه ای محسوب می شود. (م ۷۳۴ و ۷۳۵ تعزیرات)

۲۶. دیوار نویسی یا سنگ نوشته و نقاشی نوشته نیست. و کپی برداری از آن جعل نیست مگر با جعل امضای نقاش باشد. تغییر ارقام در شماره شاسی موتور و پلاک اتومبیل جعل نیست. جرم خاص م ۷۲۰ تعزیرات:

۲۷. در خصوص استفاده غیر مجاز از علامت استاندارد باید به تبصره م ۵۲۵ تعزیرات توجه کرد.

۲۸. منگنه، علامتی است که برای تعیین عیار طلا و نقره بکار می رود. منظور از جعل منگنه ساخت خود منگنه است.

۲۹. در جعل شبیه سازی اصولاً شرط نیست بلکه قابلیت به اشتباه اندازی شرط است. مگر در موارد خاص و مشهور مثل جعل اسکناس.

۳۰. جعل، جرم مطلق است و تحقق نتیجه شرط نیست اما قابلیت اضرار لازم است. منظور از ضرر، ضرر مادی، معنوی یا اجتماعی است.

۳۱. موضوع جرم جعل باید دو ویژگی داشته باشد:

۱) اصیل باشد: یعنی موضوع جعل خود جعلی، باطل و غیر قانونی نباشد.

۲) سندیت داشته باشد: جعل در فتوکپی سند یا اسکن اعم از عادی و رسمی جعل نیست مگر اینکه مصدق باشند.

۳۲. جعل، جرم عمدی است. عمد در قالب حقیقت در یک سند یا نوشته و علم به متقلبانه بودن و قصد ایراد ضرر به غیر یا به عبارت دیگر قصد تقلب (سوء نیت خاص) لازم است. قصد انتفاع لازم نیست.

۳۳. مواد ۵۲۳ تا ۵۴۱ تعزیرات:

۳۷. م ۵۳۸ تعزیرات: جعل گواهی پزشک، مطلق، مرتکب: هرکس، مباشرت مادی و معنوی. هدف از جعل موضوعیت دارد.

۳۸. م ۵۳۹ تعزیرات: صدور گواهی خلاف واقع، جعل نیست، مطلق، مرتکب: طبیب، هدف از صدور گواهی موضوعیت دارد، اگر در قبال صدور گواهی پول دریافت کند فقط مجازات ارتشا دارد و پزشک در حکم مرتشی است.

۳۹. م ۵۴۰ تعزیرات: صدور گواهی خلاف واقع توسط غیر پزشک یا پزشک در غیر از مورد موضوع ماده قبل، مقید، منوط به ورود ضرر به شخص ثالث یا ورود خساراتی بر خزانه دولت ،

۴۰. طبق بند د ماده ۲۴ قانون صدور چک: در صورت جعل چک تضمین‌شده یا استفاده از چک تضمین‌شده مجعول، مرتکب علاوه بر مجازات‌های قانونی مقرر، به حکم دادگاه به مدت دو تا شش سال از گرفتن چک تضمین‌شده محروم می‌شود.

۴۱. استفاده از سند مجعول نیز یک جرم مطلق است و اصولا یک جرم غیر قابل گذشت است مگر استفاده از سند مجعول غیر رسمی، که جرم قابل گذشت محسوب می شود. گفتنی است این جرم مستقل از جرم جعل می باشد.

۸۲. جرایم مرتبط به سکه:

جرائم مشترک بین سکه های طلا و نقره و غیر آنها:

الف) ساختن

ب) وارد کردن به کشور

پ) خرید و فروش

ت) ترویج

← جرایم مطلق بدون نیاز به سوء نیت خاص.
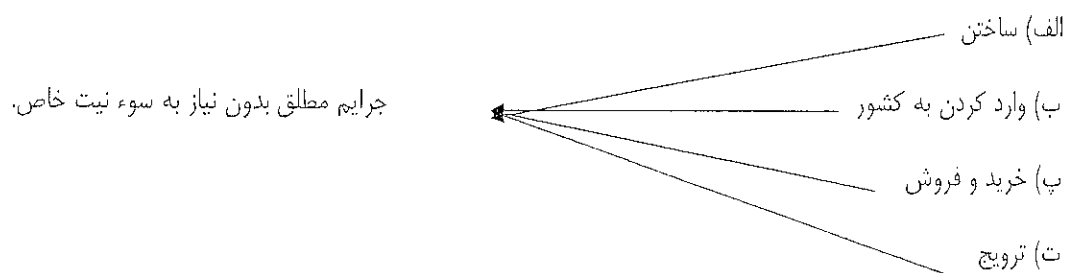
نکته: در ساختن سکه شبیه سازی عرفی که موجب عدم تشخیص با اصل شود لازم است.

جرائم مختص سکه های طلا و نقره:

الف) تخدیش به قصد تقلب   ب) وارد کردن سکه مخدوش   پ) ترویج سکه مخدوش

نکته: خارج کردن سکه تقلبی رایج یا مورد معامله جرم محسوب نمی شود.

نکته: در جرایم مربوط به سکه طلا و نقره باید آن سکه ها مورد معامله واقع شوند یعنی دارای رواج نسبی باشند. یعنی سکه های طلا و نقره حکومت فعلی و پهلوی لذا ساختن سکه های طلا و نقره ماقبل آن مشمول عنوان ساختن سکه نیست بلکه اگر به قصد جا زدن به عنوان اصل باشد جرم مستقلی است. موضوع م ۵۶۶ مکرر.

در جرایم مربوط به سکه های غیر طلا و نقره رایج بودن شرط است. منظوراز رایج بودن معنای عرفی آن است، بنابراین سکه های حکومت‌های قبلی یا حتی سکه های حکومت فعلی که درحال حاضر رایج نمی باشد موضوع جرم قلب سکه نیست. (م ۵۱۸ تا ۵۲۲ تعزیرات)

۸۳. رشوه:

۱. رشوه دادن: ← رشاء ← راشی ← هرکس. مال داده شده به عنوان تعزیر ضبط می‌شود و امتیازی اگر تحصیل شده لغو می‌شود. (م ۵۹۲ تعزیرات)

۲. رشوه گرفتن: ← ارتشاء ← مرتشی ← کارمند دولت (مثل اختلاس و تصرف غیرقانونی)

۳. واسط بین راشی و مرتشی: ← رایش ← هرکس ← رایش: در حکم راشی است.

۴. رشاء و ارتشا، ملازم با هم ندارند ممکن است یکی واقع شود و دیگری واقع نشود.

۵. رشوه دادن و گرفتن به ۲ نوع است
- ۱. دادن وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال.
- ۲. معامله صوری: گران خریدن یک مال از کارمند دولت. یا ارزان فروختن مال به کارمند دولت. (م ۵۹۰ تعزیرات)

۶. موضوع رشوه الزاماً مال، اعم از منقول یا غیرمنقول، وجه نقد یا سند پرداخت مال به هر مبلغ و میزان است؛ البته، میزان آن در مجازات مرتشی مؤثر است؛ لذا رشوه باید جنبه مالی داشته باشد، پیشنهاد دوستی، رشوهٔ جنسی و... از شمول این جرم خارج است.

۷. برخلاف کلاهبرداری، صرف دادن و گرفتن سند پرداخت وجه، رشوه است لذا حتی اگر بی‌محل باشد، منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شود یا هنوز وصول نشده باشد، جرم تام رشاء و ارتشا محقق شده است.

۸. صرف پیشنهاد دادن و گرفتن رشوه، رشوه و یا حتی شروع به آن نیست.

۹. رد و بدل شدن قطعی مال موضوعیت ندارد و صرف قبول و توافق قطعی، رشوه است حتی اگر هنوز مالی رد و بدل نشده باشد.

۱۰. وعده‌ای که کارمند دولت با دریافت رشوه قول اجابت آن را می‌دهد، باید جزء وظایف سازمانی او باشد.

۱۱. رایش ← م ۵۹۳ تعزیرات:

۱۲. رشاء و ارتشاء جرم مطلق است. لازم نیست کار مورد نظر راشی انجام شود. در حالی که به نظر رفتار رایش جرمی است مقید.

۱۳. مهم نیست درخواست راشی مبنی بر عدم حقانیت او باشد، حتی درخواست رشوه‌دهنده می‌تواند یک درخواست قانونی باشد.

۱۴. اخذ رشوه توسط ممیز، داور یا کارشناس: م ۵۸۸ تعزیرات: (جرم مقید)

۱۵. اخذ رشوه توسط قاضی محکمه کیفری: م ۵۸۹ تعزیرات:

۱۶. اخذ وجه توسط پزشک برای صدور گواهی خلاف واقع ← م ۵۳۹ تعزیرات: ...

۱۷. معاذیر راشی: ۱) م ۵۹۱؛ ۲) تبصره م ۵۹۲- ؛ ۳) تبصره ۵ م ۳ قانون تشدید: اگر قبل از کشف، اطلاع دهد، از تعزیر مالی معاف و در خصوص امتیاز کسب شده طبق قانون عمل می‌شود. اما اگر بعد از کشف، تعقیب جرم را تسهیل کند تا نصف مالی که داده برگردانده و امتیاز لغو می‌شود.

۱۸. شروع به جرم رشاء و ارتشاء تابع م ۱۲۲ است. (ماده ۵۹۴ نسخ تعزیرات نسخ شده است.)

۱۹. به مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ تعزیرات توجه کنید.